رساله

احکام بانوان

مطابق با فتاوای

حضرت آیة الله العظمی بهجت



مرکز تحقیقات رایانه ای
قائمیه
اصفهان
السلام علیک یا صاحب الزمان
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.ir

احکام دختران و بانوان(مطابق با فتاوای حضرت آیة اللّه العظمی بهجت)

مشخصات کتاب

سرشناسه : بهجت محمدتقی - ۱۲۹۴
عنوان و نام پدیدآور : احکام دختران و بانوان مطابق با فتاوای بهجت به‌کوشش علیرضا گرم آبدشتی مشخصات نشر : قم موسسه فرهنگی انتشاراتی مشهور، ۱۳۸۰.
مشخصات ظاهری : ۱۷۳ ص جدول شابک : 964-91609-8- ۱۶۰۰۰ریال
یادداشت : چاپ پنجم ۱۳۸۱؛ ۶۰۰۰ ریال موضوع : زنان وضع حقوقی و قوانین (فقه
شناسه افزوده : گرم آبدشتی علیرضا، ۱۳۴۵ - ، گردآورنده رده بندی کنگره : BP۱۸۹/ب۹الف۲۷ ۱۳۸۰
رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۶
شماره کتابشناسی ملی : م ۸۰-۲۳۷۹۹

خلاصه ای از زندگی

خلاصه ای از زندگی نامه عارف ربّانی فقیهاهل بیت علیهم السّلام حضرت آیة اللّه العظمی حاج شیخ محمد تقی بهجت فومنی (دامتبرکاته).

ولادت

آیة اللّه العظمی بهجت ، در اواخر سال 1334 ق در خانواده ای مذهبی و تقوا پیشه ، در شهر مذهبی ((فومن)) چشم به جهان گشود. پدر ایشان ، کربلای محمود بهجت ، از مردان مورد اعتماد شهر بود و در ضمن اشتغال به کسب و کار به حلّ و فصل امور مردم می پرداخت .

تحصیلات

ایشان ، تحصیلات ابتدایی را در مکتب خانه فومن به پایان برد و سپس ، به تحصیل علوم دینی پرداخت . بعد از تحصیل ادبیات عرب در شهر فومن ، در سال 1348 ق برای تکمیل علوم حوزوی راه هجرت را پیش گرفت .

پس از چندی اقامت در قم که چند سالی از پا گرفتن حوزه علمیه قم به دست مرحوم آیة اللّه حائری (قدّس سرّه) نگذشته بود به عراق هجرت کرد و در کربلای معلّی اقامت نمود و حدود چهار سال علاوه بر تهذیب نفس و خودسازی ، از محضر استادان بزرگ آن جا بهره جستند.

و در سال 1352 ق برای ادامه تحصیل به نجف اشرف تشرف حاصل کرده و سطوح عالی را در محضر آیات عظام آن جا، به پایان رساند.

جدّیت در تحصیل

معظم له در تحصیل علوم چنان جدّیت داشت و چنان به

درس می پرداخت که گویی غیر از درس ، اشتغال دیگری ندارد و در تاءلیف کتاب سفینة البحار با مرحوم حاج شیخ عباس قمی همکاری داشته و قسمت زیادی از سفینة البحار به خط ایشان است .

ایشان در درس سطح کفایه یکی از تلامذه مرحوم آخوند خراسانی ، روزی به تقریر درس استاد اعتراض نموده و با توجه به اینکه از همه طلاب شرکت کننده در درس کم سالتر بودند، در جلسه بعدی و قبل از آمدن استاد مورد اعتراض و انتقاد شدید شاگردان دیگر قرار می گیرند، ناگهان استاد وارد شده و متوجه اعتراض شاگردان به ایشان گردیده خطاب به آنان می فرمایند: با آقای بهجت کاری نداشته باشید الا ن خواهم گفت ، همه ساکت شدند.

ایشان فرمودند: دیشب که تقریرات درس مرحوم آخوند را مطالعه می کردم متوجه شدم که حق با ایشان است ، پس از این سخن از جدیت و نبوغ ایشان تمجید می نمایند.

اساتید معظّم له

اساتید معظّم له ، عبارت از آیات عظام :
1 - آقای حاج سید ابوالحسن اصفهانی
2 - آقای ضیاء الدین عراقی
3 - میرزای نائینی
4 - حاج شیخ محمد حسین غروی اصفهانی
5 - حاج شیخ محمد کاظم شیرازی
6 - میرزا علی آقای قاضی تبریزی
7 - سید حسین بادکوبه ای
8 - سید محمد حجّت کوه کمره ای
9 - حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی .

تدریس و تاءلیفات

ایشان بیش از پنجاه سال است که به تدریس سطوح و خارج فقه و اصول اشتغال دارند و فضلای گرانقدری از محضر پر فیض ایشان بهره برده اند و اکنون از مجتهدان بزرگ ، به شمار می آیند. استاد به واسطه شهرت گریزی غالباً در منزل تدریس کرده اند. حضرت آیة اللّه تاءلیفات کثیری در فقه و اصول دارند که ذیلاً به تعدادی از آنها اشاره می شود:

الف) یک دوره اصول ، ب) حاشیه بر مکاسب شیخ انصاری رحمة اللّه علیه ج) کتاب الطهارة شرح شرایع ، د) قریب به یک دوره صلاة ، ه) حاشیه بر ذخیرة العباد مرحوم کمپانی که یک دوره فقه فارسی بوده حدود ده مجلد، و) حاشیه بر مناسک حج شیخ اعظم رحمة اللّه علیه

تزکیه و تعلیم

ایشان ، چنان به تهذیب نفس و خودسازی و درک علمای این فن می پرداخت که گویا فقط برای همین کار است و کار دیگر ندارد و در عبادت و تهجّد چنان جدی بود که انگار فقط عابد است .

ایشان بعد از درس مرحوم آقای شیخ محمد حسین غروی ، به حجره باز می گشتند، و پذیرای بعضی از طلاّبی که فهم درس آقای اصفهانی اشکال داشتند، بودند.

و چه بسا در حجره خواب بودند و در حال خواب از ایشان می پرسیدند، و ایشان هم مانند بیداری جواب می دادند، جواب کافی و شافی . و چون از خواب برمی خواستند و از قضایا و پرسشهای در حال خواب با ایشان سخن به میان می آمد، ابداً اطلاع نداشتند و می گفتند: هیچ به نظرم نمی رسد و از آنچه می گویید در خاطرم چیزی نیست .

آیة الله العظمی بهجت از برجسته ترین چهره های زاهد و وارسته زمانمان می باشد که حشمت ، علم و فضائل ایشان ده ها سال است در قلمروهای گوناگون و مجامع دینی و مذهبی مطرح است ، با این حال چنان در جاذبه معنویات قرار گرفته و حقیقت و باطن دنیا را یافته است که ذره ای به

تعلّقات و مادیّات آلوده نگشته و از هر چه رنگ تعلق گرفته آزاد است . او نه تنها چنین اندیشیده و از دنیا و مظاهرش گریزان است بلکه در عمل و زندگی معیشتی نیز، در همین راستا در حرکت است . زندگی ساده او در خانه ای قدیمی و محقّر، در کوچه ای بن بست از کوچه پس کوچه های قم و مقاومت ایشان در برابر درخواستهای مکرر علماء و مردم برای تعویض خانه ، گواهی صادق بر روح بزرگ و زاهدانه این پیر فرزانه است .
یکی از مجتهدان بزرگ ، درباره این عارف وارسته گفته است : ((ایشان را نمی شود گفت آدم با تقوایی است ، بلکه عین تقوا و مجسمه تقوا است)).
عبادت
ارتباط استوار آیة الله العظمی بهجت با خداوند متعال ، ذکرهای پی در پی ، بجای آوردن نوافل ، شب زنده داریهای کم نظیر ایشان بسیار درس آموز است . سالهای سال است که نماز جماعت ایشان از پر شورانگیزترین ، با صفاترین و روحنوازترین جماعتهای ایران اسلامی است . در این نماز عالمان وارسته و خداجوی ، کثیری از طلاب انقلابی خارج از کشور، بسیجیان رزمجو و دلداده خدا، طلاب تقوی پیشه و دیگر قشرهای مردم شرکت می کنند. این نماز چنان پر از معنویت است که گاه با صدای گریه و آهنگ حزین این پیر فرزانه شکوه ویژه ای پیدا می کند و گاه صدای گریه آیة الله العظمی بهجت با گریه و ناله غم انگیز نمازگزاران همراه می شود. در نماز ایشان روحها به پرواز می آید، چشمها به اشک می نشیند، فضای دلها بارانی می گردد و گاه قطره های درشت اشک بر دامن سجاده ها می ریزد. چنین فضای معنوی و روح نوازی را، تا کنون در هیچ نماز جماعتی ندیده ایم ، بی جهت نیست که در مسجد ایشان ، بسیاری از اوقات جا برای نمازگزاران تنگ می شود و عده کثیری و حتی آنان که مشتاقانه و به امید کسب فیض از این نماز پر معنویت ، از راههای دور آمده اند مجبور به ترک مسجد می گردند.
زیارت و توسل
کمتر کسی را می توانیم در قم پیدا کنیم که چون ایشان با این سن و سال هر روز با نهایت ادب به محضر مقدس حضرت معصومه علیهاالسّلام شرفیاب گردیده و با توسل عجیب و روزانه خویش به حضرت معصومه علیهاالسّلام با احترام و خضوع و خشوع در مقابل ضریح مطهر ایستاده و پس از خواندن زیارت عاشوراء مولایش اباعبدالله الحسین علیه السّلام ینگونه زندگی روزمره خویش را آغاز کند. کجا پیدا می کنید، کجا؟
مؤ لف کتاب انوارُ الملکوت نیز از قول آیة الله حاج شیخ عباس قوچانی وصی مرحوم میرزا علی آقای قاضی نقل می کند که : آیة الله العظمی بهجت بسیار به مسجد سهله می رفتند و شبها تا به صبح تنها بیتوته می

نمودند. یک شب که بسیار تاریک و چراغی هم در مسجد روشن نبود، در میانه شب ، احتیاج به تجدید وضو پیدا کرده و برای تطهیر و وضو به ناچار باید از مسجد بیرون رفته و در محل وضوخانه که بیرون مسجد و در سمت شرقی آن واقع است وضو بسازند.
ناگهان مختصر خوفی در اثر عبور این مسافت و در ظلمت محض و تنهائی در ایشان پیدا می شود. به مجرد این خوف یک مرتبه نوری ، همچون چراغ در پیشاپیش ایشان (آیة الله العظمی بهجت) پدیدار شده که با ایشان حرکت می کرد.
ایشان با آن نور خارج شده تطهیر کرده و وضو گرفتند و سپس به جای خود برگشتند و در همه این احوال آن نور در برابرشان حرکت داشت ، تا وقتی که به محل خود رسیدند و آن نور از بین رفت .
ارتباط با امام خمینی
حضرت امام رحمة اللّه علیه به ایشان عنایت خاصّی داشتند، یکی از بزرگان ، در مورد عنایت ویژه حضرت امام رحمة اللّه علیه به ایشان می گوید: در یکی از شرفیابی های خبرگان رهبری به خدمت امام راحل رحمة اللّه علیه از ایشان رهنمودی برای مسائل اخلاقی خواسته شد، حضرت امام رحمة اللّه علیه آنها را به حضرت آیة اللّه العظمی بهجت حواله دادند و در جواب اظهار خبرگان که معظم له کسی را نمی پذیرد، فرمودند: آن قدر اصرار کنید تا بپذیرد.
یکی از شاگردان امام رحمة اللّه علیه در خاطره ای می گوید: پس از آزادی حضرت امام رحمة اللّه علیه و ورود ایشان به قم در سال 1341 (ش) تمام محله های قم ، جشن گرفتند و منزل امام هر روز پر از جمعیت بود. حضرت آیة الله العظمی بهجت نیز از کسانی بود که هر روز به منزل امام تشریف می آوردند و مدتی بر درِ یکی از حجرات بیت ایشان می ایستادند، وقتی به ایشان پیشنهاد شد که : ((شایسته نیست که بیرون اطاق بایستند، لا اقل داخل اطاق بنشینند.))، ایشان در جواب فرمود: ((من ، بر خود واجب می دانم که جهت تعظیم این شخصیت ارزنده هر روز به اینجا آمده و دقایقی بایستم و سپس باز گردم)).
ارتباط مستمر مقام رهبری با آیة الله العظمی بهجت
حضور مقام معظم رهبری حضرت آیة الله خامنه ای و مسؤ ولان نظام مقدّس جمهوری اسلامی ، در بیت ایشان و ارتباط مستمر آنان با این فقیه ژرف اندیش تاءیید مستحکمی است از خردمندی های سیاسی و ارزش های معنوی آن بزرگوار.

پیشگفتار

معنای احکام
دستورهای عملی اسلام که وظیفه انسان ها را نسبت به کارهایی که باید انجام دهند و یا از آن دوری کنند، مشخص می کند، احکام گویند.
اقسام احکام
احکامی که وظیفه مکلّفان را معلوم می کند، پنج قسم است :
واجب ، حرام ، مستحب ، مکروه ، مباح .
واجب : کاری است که انجام دادن آن لازم است و ترک آن عقاب دارد، مانند نماز و روزه .
حرام : کاری است که ترک آن لازم و انجام دادنش عقاب دارد،مانند دروغ و ظلم .
مستحب : به کاری می گویند که انجام دادنش بهتر است و ثواب دارد، مانند صدقه دادن .
مکروه : کاری است که ترک آن نیکو می باشد، ولی انجام دادنش عقاب ندارد، مانند فوت کردن به غذا و خوردن غذای داغ .
مباح : به کاری گویند که انجام دادن و ترک آن مساوی است ، نه عقاب دارد و نه ثواب ، مانند راه رفتن و نشستن .
احتیاط مستحب : احتیاطی است غیر فتوای فقیه ، و رعایت آن واجب نیست .
احتیاط واجب : امری است که مطابق احتیاط بوده ولی فقیه در آن فتوا نداده است ، در چنین مواردی مقلّد می تواند به فتوای مجتهد دیگر که در رتبه بعد قرار دارد (فالا علم) عمل کند.
احوط: منطبق با احتیاط.
اظهر: ظاهرتر و روشن تر، از فتواست و مقلّد باید طبق آن عمل کند.

بلوغ
در آغاز جوانی هر فردی تحولی بزرگ در او رخ می دهد. قوای جسمی و روحی اش شکوفا می شود، عشق و امید در او موج می زند. احساس می کند شخصیتی پیدا کرده ، دیگر تابع این و آن نیست . می خواهد خودش مستقل باشد، خودش تصمیم بگیرد، یعنی دیگر او ((بالغ)) شده ، ولی چه کند، نمی داند از میان هزاران راهی که در پیش چشمان او رخ می نماید کدام را انتخاب کند. می خواهد سعادت ابدی را تحصیل کند. احساس می کند به رهنمایی آگاه و دلسوز نیاز دارد. پیک الهی را می بیند که با نامه ای آسمانی به سویش آمده دست او را می بوسد و نامه اش را می گشاید، همه چیز در آن هست ، دیگر جایی برای نگرانی باقی نمانده ، راه از چاه و حق از باطل برایش روشن شده است و به شکرانه این که خدا تاج عزّت بر سر او نهاده است ((جشن تکلیف)) می گیرد، یعنی از این به بعد ((مکلّف)) شده است و نسبت به احکام وظیفه دارد.
علائم بلوغ
بعضی پس از چند ماه که از بلوغشان گذشته تازه متوجه می شوند که بالغ بوده اند و در این مدت وظایف خود را انجام نداده اند.
تشخیص این مساءله آسان است ولی بیایید کمی دقت کنیم ، بلوغ سه نشانه دارد اگر یکی از آنها در دختر دیده شود بالغ شده است .
1 - سن بلوغ
باز هم توجه داشته باشیم که سن بلوغ بر اساس سال قمری است .
سن بلوغ در دختران تمام شدن نُه سال قمری است .
سال قمری ده روز و هجده ساعت از سال شمسی کمتر است .
حالا بیایید 96 روز و 18 ساعت را از 9 سال شمسی کم کنیم تا سن بلوغ دختران بر اساس سال شمسی به دست آید.
استفتاء
سن بلوغ دختر تمام شدن نُه سال قمری است ، ولی تکالیفی که قدرت بر انجام آن نداشته باشد، مثل روزه ، از جهت عدم قدرت ساقط است . ولی اگر می تواند در همان رمضان بطور منفصل (مثلا یک روز در میان) (1) انجام دهد و به وظیفه اش عمل کند.
2 - روئیدن مو
یکی دیگر از علایم بلوغ روئیدن ((مو)) در زیر شکم است .
3 - عادت ماهانه
از نشانه های مهم بلوغ در دختران افزایش طول قد، بزرگ شدن پستانها و

لگن خاصره است و سرانجام عادت ماهانه است . همه این نشانه ها دلیل بر آن است که دختر نوجوان قادر به تولید مثل است و عادت ماهانه پایان رشد سریع بدنی دختران را اعلام می دارد.

نگاهی به دوران پیش از بلوغ

وقتی انسان به حد تکلیف رسید باید نظری به دوران قبل از بلوغ خود بیندازد تا اگر وظیفه ای از دوران پیش از بلوغ بر عهده وی آمده آن را انجام دهد.

به چند نمونه توجه کنید:

خمس : اگر بچه خردسالی سرمایه ای داشته باشد و از آن منافعی به دست آید، بنابر احتیاط مستحب بعد از آن که بالغ شد باید خمسش را بدهد.

جبران حقوق مردم : اگر بدون رضایت صاحب مال ، در مال او تصرف کند یا چیزی از اموال او را از بین ببرد و یا چیزی از اموال دیگران را بردارد، پس از آن که بالغ شد باید خسارتش را بپردازد و یا صاحب آن را راضی کند (اگر ولّی شخص نابالغ صاحب مال را راضی نکرده باشد).

دختر پس از بلوغ می تواند در اموال خود تصرف کند، ولی اگر به حدی از رشد نرسیده که بتواند سود و زیان خود را بسنجد، هنوز حق تصرف در اموال خود را ندارد و مسؤ ولیت اموال او با پدر و پدر بزرگ (پدری) اوست .

دین اسلام بر اساس اعتقادات صحیح و حق و دستوراتی برای انجام دادن و ترک کردن چیزهایی در زمینه های گوناگون ، بنا شده است .
در اعتقادات ، تقلید جایز نیست . در اعمال و دستورهای غیر اعتقادی ، امّا ضروری دین ، هم تقلید لازم نیست ، ولی در غیر ضروریات اگر شخص مجتهد باشد، یعنی ، بتواند از روی دلایل شرعی وظیفه خود را تشخیص دهد، باید طبق نظریه خود عمل کند. در غیر این صورت ، عقل برای او دو راه معین کرده است :
الف) تقلید: یعنی بر طبق فتاوای مجتهدی که واجد شرائط است ، عمل کند.
ب) احتیاط: یعنی با توجه به نظر تمامی و یا گروهی از مجتهدان ، آنچه را مطابق احتیاط می بیند، عمل کند.
چرا در مسائل دینی باید تقلید کنیم
انسان هنگامی که چشم به این جهان می گشاید چیزی نمی داند، ناچار باید از تجارب و از اندوخته های علمی دیگران بهره مند شود، زیرا پیمودن راه پر پیچ و خم زندگی نیاز به علم و دانش است .
اساساً زندگی روی دو پایه محکم استوار است : ((دانستن)) و ((عمل کردن))
بر مبنای همین اصل نخستین است که انسان زندگی را آغاز می کند، و سپس با کمک غرایز راه و رسم زندگی را آموخته و درِ کمال و سعادت به روی او باز می شود و آن غریزه ((تقلید)) است که با منطق صحیح عقل و فطرت همراه است .
بر اساس همین منطق و فطرت است که ما در زندگی روزمره برای ساختن عمارت به معمار و بنّاء، و در دوختن لباس به خیاط، و هنگام بیماری به طبیب مراجعه می کنیم .
به هر حال عقل و فطرت ما را در هر رشته ای به کارشناس و متخصص آن ارجاع می دهد.
همچنین بر اساس همین منطق است که در تعلیمات دینی و قوانین الهی مردم به پیروی از فقهایی که در تشخیص احکام الهی مهارت دارند، رهنمون می شوند، فقهایی که سالیان طولانی با استعداد سرشار خود در راه علم و دانش قدم برداشته ، و به مقام شامخ اجتهاد رسیده اند و می توانند قوانین الهی را از مدارک اصلی آن استخراج و استنباط کنند در دسترس مردم قرار دهند.
فقهایی که رهبران و راهنمایان دینی مردم هستند و از طرف پیشوایان

الهی اسلام این مقام بزرگ به آنها اعطاء شده است تا افراد را در تمام شئون دینی رهبری کنند.

شرائط مرجع تقلید

مساءله 1 :

مجتهدی که انسان از او تقلید می کند باید دارای چنین شرایطی باشد:

مرد باشد، عاقل باشد، شیعه دوازده امامی باشد، حلال زاده باشد، آزاد باشد، زنده باشد، عادل باشد، و بنابر اظهر از مجتهدان دیگر اعلم باشد و مجتهد اعلم کسی است که در استخراج احکام (از منابع آن) از مجتهدان دیگر استادتر باشد.

راه های شناخت مجتهد اعلم

مساءله 2 :

مجتهد و اعلم را از سه راه می توان شناخت :

الف) خود انسان یقین کند، مثل اینکه از اهل علم باشد و بتواند مجتهد و اعلم را بشناسد

ب) آن که دو نفر عالم عادل که می توانند مجتهد و اعلم را تشخیص دهند، مجتهد بودن یا اعلم بودن کسی را تصدیق کنند، به شرط آن که دو نفر عالم عادل دیگر، با گفته آنان مخالفت نکنند،

ج) آن که عده ای از اهل علم که می توانند مجتهد و اعلم را تشخیص دهند و از گفته آنان اطمینان پیدا می شود، مجتهد بودن یا اعلم بودن کسی را تصدیق کنند. بلکه از هر راهی که انسان ، اطمینان به اعلم بودن کسی پیدا کند، بنابر اظهر می تواند به همان اکتفا کند.

مساءله 3 :

اگر شناختن اعلم ، مشکل باشد و انسان ، گمان به اعلم بودن کسی دارد، در صورتی که گمان او به حدّ اطمینان برسد، باید از او تقلید کند، بلکه اگر اطمینان برای او حاصل نشد، ترجیح کسی که فقط به اعلم بودن او گمان دارد یا احتمال می دهد، بعید نیست .

ولی بهتر این است که در این صورت ، به قول کسی عمل کند که موافق احتیاط باشد. و اگر چند نفر در نظر او اعلم از دیگرانند، و با یکدیگر مساوی باشند، باید از یکی از آنان تقلید کند.

راه های بدست آوردن فتوای مجتهد

مساءله 4 :

راه های به دست آوردن فتوای مجتهد، عبارت است از:

الف) شنیدن از خود مجتهد

ب) شنیدن از دو نفر عادل که فتوای مجتهد را نقل کنند

ج) شنیدن از کسی که مورد اطمینان ، و راستگو است

د) دیدن در رساله مجتهد در صورتی که به درستی آن رساله اطمینان

داشته باشد،بنابر احوط
مساءله 5 :
اگر مجتهد اعلم در مساءله ای فتوا دهد، کسی که از او تقلید می کند، نمی تواند در آن مساءله ، به فتوای مجتهد دیگر عمل کند،ولی اگر مجتهد او فتوا ندهد و بفرماید:((احتیاط آن است که فلان طور عمل شود.)) مثلا بفرماید: ((احتیاط آن است که در سه مرتبه تسبیحات اربعه (سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر) بگویند)) ، باید مقلد به این احتیاط - که احتیاط واجب می گویند- عمل کند و سه مرتبه بگوید و یا بنابر احتیاط واجب ، از مجتهدی که علم او از مجتهد اعلم کمتر و از مجتهدهای دیگر بیشتر و یا مساوی است ، عمل کند، پس اگر او یک مرتبه گفتن را کافی بداند، می تواند یک مرتبه بگوید.
مساءله 6 :
اگر مجتهد اعلم بعد از آن که در مساءله ای فتوا داده ، احتیاط کند و مثلاً بفرماید: ((ظرف نجس را اگر یک مرتبه در آب کر بشویند، پاک می شود، اگر چه احتیاط آن است که سه مرتبه بشویند)) مقلّد او نمی تواند در آن مساءله ، به فتوای مجتهد دیگر عمل کند، بلکه باید یا به فتوا عمل کند، یا به احتیاط بعد از فتوا- که آن را احتیاط مستحب می گویند- عمل کند.
مساءله 7 :
فقها، برای تقلید ابتدایی ، زنده بودن مجتهد را شرط می دانند، امّا اگر مرجع تقلید انسان از دنیا رفت ، در این که ((آیا می تواند بر تقلید او باقی بماند یا به مجتهد زنده مراجعه کند؟)) مورد اختلاف است . پس اگر کسی در این مساءله ، مجتهد بود، طبق نظر خودش عمل می کند و گر نه طبق نظر مجتهد زنده اعلم عمل می کند.
مساءله 8 :
مسائلی را که انسان غالباً به آنها احتیاج دارد، واجب است یاد بگیرد
مساءله 9 :
اگر مکلف مدتی اعمال خود را بدون تقلید انجام دهد، در صورتی اعمال او صحیح است که بفهمد به وظیفه واقعی خود عمل کرده است و یا عمل او با فتوای مجتهدی که وظیفه اش تقلید از او بوده ، یا با فتوای مجتهدی که فعلاً باید از او تقلید کند، مطابق باشد و عباداتی را که قبلاً انجام داده ، با قصد قربت انجام داده باشد.

1 - آیا باقیماندن بر تقلید میّت ، جایز است یا نه .
بسمه تعالی
بنابراقوی جائز است ، در آنچه که تقلید در آنها محقّق شده است در صورت تساوی میّت و حیّ و اظهر وجوب بقاء است در صورت اعلمیّت از حیّ.
2 - آیا عدول از مجتهد حیّ به حیّ، جایز است یا نه .
بسمه تعالی
جایز است ولی احوط ترک عدول است مگر به اَعْلَم و این احتیاط در غیر وقائع متعدّده غیرمرتبطه ، ترک نشود، و مانند اعلمیّت و اورعیّت علی الاظهر.

نجاسات

نجاسات ده چیز است :
1 : بول
2 : غائط (مدفوع)
3 : منی
4 : مردار
5 : خون
6 : سگ
7 : خوک
8 : کافر
9 : شراب
10 : فقاع
مساءله 10 :
بول و غائط انسان و هر حیوان حرام گوشتی که خون جهنده دارد، یعنی ،اگر رگ آن را ببرند، خون از آن جستن می کند، نجس است . فضله حیوانات کوچک ، مثل پشه و مگس که گوشت ندارند، پاک است .
مساءله 11 :
فضله پرندگان حرام گوشت ، نجس است و فضله خفاش ، بنابر احتیاط نجس است .
مساءله 12 :
خون انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد، نجس است ، ولی خون حیوانی که مانند ماهی و پشه ، خون جهنده ندارد پاک می باشد.
مساءله 13 :
خونی که از لای دندان ها می آید، اگر به واسطه مخلوط شدن با آب دهان از بین برود، پاک است .
مساءله 14 :
خونی که به واسطه کوبیده شدن ، زیر ناخن یا زیر پوست می میرد، اگر طوری شود که دیگر به آن خون نگویند پاک است و اگر به آن خون می گویند، نجس است .
مساءله 15 :
اگر موقع جوشیدن غذا، ذرّه ای خون در آن یافتند، تمام غذا و ظرف آن نجس می شود جوشیدن و حرارت و آتش پاک کننده آن نیست .
مساءله 16 :
سگ و خوکی که در خشکی زندگی می کنند، همه اجزای آنها حتی مو و

استخوان و پنجه و ناخن و رطوبت آنها نجس است ، ولی سگ و خوک دریایی پاک است .

مساءله 17 :

کسی که منکر خداست یا برای خدا شریک قائل است یا پیامبری حضرت خاتم الانبیاء صلّی اللّه علیه و آله را قبول ندارد و نیز کسی که ایمان به خدا و پیامبرصلّی اللّه علیه و آله نداشته باشد، کافر و نجس می باشد و نیز کسی که یکی از ضروریات دین اسلام ، مثل نماز یا روزه را انکار کند با علم به این که ضروری دین است ، نجس می باشد.

مطهّرات

یازده چیز نجاست را پاک می کند و آنها را ((مطهّرات)) گویند.
آنها عبارتند از:
1 : آب
2 : زمین
3 : آفتاب
4 : استحاله
5 : کم شدن 23 آب انگور
6 : انتقال
7 : اسلام
8 : تبعیّت
9 : بر طرف شدن عین نجاست از ظاهر حیوان و باطن انسان
10 : استبرای حیوان نجاست خوار
11 : غایب شدن مسلمان
توضیح بعضی از موارد فوق که دارای اهمیّت بیشتری است .

اقسام آب

آب جاری
آب کر
مطلق :آب باران
آب قلیل
آب چاه
آب مضاف ،
و آن آبی است که آن را از چیزی گرفته باشند، مثل آب هنداوانه و گلاب و یا باچیزی مخلوط شده باشد، مثل آبی که به قدری با خاک و مانند آن مخلوط شود که دیگر به آن آب نگویند.

آب کر
مساءله 18:
آب کر، بنابر اقوی مقدار آبی است که اگر در ظرفی که درازا و پهنا و گودی آن (طول و عرض و عمق) هر یک سه وجب است بریزند آن ظرف را پر کند.
وزن آب کر:
745/376 کیلوگرم است .
یک لیتر آب ، برابر با یک کیلو گرم می باشد.
مساءله 19 :
اگر عین نجس (مانند بول ، خون) یا چیزی که نجس شده است به آب کر برسد و آب بو یا رنگ یا مزه نجاست را بگیرد، نجس می شود و اگر تغییر نکند، نجس نمی شود.
مساءله 20 :
اگر چیز نجس را زیر شیری که متصل به کر است بشویند، آبی که از آن چیز می ریزد، اگر متصل به کر باشد و بو یا رنگ یا مزه نجاست نگرفته باشد و عین نجاست هم در آن نباشد، پاک است .
آب قلیل
مساءله 21 :
آب قلیل ، آبی است که از زمین نجوشد و از کر کمتر باشد و آب باران (در حال باریدن) هم نباشد.
مساءله 22 :
اگر آب قلیل روی چیز نجس بریزد یا چیز نجس به آن برسد، نجس می شود، ولی اگر از بالا با فشار- بلکه با مطلق حرکت - به پایین روی چیز نجس بریزد، مقداری که به آن چیز می رسد نجس و هر چه بالاتر از آن است پاک می باشد.
مساءله 23 :
آب قلیلی که برای بر طرف کردن عین نجس ، روی چیز نجس می ریزند و از آن جدا گردد، نجس است .
آب جاری
مساءله 24 :
آب جاری آبی است که از زمین بجوشد و جریان داشته باشد، مانند آب چشمه و قنات .
مساءله 25 :

آب جاری اگر چه کمتر از کر باشد، چنانچه نجاست به آن برسد، تا وقتی که بو یا رنگ یا مزه آن به واسطه نجاست تغییر نکرده ، پاک است .

آب باران

مساءله 26 :

اگر به چیز نجسی که عین نجاست در آن نیست ، یک مرتبه باران ببارد، جایی که باران به آن برسد پاک می شود و در فرش و لباس و مانند اینها، فشار لازم نیست ، ولی باریدن دو سه قطره فایده ندارد، بلکه بنابر احوط طوری باشد که بگویند باران می آید و به حدّ جریان برسد، و اگر زمین طوری است که آب در آن جریان پیدا نمی کند، کافی است به حدی ببارد که اگر زمین سخت بود بر آن جاری می شد.

آب چاه

مساءله 27 :

آب چاهی که از زمین می جوشد، اگر چه کمتر از کر باشد، چنانچه نجاست به آن برسد تا وقتی که بو یا رنگ یا مزه آن به واسطه نجاست تغییر نکرده ، پاک است .

آب مضاف

مساءله 28 :

آب مضاف ، چیز نجس را پاک نمی کند و وضو و غسل هم با آن باطل است .

مساءله 29 :

آب مضاف هر قدر زیاد باشد، اگر ذرّه ای نجاست به آن برسد، نجس می شود.

آب

مساءله 30 :

آب ، با چهار شرط چیز نجس را پاک می کند.

اول :

مطلق باشد، پس آب مضاف مانند گلاب و عرق بید، چیز نجس را پاک نمی کند.

دوم :

پاک باشد

سوم :

وقتی چیز نجس را می شویند آب مضاف نشود

چهارم :

بعد از آب کشیدن چیز نجس ، عین نجاست با چیزی که نجس شده و پاک نشده است ، در آن نباشد

مساءله 31 :

ظرفی که به غیر بول نجس شده ، اگر یک مرتبه شسته شود، پاک می شود، حتی اگر با آب قلیل باشد بنابر اقوی ، ولی ظرفی را که سگ لیسیده یا از آن ، آب یا چیز روان دیگر خورده ، اظهر این است که اگر با خاک ممزوج به آب ، خاک مالی شود و بعد از آن دو مرتبه با آب قلیل یا یک مرتبه با آب کر یا جاری شسته شود، کافی است .

مساءله 32 :

ظرفی را که به غیر بول نجس شده ، با آب قلیل به دو صورت می توان آب کشید:

اول :

آن که بنابر اقوی یک مرتبه از آب پر کنند و خالی کنند

دوم :

یک دفعه ، قدری آب در آن بریزند و آب را طوری در آن بگردانند که به جاهای نجس آن برسد و بیرون بریزند. و اگر به بول نجس شده باشد، این کار را دوبار انجام دهند.

مساءله 33 :

اگر چیز نجس را بعد از بر طرف کردن عین نجاست ، یک مرتبه در آب کر یا جاری فرو برند که آب به تمام جاهای نجس آن برسد، پاک می شود. و احتیاط واجب آن است که فرش و لباس و مانند اینها اگر با آب قلیل شسته شود، طوری فشار یا حرکت دهند که آب داخل آن ، خارج شود.

مساءله 34 :

اگر بخواهند چیزی را که به بول نجس شده ، با آب قلیل آب بکشند، چنانچه یک مرتبه آب روی آب بریزند و از آن جدا شود و در صورتی که بول در آن چیز نمانده باشد، یک مرتبه دیگر آب روی آن بریزند پاک می شود، ولی در لباس و فرش و مانند اینها باید بعد از هر دفعه ، فشار دهند تا غُساله آن بیرون آید.

مساءله 35 :

هر چیز نجس ، تا عین نجاست را از آن بر طرف نکنند، پاک نمی شود.

مساءله 36 :

اگر جایی از بدن یا لباس را با آب قلیل آب بکشند، اطراف آنجا که متصل به آن است و معمولاً موقع آب کشیدن آنجا، نجس می شود، با پاک شده جای نجس ، پاک می شود،

مساءله 37 :

چیزی را که در آن عین نجاست نیست ، اگر زیر شیری که متصل به کر است ، یک دفعه بشویند، پاک می شود.

زمین

مساءله 38 :

زمین ، با سه شرط، کف پا و ته کفش را پاک می کند:
1 : آن که زمین ، بنابر احوط، از عین نجاست و آنچه در حکم نجاست است ، پاک باشد
2 : آن که خشک باشد
3 : آن که اگر عین نجس مثل خون و بول یا متنجس مثلِگلی که نجس شده در کف پا یا ته کفش باشد، بواسطه راه رفتن یا مالیدن پا به زمین یا به هر سبب دیگری بر طرف شود. با راه رفتن روی فرش ، حصیر و سبزه ، کف پا و ته کفش نجس پاک نمی شود.
آفتاب
مساءله 39 :
آفتاب ، زمین و ساختمان و چیزهایی که مانند درب و پنجره ، در ساختمان به کار برده شده و نیز میخی را که به دیوار کوبیده اند با پنج شرط پاک می کند:
1 : چیز نجس به طوری تر باشد که اگر چیز دیگری به آن برسد، تر شود، پس اگر خشک باشد باید به وسیله ای آن را تر کنند تا آفتاب خشک کند
2 : اگر عین نجاست : در آن چیز باشد، پیش از تابیدن آفتاب آن را بر طرف کنند،
3 : چیزی مثل پرده یا ابر، از تابیدن آفتاب جلوگیری نکند
4 : آفتاب به تنهایی چیز نجس را خشک کند، مثلاً اگر چیز نجس ، به واسطه باد و آفتاب خشک شود، پاک نمی گردد.
5 : آفتاب ، مقداری از بنا و ساختمان را که نجاست به آن فرو رفته ، یک مرتبه خشک کند، یعنی ، اگر آفتاب یک مرتبه روی ساختمان را خشک کند و مرتبه دیگر زیر آن را خشک کند، روی ساختمان پاک و زیر آن نجس است .
نکاتی در مورد طهارت و نجاست
1 : تا یقین به نجاست چیزی نداشته باشیم ، آن چیز پاک است . مثلاً اگر به خانه کسی برویم و او بچه دار بوده و نسبت به نجاست هم اعتنایی نداشته باشد همه منزل و لوازم آن پاک است ، چون یقین بر نجاست آن مکان نداریم و طهارت و نجاست با یقین ثابت می شود.
2 : وسواس داشتن : در مورد نجاست دلیل نمی شود که آن چیز نجس باشد. وسواس داشتن . بعضی خانمها در طهارت و نجاست وسواس دارند. این وسواس یک نوع بیماری است و چنانچه که از نامش پیداست وسوسه شیطان است . امّا اگر شخص اراده کند، به راحتی قابلِ درمان است . شکلِ وسوسه اینطور است که مثلاً چیزی نجس شده اینَ خانم آن را یک بار شست و شو می دهد، امّا دوباره وسوسه می شود که آیا پاک شده یا نه لذا دوباره می شوید. این کار تا چند نوبت تکرار می شود. احیاناً اگر دست کسی به لباس ها خورد باز وسوسه می شود که دوباره آن چیز نجس

شده است . این حالت روحی ، فاجعه ای است که دین و دنیا و راحتی و آسایش مادی و معنوی را یک جا با هم می سوزاند. راه شرعی و بهداشتی آن ، همان بود که قبلاً متذکر شدیم .
3 : اگر قسمتی از چیزی نجس شود دلیل بر نجاست همه آن نمی شود.
اگر قسمتی از فرش نجس شده باشد در این جا دو حالت دارد:
1 - اگر خیس باشد، انسان نمی تواند دست یا پا روی آن بگذارد چون به محض ملاقات با نجس ، نجس می شود.
2 - اگر خشک شده باشد، انسان می تواند با دست یا پا روی آن بگذارد، به شرطی که دست یا پایش رطوبت نداشته باشد.
اگر قسمتی از فرش نجس باشد آیا انسان می تواند روی قسمت های دیگر آن که نجس نیست نماز بخواند؟ بله می تواند روی قسمت های دیگر فرش نماز بخواند، چون نجس بودن قسمتی از فرش نجس ، بقیه را نجس نمی کند.
گاهی لباس انسان با خون نجس می شود. اصل نجاست با شستن پاک می شود. این را هم اضافه کنیم که اگر لکه یا اثر آن خون باقی بماند آن لباس پاک است .

1 - اشیاء متنجسّه مثل لباس و غیره اگر با آب قلیل یا کر و یا جاری شسته شود آیا فشار دادن لازم است یا نه .
بسمه تعالی
در آب قلیل لازم است علی الاحوط و در غیر آن به احتیاط مستحب لازم است .
2 - چیزهایی که قابل فشار نیست مثل چوب و برنج و گندم و امثال ذلک هرگاه نجس شوند یعنی آب نجس به جوف آنها برود تطهیرشان چگونه است .
بسمه تعالی
با شستن ، تطهیر ظاهر آنها می شود، اما تطهیر باطن آنها مشکل است مگر آنکه علم به نفوذ آب کُرّ یا جاری در جوف آنها حاصل شود با مجرد خیساندن در آب ، و آن هم به دو شرط:
1 - اینکه آن اشیاء خشکانده شود. قبل از اینکه در آب گذاشته شود.
2 - آب مطلق به داخل آنها نفوذ کند نه آب مضاف .
3 - بخار یا دود یا شعله ای که از نجس یا متنجس بریزد پاک است یا نه .
بسمه تعالی
بخار و دود و شعله ای که از چیز نجس یا متنجس برمی خیزد پاک است ولی اگر بخار به صورت عرق و مایع در آید چه از نجس باشد و چه از متنجس ، نجس است ، و نیز بنابراحتیاط واجب باید از ذرّات چربی و روغنی که از دود نجس و متنجس حاصل می شود و بر سطوح مجاور آن می نشیند اجتناب شود.
4 - بعد از جدا شدن غساله به نحو متعارف ، رطوبت و آبی که باقی می ماند در محل پاک است یا نه .
بسمه تعالی
بله پاک است .
5 - اگر کسی شک داشته باشد در انگور بودن و غوره بودن آیا عصیر چنین چیزی ، به مجرّد جوش آمدن ، حرام و نجس می شود یا نه :
بسمه تعالی
نجس و حرام نمی شود.
6 - آب انگور که به جوش بیاید پیش از بخار شدن دو ثلث آن ، چیزی از اقسام به ، سیب یا کدو و مانند آن در او بیندازند چه صورتی دارد.
بسمه تعالی
اقوی و احوط نجاست آن است و اظهر و احوط تعمیم حکم است به غلیان

به غیر نار، و اظهر طهارتِ مطروح در آنست به تبعیّت بعد از تثلیث .
7 - هرگاه کشمش و خرما را در میان آش یا طعامهای دیگر بجوشانند یعنی مغز آن به جوش آید چه صورتی دارد:
بسمه تعالی
هنگامیکه به جوش بیاید ظاهر خرما و کشمش در روغن یا مثل آن پس احوط اجتناب است از جهت خوردن و آشامیدن و از حیث طهارت و نجاست خواه علم به جوش آمدن باطن آن حاصل شود یا نشود.
8 - اگر خرمائی نارس در طبخ به جوش آید حکمش چیست .
بسمه تعالی
پاک و حلال است .
9 - جمعی طعام می خورند، یکی از آنها فَضْله موشی در آن طعام دید آیا واجب است دیگران را بگوید یا نه :
بسمه تعالی
واجب نیست به آنها بگوید اما خودش نخورد، اگر بعد احتیاج به مباشرت آنها را داشت اعلام کند و هر چه نجس شده تطهیرش کنند.
10 - حناء نجس را اگر به ریش یا به سر بمالد حکمش چیست .
بسمه تعالی
بعد از شستن ریش و سر، رنگ آن پاک است و آنچه از اجزاء کوچکش باقی می ماند بعد از شستن ظاهر آن پاک است .
11 - اگر به ناخن کسی سنگی یا چیز دیگری بخورد و خون در زیرش بمیرد و بعد سوراخی پیدا شود آیا آن خون پاک است یا نه .
بسمه تعالی
اگر خون استحاله شده است پاک است و اگر صدق خون می کند، نجس است و همچنین در غیر ناخن .
12 - اگر طفل شیرخوار پسر یا دختر به جای شیر، شیرخشک مصرف می کنند و هنوز غذاخور نشده اند، به جائی بول بکنند مثل فرش ، لباس ، زمین و امثال ذلک حکمش چیست .
بسمه تعالی
در صورتی که طفل شیرخوار پسر باشد و هنوز غذاخور نشده و شیر خنزیرو کافر هم نخورد باشد بلکه علی الاحوط شیر نجس هم نخورده باشد با ریختن آبی که بر بول او غلبه نماید در تطهیر آن کافی است و حکم در غیر پسر مبنی بر احتیاط است و شیرخشک در حکم غذاست و حکم مذکور در بول پسری که شیرخشک می خورد جاری نمی شود.

نماز گزار، برای اقامه نماز باید وضو بگیرد و در بعضی از موارد باید غسل کند، پس اگر نتواند وضو بگیرد یا غسل کند، باید به جای آن کار دیگری به نام تیمّم انجام دهد.
مساءله 40 :
در وضو واجب است که با نیّت ، صورت و دست ها را بشویند و جلو سر و روی پاها را مسح کنند.
مساءله 41 :
درازای صورت باید از بالای پیشانی ، جایی که موی سر بیرون می آید، تا آخر چانه شست و پهنای آن به مقداری که بین انگشت وسط و شست (انگشت بزرگ) قرار می گیرد باید شسته شود و اگر کمی از این مقدار ذکر شده را نشوید، وضو باطل است .
اگر می خواهد یقین کند که مقدار واجب را شسته است ، باید اطراف آن را هم بشوید.
مساءله 42 :
اگر احتمال دهد چرک یا چیز دیگری در ابروها و گوشه های چشم و لب او هست که نمی گذارد آب به آنها برسد، چنانچه احتمال او در نظر مردم بجا باشد، باید پیش از وضو یا وقت شستن ، آنها را وارسی کند که اگر هست برطرف کند.
مساءله 43 :
اگر پوست صورت از لای مو پیدا باشد، علاوه بر شستن ظاهر موها، بنابر احوط باید آب را به پوست هم برساند، اگر پیدا نباشد، شستن ظاهر مو کافی است و رساندن آب ، به زیر آن لازم نیست .
مساءله 44 :
شستن داخل بینی و مقداری از لب و چشم که وقت بستن دیده نمی شود، واجب نیست .
مساءله 45 :
باید صورت و دست ها را از بالا به پایین شست و اگر از پایین به بالا بشوید، وضو باطل است .
مساءله 46 :
بعد از شستن صورت باید دست راست و بعد از آن دست چپ را از آرنج تا سر انگشت ها بشوید، به طوری که تمام دست ها شسته شود.
مساءله 47 :
برای این که یقین کند آرنج را کاملاً شسته ، باید مقداری بالاتر از آرنج را

هم بشوید.
مساءله 48 :
کسی که پیش از شستن صورت ، دست های خود را تا مچ شسته ، در موقع شستن دست ها برای وضو باید تا سر انگشتان را بشوید و اگر فقط تا مچ را بشوید، وضوی او باطل است .
مساءله 49 :
در وضو، شستن صورت و دست ها بار اول : واجب ، بار دوم : مستحب ، بار سوم : حرام است . مقصود از هر بار شستنِ تمام عضو است و لو اینکه در هر مرتبه شستن چند مرتبه آب بریزد.
مساءله 50:
بعد از شستن هر دو دست ، باید جلوی سر را با تری آب وضو، که در دست مانده ، مسح کند. اگر تری در کف دست نمانده باشد، نمی تواند دست را با آب خارج تر کند، بلکه باید از اعضای دیگر وضو، رطوبت بگیرد و با آن ، مسح کند، و بنابر احتیاط باید اوّل از تری موی ریش و ابرو کمک بگیرد و اگر در آنها تری نبود، از دست ها رطوبت بگیرد. و بنابر احتیاط واجب از بالا به پایین مسح کند.
مساءله 51 :
یک قسمت از چهار قسمت سر که مقابل پیشانی است ، جای مسح می باشد و هر جای این قسمت را به هر اندازه مسح کند، کافی است .
مساءله 52 :
لازم نیست مسح سر، بر پوست آن باشد، بلکه بر موی جلوی سر هم صحیح است ، ولی کسی که موی جلوی سر او به اندازه ای بلند است که اگر شانه کند، به صورتش می ریزد، یا به جاهای دیگر سر می رسد، باید بیخ موها را مسح کند، یا فرق سر را باز کرده ، پوست سر را مسح کند.
مساءله 53 :
بعد از مسح سر باید با تری آب وضو که در دست مانده روی پاها را از سر یکی از انگشتها تا برآمدگی روی پا مسح کند.
مساءله 54 :
در مسح سر و روی پا، باید دست را روی آنها بکشد و اگر دست را نگه دارد و سر یا پا را به آن بکشد، وضو باطل می شود، البته مختصر حرکت سر و پاها هنگام مسح اشکال ندارد.
مساءله 55 :
جای مسح باید خشک باشد و اگر به قدری تر باشد که رطوبت کف دست به آن اثر نکند، مسح باطل است .
شرائط وضو
مساءله 56 :

شرایط صحیح بودن وضو سیزده چیز است :
1 : آب وضو پاک باشد
2 : آب وضو مطلق باشد، مثل آب چاه یا آب جاری یا آب شیر لوله کشی یاآب چشمه
3 : آب وضو غصبی نباشد
4 : ظرف آب وضو مباح باشد(ظرف غصبی نباشد)
5 : ظرف آب وضو طلا و نقره نباشد
6 : اعضای وضو، موقع شستن و مسح کردن ، پاک باشد
7 : وقت برای وضو و نماز کافی باشد
8 : به قصد قربت وضو بگیرد
9 : ترتیب را رعایت کند
10 : موالات ، یعنی پی در پی و پشت سر هم اعمال وضو را انجام بدهد
11 : مباشرت در اعمال وضو، یعنی خودش اعمال وضو را انجام داده و دیگری به او کمک نکند
12 : استعمال آب برای او ضرر نداشته باشد
13 : در اعضای وضو، مانعی از رسیدن آب نباشد.
وضوهای واجب و مستحب
مساءله 57 :
وضو گرفتن برای شش چیز واجب است :
1 : برای نمازهای واجب ، غیر از نماز میّت
2 : برای سجده و تشهد فراموش شده ، در صورتی که بین آنها و نماز حدثی از او سر زده ، مثلاً بول کرده باشد. و بنابر احتیاط برای سجده سهو.
3 : برای طواف واجب خانه کعبه
4 : اگر نذر یا عهد کرده یا قسم خورده باشد که وضو بگیرد
5 : اگر نذر کرده باشد که جایی از بدن خود را به خط قرآن برساند
6 : برای آب کشیدن قرآنی که نجس شده یا بیرون آوردن آن از مستراح و مانند آن ، در صورتی که مجبور باشد دست یا جای دیگر بدن خود را به خط قرآن برساند. مستحب است انسان برای امور زیر وضو بگیرد:
1 -برای نماز میّت
2 - زیارت اهل قبور
3 - رفتن به مسجد و حرم ائمه علیهم السّلام
4 - برای همراه داشتن و خواندن و نوشتن قرآن
5 - برای مسح حاشیه قرآن
6 - برای خوابیدن
7 - وضوی تجدیدی ، یعنی کسی که وضو دارد، دوباره وضو بگیرد.
مساءله 58 :

مسح کردن خط قرآن ، یعنی رساندن جایی از بدن به خط قرآن ، برای کسی که وضو ندارد حرام است ، ولی تماس موی انسان با خط قرآن ، بنابر اظهر مانعی ندارد و اگر قرآن را به زبان فارسی یا به زبان دیگر ترجمه کنند مسح آن اشکال ندارد.

مساءله 59 :

کسی که وضو ندارد، حرام است اسم خداوند را به هر زبانی که نوشته شده باشد، مسح کند و احتیاط واجب آن است که اسم پیامبر صلّی اللّه علیه و آله و امام علیه السّلام و حضرت زهرا علیهاالسّلام را هم مسح نکند.

مبطلات وضو

مساءله 60 :

هفت چیز وضو را باطل می کند:

1 - بول

2 - غائط (مدفوع)

3 - باد معده و روده که از مخرج غائط خارج می شود

4 - خوابی که به واسطه آن چشم نبیند و گوش نشنود

5 - چیزی که عقل را از بین می برد (دیوانگی ، مستی ، بیهوشی)

6 - استحاضه

7 - جنابت و بنابر احوط مس میت .

وضوی جبیره ای

معنای جبیره

مساءله 61 :

چیزی که با آن زخم و شکسته را می بندند و دوایی که روی زخم و مانند آن می گذارند، جبیره نامیده می شود.

مساءله 62 :

اگر در یکی از جاهای وضو، زخم یا دمل یا شکستگی باشد، چنانچه روی آن باز است و آب برای آن ضرر ندارد، باید به طور معمول وضو گرفت .

مساءله 63 :

اگر زخم یا دمل یا شکستگی در صورت یا دست ها باشد و روی آن باز بوده و آب ریختن به کمترین مقدار و شستن روی آن ضرر دارد بنابر احتیاط واجب دست تر بر آن بکشد و بعد احتیاطاً پارچه پاکی روی آن گذاشته و دست تر را روی پارچه هم بکشد.

اگر این مقدار هم ضرر دارد یا زخم نجس است و نمی شود آب کشید، باید اطراف زخم را از بالا به پایین بشوید و بنابر احتیاط واجب ، پارچه پاکی روی زخم گذاشته و دست تر روی آن بکشد.

مساءله 64 :

اگر زخم یا دمل یا شکستگی ، در جلوی سر یا روی پاها باشد و روی آن باز باشد، چنانچه نتواند آن را مسح کند، باید پارچه پاکی روی آن بگذارد و روی پارچه را با تری آب وضو که در دست مانده مسح کند. اگر گذاشتن پارچه ممکن نباشد مسح لازم نیست ولی باید بعد از وضو احتیاطاً تیمم نماید.

1 - چه مقدار مسح جلوی سر کافی است .
بسمه تعالی
آنکه در عرف مسح بنامند و احوط مقدار سه انگشت است از حیث طول و عرض .
2 - آیا در مسح ما بین زنان و مردان فرق است یا نه .
بسمه تعالی
فرقی نیست ، لکن مستحبّ موکّد است برای زنان در مسح وضو به جهت نماز صبح ، برداشتن چیزی که سر خود را به آن پوشیده اند، و کمتر از این است در تاکّد استحباب ، به جهت نماز مغرب ، و مجزی است او را در سایر نمازها داخل نمودن انگشت خود را زیر مقنعه و نحو آن .
3 - آیا تکرار مسح ، موجب بطلان وضو می شود یا نه .
بسمه تعالی
بعد از خشک کردن محل مسح ضرر ندارد خصوصاً اگر به جهت رعایت احتیاط باشد در تحقق مسح شرعی ، لکن موجب معصیت است اگر به قصد مشروعیت باشد.
4 - اگر کسی سهواً یا جهلاً، با آب غصبی وضوء بگیرد، صحیح است یا نه .
بسمه تعالی
بله وضوء صحیح است ، امّا قیمت آن آب را ضامن است .
5 - اگر شخصی با آب نجس سهواً، جهلاً، نیساناً یا غفلةً وضو گرفت حکمش چیست .
بسمه تعالی
وضو آن شخص باطل است و برای وضو مجدّد باید جاهای نجس را تطهیر کند.
6 - اگر جبیره نجس باشد و چیزی هم نباشد که بر روی آن بگذارد حکمش چیست :
بسمه تعالی
در جایگاه و محل شستن جبیره باید اطرافش را بشوید با مراعات از بالا به پایین بوده و در محل مسح جبیره دو طرفش را مسح نماید و مراعات طول در حین مسح بشود و اءقوی کفایت وضو مذکور است و احوط ضمّ تیمُم است .
7 - اگر کسی بعد از نماز شک می کند که آیا وضو داشتم یا نه وظیفه اش چیست .
بسمه تعالی

بناء را بر صحت عمل می گذارد و لکن از برای نماز بعد، وضو بسازد.

8 - اگر شخصی یقین در حدث و شک در وضو داشته باشد تکلیفش چیست .

بسمه تعالی

باید وضو بگیرد.

9 - اگر شخصی یقین در وضو دارد و شک در حدث تکلیفش چیست .

بسمه تعالی

بناء را بر طهارت می گذارد. در صورتی که شکّ در حدث ، ناشی از خروج رطوبت مشتبهه به بول قبل از استبراء که محکوم به بولیّت است نباشد.

غسل های واجب هفت قسم است :
1 - غسل جنابت
2 - غسل حیض
3 - غسل نفاس
4 - غسل استحاضه
5 - غسل مس میّت
6 - غسل میّت
7 - غسل نذر و قسم .
احکام جنابت
مساءله 65 :
به دو چیز انسان جنب می شود:
اول : جماع
دوم : بیرون آمدن منی ، چه در خواب باشد و چه در بیداری ، با اختیار باشد یا بی اختیار، کم باشد یا زیاد، با شهوت باشد یا بی شهوت .
مساءله 66 :
اگر رطوبتی از انسان خارج شود و نداند منی است یا بول یا غیر اینها، چنانچه با شهوت و جستن بیرون آمده و بعد از بیرون آمدن آن بدن سست شده ، آن رطوبت ، حکم منی را دارد و اگر هیچ یک از این نشانه های بالا را نداشته باشد، حکم منی را ندارد.
و در مریض لازم نیست آن آب ، با جَستن بیرون آمده باشد، بلکه اگر با شهوت بیرون آمده باشد در حکم منی است بنابراظهر، و همچنین در زن مریض بنابراحوط، و لازم نیست بدن او سست شود، بلکه خالی از وجه نیست که حکم زن در صحت و مرض مانند مرد باشد.
مساءله 67 :
مستحب است انسان بعد از بیرون آمدن منی ، بول کند و اگر بول نکند و بعد از غسل رطوبتی از او بیرون آید که نداند منی است یا رطوبت دیگر، حکم منی را دارد.
مساءله 68 :
اگر کسی در قُبُل زن جماع کند و به اندازه ختنه گاه داخل شود هر دو جنب می شوند و همچنین است بنابراظهر اگر در دُبُر زن نزدیکی کند.
مساءله 69 :
اگر منی از جای خود حرکت کند و بیرون نیاید، یا انسان شک کند که منی از او بیرون آمده یا نه ، غسل بر او واجب نیست و همچنین است اگر

خواب ببیند که محتلم شده ولی بعد از بیدار شدن اثر از منی نبیند.
مساءله 70 :
هرگاه بعد از غسل ، منی مرد از زن خارج شود غسل واجب نیست و همچنین است اگر شک کند که منی بیرون آمده از خود اوست یا از مرد، اما اگر علم یا اطمینان داشت باشد که منی خارج شده از خود اوست و یا مخلوط با منی مرد است ، غسل بر او واجب است .
مساءله 71 :
کسی که نمی تواند غسل کند ولی تیمم برایش ممکن است ، بعد از داخل شدن وقت نماز هم می تواند با عیال خود نزدیکی کند.
کارهای حرام بر جنب
مساءله 72 :
کارهایی که بر جنب حرام است ، عبارت است از:
1 - رساندن جایی از بدن به خط قرآن یا به اسم خدا و بنابر احتیاط به اسم پیامبران و امامان علیهم السّلام و اسم حضرت زهراعلیهاالسّلام
2 - رفتن به مسجدالحرام و مسجد پیامبرصلّی اللّه علیه و آله اگر چه از یک در داخل و از در دیگر خارج شود و بنابر احتیاط واجب توقف و عبور در حرم امامان علیهم السّلام و رواقها
3 - توقف در مساجد دیگر، ولی اگر از یک در داخل و از در دیگر خارج شود، یا برای برداشتن چیزی برود مانعی ندارد، و احتیاط واجب آن است که در حرم امامان هم توقف نکند بلکه عبور نیز ننماید و همچنین در رواق ها.
4 - گذاشتن چیزی در مسجد
5 - خواندن سوره ای که سجده واجب دارد
و آن چهار سوره است :
1 - سجده (سوره 32)
2 - فصلت (سوره 41)
3 - نجم (سوره 53)
4 - علق (سوره 96).
غسل جنابت
مساءله 73 :
غسل جنابت به خودی خود مستحب است و برای خواندن نماز واجب و مانند آن واجب می شود ولی برای نماز میت و سجده شُکر و سجده های واجب قرآن غسل جنابت لازم نیست .
مساءله 74 :
غسل را چه واجب باشد و چه مستحب ، به دو صورت می شود انجام داد. ترتیبی و ارتماسی ، و غسل ترتیبی افضل از ارتماسی است .

غسل ترتیبی
مساءله 75 :
در غسل ترتیبی باید به نیّت غسل ، اوّل سر و گردن ، بعد طرف راست ، بعد طرف چپ بدن را بشوید و اگر عمداً یا از روی فراموشی یا به سبب ندانستن مساءله ، به این ترتیب عمل نکند، غسل او باطل است . ولی چنانچه قصد قربت داشته ، آنچه را که مقدم داشته اگر اعاده کند، غسل او صحیح است . و احتیاط واجب رعایت ترتیب در هر عضو از غسل ترتیبی است ، به این صورت که از بالا شروع کند و به قسمت های پایین عضو ختم کند.
مساءله 76 :
نصف ناف و نصف عورت را باید با طرف راست بدن و نصف دیگر را باید با طرف چپ بشوید.
مساءله 77 :
برای آن که یقین کند هر سه قسمت یعنی سر و گردن و طرف راست و طرف چپ را کاملاً شسته ، باید هر قسمتی را که می شوید مقداری از قسمت های دیگر را هم با آن قسمت بشوید.
مساءله 78 :
اگر بعد از غسل بفهمد جایی از بدن را نشسته و نداند کجای بدن است باید دوباره غسل کند.
غسل ارتماسی
مساءله 79 :
در غسل ارتماسی ، اگر به نیّت غسل ارتماسی ، به تدریج در آب فرو رود تا تمام بدن زیر آب رود، غسل او صحیح است و احتیاط آن است که از اوّل فرو رفتن در آب ، نیّت غسل کردن را داشته باشد به آنچه غسل ارتماسی با آن محقق و تمام می شود، اظهر، کفایت نیّت در حال فرو رفتن مجموع بدن در آب است .
مسئله 80 :
در غسل ارتماسی اگر همه بدن زیر آب باشد و بعد از نیّت غسل ، بدن را حرکت دهد غسل او صحیح است .
احکام غسل
مساءله 81 :
در غسل ارتماسی باید تمام بدن پاک باشد مگر این که در آنِ واحد هم بدن پاک شود و هم غسل انجام بگیرد. در غسل ترتیبی پاک بودن تمام بدن ، لازم نیست و اگر تمام بدن نجس باشد و هر قسمتی را پیش از غسل دادن آن قسمت آب بکشد، کافی است ، پاک بودن تمام بدن ، قبل از شروع در غسل مطلقاً موافق احتیاط است .

مساءله 82 :
اگر در غسل ، مقداری از بدن نشسته بماند، غسل باطل است ، ولی شستن جاهایی از بدن که دیده نمی شود مثل داخل گوش و بینی ، واجب نیست .
مساءله 83 :
در موقع غسل کردن ، لزوم شستن موهای کوتاه که پوست از لای آنها دیده می شود،خالی از قوّت نیست ، ولی موهای بلند لازم نیست .
مساءله 84 :
تمام شرطهایی که برای صحیح بودن وضو گفته شد، مثل پاک بودن آب ، در صحیح بودن غسل هم شرط است .
در غسل لازم نیست بدن را از بالا به پایین بشوید، اما در ترتیبی ، احوط است .
و نیز در غسل ترتیبی لازم نیست بعد از شستن هر قسمت ، فوراً قسمت دیگر را بشوید، بلکه اگر بعد از شستن سر و گردن ، مقداری صبر کند و بعد طرف راست را بشوید و بعد از مدتی ، طرف چپ را بشوید، اشکال ندارد.
مساءله 85 :
کسی که غسل جنابت کرده ، نباید برای نماز، وضو بگیرد، ولی در غسل های دیگر، برای نماز باید وضو بگیرد.
مساءله 86 :
چیزی را که مانع رسیدن آب به بدن است ، باید برطرف کند.

خونهای سه گانه :
1 : استحاضه
2 : حیض
3 : نفاس
استحاضه
تعریف استحاضه :
استحاضه از خونهایی که از زن خارج می شود، خون استحاضه است و زن را در وقت دیدن این خون ((مستحاضه)) می گویند
علائم خون استحاضه :
غالباً زرد رنگ و سرد و بدون فشار و سوزش بیرون می آید و ممکن است گاهی بر خلاف اوصاف مذکور باشد.
اقسام استحاضه :
1 - قلیله
2 - متوسطه
3 - کثیره
استحاضه قلیله
آن است که خون در پنبه ای که زن داخل فرج می نماید نفوذ نکند.
استحاضه متوسطه
آن است که خون در پنبه فرو رود ولی از آن نگذرد.
استحاضه کثیره
آن است که خون از پنبه به دستمال جاری شود.
مساءله 87 :
وظیفه مستحاضه قلیله
در استحاضه قلیله باید زن برای هر نماز یک وضو بگیرد و بنابر احتیاط پنبه را عوض کند یا آب بکشد و ظاهر فرج را هم اگر خون به آن رسیده آب بکشد.
مساءله 88 :
وظیفه مستحاضه متوسطه
در استحاضه متوسطه باید زن برای نماز صبح غسل کند و تا صبح دیگر برای نمازهای خود بنابر احتیاط واجب پنبه را اگر خونی شده عوض کند یا آب بکشد و همچنین ظاهر فرج ، اگر نجس شده است . و وجوب وضو برای هر نماز در این صورت خالی از وجه نیست ، و این در صورتی است که استحاضه متوسطه پیش از نماز صبح یا در بین آن پیدا شود. ولی اگر

بعد از نماز صبح تا پیش از نماز ظهر یا بین آن حاصل شود باید برای نماز ظهر غسل کند و به همین ترتیب پیش از هر نماز یا بین هر نمازی که استحاضه متوسطه شده باید برای آن غسل کند، و اگر عمداً یا از روی فراموشی برای نماز صبح غسل نکند باید برای نماز ظهر و عصر غسل کند.
و اگر برای نماز ظهر و عصر غسل نکند باید پیش از نماز مغرب و عشاء غسل نماید چه آنکه خون بیاید یا قطع شده باشد.
مساءله 89 :
وظیفه مستحاضه کثیره
در استحاضه کثیره علاوه بر کارهای استحاضه متوسطه که در مسئله پیش گفته شد، باید برای هر نماز دستمال را عوض کند یا آب بکشد و یک غسل برای نماز ظهر و عصر و یکی برای نماز مغرب و عشاء بجا آورد. و بنابر احتیاط واجب با هر غسلی یک وضو بگیرد، بلکه برای نماز عصر و نماز عشاء نیز باید بنابر احتیاط واجب وضو بگیرد و همچنین باید بین نماز ظهر و عصر فاصله نیندازد. و اگر فاصله بیندازد باید برای نماز عصر دوباره غسل کند و نیز اگر بین نماز مغرب و عشاء فاصله بیندازد باید برای نماز عشاء دوباره غسل نماید.
مساءله 90 :
اگر خون استحاضه پیش از وقت نماز هم بیاید اگر چه زن برای آن خون ، وضو و غسل را انجام داده باشد باید در موقع نماز وضو و غسل را بجا آورد.
مساءله 91 :
اگر استحاضه قلیله زن بعد از نماز صبح متوسطه شود، باید برای نماز ظهر و عصر غسل کند و اگر بعد از نماز ظهر و عصر متوسطه شود باید برای نماز مغرب و عشاء غسل نماید.
مساءله 92 :
اگر استحاضه قلیله یا متوسطه زن بعد از نماز صبح کثیره شود باید برای نماز ظهر و عصر یک غسل و برای نماز مغرب و عشاء غسل دیگری بجا آورد.
و اگر بعد از نماز ظهر و عصر کثیره شود باید برای نماز مغرب و عشاء غسل نماید.
مساءله 93 :
زن مستحاضه بعد از آن که خونش قطع شد، فقط برای نماز اولی که می خواند، باید کارهای استحاضه را انجام دهد و برای نمازهای بعد لازم نیست .
مساءله 94 :
اگر زن نداند استحاضه از چه قسم است ، در صورت امکان باید مقداری

پنبه داخل فرج نماید و کمی صبر کند و بیرون آورد و بعد از آنکه فهمید استحاضه او کدام یک از آن سه قسم است ، کارهایی را که برای آن قسم دستور داده شد انجام دهد.

مساءله 95 :

زن مستحاضه اگر پیش از آنکه خود را وارسی کند، مشغول نماز شود، با اینکه می توانسته خود را وارسی کند چنانچه قصد قربت داشته و به وظیفه خود عمل کرده مثلاً استحاضه اش قلیله بوده و به وظیفه استحاضه قلیله عمل نموده ، نماز او صحیح است و اگر قصد قربت نداشته یا عمل او مطابق وظیفه اش نبوده مثل آنکه استحاضه او متوسطه بوده و به وظیفه قلیله رفتار کرده ، نماز او باطل است .

مساءله 96 :

زن مستحاضه اگر نتواند خود را وارسی نماید، بنابر احوط به آنچه مشکل تر است عمل کند، مثلاً اگر نمی داند استحاضه او قلیله است یا متوسطه ، باید کارهای استحاضه متوسطه را بنابر احوط انجام دهد و اگر نمی داند متوسطه است یا کثیره باید کارهای استحاضه کثیره را بنابر احوط انجام دهد ولی اگر بداند سابقاً کدام یک از آن سه قسم بوده باید به وظیفه همان قسم عمل کند.

مساءله 97 :

زن مستحاضه اگر بداند از وقتی که مشغول وضو یا غسل شده خونی از او بیرون نیامده و تا بعد از نماز هم خون در داخل فرج نیست و بیرون نمی آید می تواند خواندن نماز را تاءخیر بیندازد.

مساءله 98 :

مستحاضه کثیره و متوسطه وقتی کاملاً از خون پاک شد باید غسل کند ولی اگر بداند از وقتی که برای نماز قبلی مشغول غسل شده دیگر خون نیامده ، لازم نیست دوباره غسل کند.

مساءله 99 :

زن مستحاضه اگر بین غسل و نماز فاصله بیندازد، باید دوباره غسل کند و بلافاصله مشغول نماز شود ولی اگر خون در داخل فضای فرج نیاید غسل لازم نیست .

مساءله 100 :

زن مستحاضه باید موقع غسل و وضو و بعد از آن تا آخر نماز خود را از بیرون آمدن خون (در صورتی که برای او ضرر نداشته باشد) حفظ کند و اگر مسامحه کرد و خونی خارج شد بنابر احتیاط هر چه بجا آورده از غسل یا وضو یا نماز، دو مرتبه انجام دهد.

مساءله 101 :

اگر استحاضه کثیره زن متوسطه شود، باید برای نماز اول عمل کثیره و

برای نمازهای بعد عمل متوسطه را بجا آورد. مثلاً اگر پیش از نماز ظهر استحاضه کثیره متوسطه شود، باید برای نماز ظهر غسل کند و برای نماز عصر و مغرب و عشاء فقط وضو بگیرد.

مساءله 102 :

اگر استحاضه کثیره ، قلیله شود، باید برای نماز اول عمل کثیره و برای نمازهای بعد، عمل قلیله را انجام دهد و نیز اگر استحاضه متوسطه ، قلیله شود باید برای نماز اول ، عمل متوسطه و برای نمازهای بعدی قلیله را بجا آورد.

مساءله 103 :

اگر استحاضه قلیله زن پیش از نماز، متوسطه یا کثیره شود باید کارهای متوسطه یا کثیره را که گفته شد انجام دهد و اگر استحاضه متوسطه کثیره شود باید کارهای استحاضه کثیره را انجام دهد.

تعریف
حیض خونی است که غالباً در هر ماه چند روزی از رحم زنها خارج می شود و زن را در موقع دیدن خون حیض ،((حائض)) می گویند
علائم خون حیض :
خون حیض در بیشتر اوقات غلیظ و گرم و رنگ آن سرخ مایل به سیاه یا سرخ است و با فشار و کمی سوزش بیرون می آید.
مساءله 104 :
زنهای سیّده بعد از تمام شدن شصت سال قمری یائسه می شوند، یعنی خون حیض نمی بینند، و زنهایی که سیّده نیستند بعد از تمام شدن پنجاه سال قمری یائسه می شوند.
مساءله 105 :
خونی که دختر پیش از تمام شدن نُه سال می بیند، در صورتی که معلوم باشد نُه سال او تمام نشده است و علامت و نشانه دیگری غیر از سن ، بر بلوغ او نباشد و همچنین خونی که زن بعد از یائسه شدن می بیند حیض نیست .
مساءله 106 :
زن حامله و زنی که بچه شیر می دهد ممکن است حیض ببیند بنابر اقوی ، ولی اگر بیست روز از ایام عادت دیرتر بود هم وظیفه حائض و هم مستحاضه را احتیاطاً انجام دهد.
مساءله 107 :
اگر دختری نمی داند که نُه سالش تمام شده یا نه و خونی دید که یقین کرد خون حیض است باید آن را خون حیض قرار دهد.
مساءله 108 :
زنی که شک دارد یائسه شده یا نه اگر خونی ببیند و نداند حیض است یا نه باید بنا بگذارد که یائسه نشده است .
مساءله 109:
مدت حیض کمتر از سه روز و بیشتر از ده روز نمی شود و اگر مختصری هم از سه روز کمتر باشد حیض نیست .
مساءله 110 :
باید سه روز اولِ حیض پشت سر هم باشد پس اگر مثلاً دو روز خون ببیند و یک روز پاک شود و دوباره یک روز خون ببیند حیض نیست .
مساءله 111 :
اگر سه روز پشت سرهم خون ببیند و پاک شود، چنانچه دوباره خون ببیند و

روزهایی که خون دیده و در وسط پاک بوده روی هم از ده روز بیشتر نشود تمام این مدت را حیض قرار می دهد.

مساءله 112 :

اگر خونی ببیند که از سه روز بیشتر و از ده روز کمتر باشد و نداند خون حیض است یا زخم ، اگر قبلاً حیض بوده ، یعنی خون حیض دیده و ممکن است این خون دنباله آن باشد، حیض است لیکن اظهر اعتبار خروج از چپ برای حیض و خروج از طرف راست برای زخم است ، و با عدم امکان وارسی عمل به حالت سابقه می نماید و اگر پاک بوده وظیفه ای نسبت به حیض ندارد.

مساءله 113 :

اگر خونی ببیند و شک کند که خون حیض است یا خون نفاس اگر در ایام عادت زن باشد آن را خون حیض قرار می دهد و گر نه باید به وظیفه ای که مشترک بین حیض و نفاس است عمل کند، یعنی لازم نیست آنچه بر حائض واجب است ولی بر نفساء واجب نیست و آنچه بر نفساء واجب است و بر حائض واجب نیست بجا آورد. گرچه انجام دادن مجموع وظایف حائض و وظایف نفساء مطابق احتیاط است بلکه این احتیاط در صورت امکان ترک نشود و در صورت عدم امکان احتیاط، مخالفت قطعیّه ننماید.

مساءله 114 :

اگر خونی ببیند که نداند خون حیض است یا بکارت ، ولی احتمال خون دیگری مثل خون جراحت و زخم را هم نمی دهد باید خود را وارسی کند یعنی مقداری پنبه داخل فرج نماید و کمی صبر کند بعد بیرون آورد پس اگر اطراف آن آلوده باشد خون بکارت است و اگر به همه آن رسیده ، حیض می باشد.

البته باید خون زیاد نباشد تا به وسیله فوق بتواند بین خون حیض و بکارت فرق بگذارد و در صورت عدم امکان تشخیص و عدم حصول یقین ، در ایام عادت حکم به حیض بودن می کند و گر نه عمل به حالت سابقه می نماید.

مساءله 115 :

اگر کمتر از سه روز خون ببیند و پاک شود و بعد سه روز خون ببیند، خون دوم حیض است و خون اول اگرچه در روزهای عادتش باشد حیض نیست .

مساءله 116 :

اگر حائض پاک شد و بعد از گذشتن ده روز یا بیشتر، دوباره خون دید اگر از سه روز بیشتر طول بکشد ولی از ده روز بیشتر نباشد و سایر شرایط حیض را داشته باشد، خون دوم نیز حیض است .

مساءله 117 :

اگر زنی بیش از سه روز خون دید و ده روز یا کمتر از آن پاک شد، چنانچه نمی داند خون زخم و جراحت است یا نه ، اگر در ایام عادت زن باشد یا

اینکه شرایط حیض را داشته باشد آن را خون حیض قرار دهد.

اقسام زنهای حائض

مساءله 118 :

زنهای حائض بر شش قسمند:

1 - صاحب عادت وقتیّه و عددیّه

2 - صاحب عادت وقتیّه

3 - صاحب عادت عددیّه

4 - مضطربه

5 - مبتدئه

6 - ناسیه

تعریف عادت وقتیه و عددیه

آن زنی است که دو ماه پشت سرهم در وقت معین خون حیض ببیند و در وقت معین هم پاک شود و شماره روزهای حیض او هم در هر دو ماه یک اندازه باشد مثل آنکه دو ماه پشت سرهم از اول ماه تا هفتم آن خون ببیند.

تعریف صاحب عادت وقتیه

آن زنی است که دو ماه پشت سرهم در وقت معین خون حیض ببیند ولی شماره روزهای حیض او در هر دو ماه یک اندازه نباشد. مثلاً دو ماه پشت سرهم از روز اول ماه خون ببیند ولی ماه اول روز هفتم و ماه دوم روز هشتم از خون پاک شود.

تعریف صاحب عادت عددیه

آن زنی است که شماره روزهای حیض او در دو ماه پشت سرهم به یک اندازه باشد ولی وقت دیدن آن دو خون یکی نباشد. مثل آنکه ماه اول از پنجم تا دهم و ماه دوم از دوازدهم تا هفدهم خون ببیند.

تعریف مضطربه

آن زنی است که چند ماه خون دیده ، ولی عادت معینی پیدا نکرده یا عادتش بهم خورده و عادت تازه ای پیدا نکرده است .

تعریف مبتدئه

آن زنی است که دفعه اول خون دیدن او است .

تعریف ناسیه

آن زنی است که عادت خود را فراموش کرده است .

احکام زنهای حائض

مساءله 119 :

زنی که عادت وقتیه و عددیه دارد اگر در وقت عادت یا دو سه روز جلوتر یا دو سه روز عقب تر خون ببیند، به طوری که بگویند حیض را جلو یا عقب انداخته اگر چه آن خون ، نشانه های حیض را نداشته باشد باید به احکامی

که برای زن حائض گفته می شود عمل کند. و چنانچه بعد بفهمد حیض نبوده مثل اینکه پیش از سه روز پاک شود، باید عبادتهایی را که بجا نیاورده قضا نماید.

مساءله 120 :

زنی که عادت وقتیه و عددیه دارد، اگر بیشتر از ده روز خون ببیند خونی که در روزهای عادت دیده اگر چه نشانه های حیض را نداشته باشد حیض است و خونی که بعد از روزهای عادت دیده اگر چه نشانه های حیض را داشته باشد استحاضه است . مثلاً زنی که عادت حیض او از اول ماه تا هفتم است اگر از اول تا دوازدهم خون ببیند، هفت روز اول آن حیض و پنج روز بعد استحاضه می باشد.

مساءله 121 :

زنی که عادت وقتیه دارد اگر در وقت عادت خود یا دو سه روز پیش از عادت یا دو سه روز بعد از عادت خون ببیند به طوری که بگویند حیض را جلو یا عقب انداخته اگر چه آن خون نشانه های حیض را نداشته باشد باید به احکامی که برای زنهای حائض گفته می شود عمل نماید. و اگر بعد بفهمد حیض نبوده مثل آنکه پیش از سه روز پاک شود باید عبادتهایی را که بجا نیاورده قضا نماید.

مساءله 122 :

زنی که عادت عددیه دارد اگر بیشتر از شماره عادت خود، خون ببیند و از ده روز بیشتر شود چنانچه همه خونهایی که دیده یک جور باشد باید از موقع دیدن خون به شماره روزهای عادتش حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد و اگر همه خونهایی که دیده یک جور نباشد، بلکه چند روز از آن نشانه حیض و چند روز دیگر نشانه استحاضه را داشته باشد، اگر روزهایی که خون ، نشانه حیض را دارد با شماره روزهای عادت او یک اندازه است باید همان روزها را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد.

و اگر روزهایی که خون نشانه حیض دارد از روزهای عادت او بیشتر است فقط به اندازه روزهای عادت او حیض و بقیه استحاضه است و اگر روزهایی که خون نشانه حیض دارد از روزهای عادت او کمتر است باید آن روزها را با چند روز دیگر که روی هم به اندازه روزهای عادتش شود، حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد.

مساءله 123 :

مضطربه (زنی که چند ماه خون دیده ولی عادت معینی پیدا نکرده) اگر بیشتر از ده روز خون ببیند و همه خون هایی که دیده یک جور باشد. چنانچه عادت خویشان او مشخص است آن مقدار را برای خود حیض و بقیه را استحاضه قرار می دهد.

مساءله 124 :

مضطربه اگر بیشتر از ده روز خونی ببیند که چند روز آن نشانه حیض و چند روز دیگر آن نشانه استحاضه دارد، چنانچه خونی که نشانه حیض دارد کمتر از سه روز و بیشتر از ده روز نباشد همه آن حیض است و اگر خونی که نشانه حیض را دارد کمتر از سه روز باشد باید بنابر احتیاط تا هفت روز را حیض قرار دهد.

مساءله 125 :

مبتدئه ، یعنی زنی که دفعه اول خون دیدن اوست ، اگر بیشتر از ده روز خون ببیند و همه خون هایی که دیده یک جور باشد باید عادت خویشان خود را به طوری که در مضطربه گفته شد حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد.

مساءله 126 :

مبتدئه اگر بیشتر از ده روز خونی ببیند که چند روز آن نشانه حیض و چند روز دیگر نشانه استحاضه را داشته باشد، چنانچه خونی که نشانه حیض دارد کمتر از سه روز و بیشتر از ده روز نباشد، همه آن حیض است . ولی اگر پیش از گذشتن ده روز از خونی که نشانه حیض دارد دوباره خونی ببیند که آن هم نشانه خون حیض داشته باشد، مثل آن که پنج روز خون سیاه و نُه روز خون زرد و دوباره پنج روز خون سیاه ببیند، باید از اول خون اول که نشانه حیض دارد، حیض قرار دهد و در عدد رجوع به خویشاوندان خود کند و بقیه را استحاضه قرار دهد.

مساءله 127 :

مبتدئه اگر بیشتر از ده روز خونی ببیند که چند روز آن نشانه حیض و چند روز دیگر آن نشانه استحاضه داشته باشد، چنانچه خونی که نشانه حیض دارد از سه روز کمتر یا از ده روز بیشتر باشد، باید از اولی که خون نشانه حیض دارد حیض قرار دهد و در عدد به خویشاوندان خود رجوع کند و بقیه را استحاضه قرار دهد.

مساءله 128 :

ناسیه ، یعنی زنی که وقت و عدد عادت خود را فراموش کرده است اگر بیشتر از ده روز خون ببیند باید روزهایی را که خون او نشانه حیض دارد تا ده روز، حیض قرار دهد و بقیه را استحاضه قرار دهد و اگر نتواند حیض را به واسطه نشانه های آن تشخیص دهد، بنابر احتیاط واجب باید هفت روز اول را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد.

مگر اینکه بداند به طور مسلّم در روزهای اول حیض نمی شده است که در آن صورت بعد از آن روزها را باید حیض قرار دهد و اگر ظن اطمینانی پیدا کرد که ایام عادتش مثل خویشان خود است عادت آنها را برای خود انتخاب می کند.

احکام حائض

مساءله 129 :

چند چیز بر حائض حرام است
1 - عبادتهایی که مانند نماز باید با وضو یا غسل یا تیمّم بجا آورده شود. ولی بجا آوردن عبادتهایی که وضو و غسل و تیمم برای آنها لازم نیست ، مانند نماز میت ، مانعی ندارد.
2 - تمام چیزهایی که بر جنب حرام است و در احکام جنابت گفته شد.
3 - جماع کردن در فرج ، که هم برای مرد حرام است و هم برای زن ، اگر چه به مقدار ختنه گاه داخل شود و منی هم بیرون نیاید.
مساءله 130 :
جماع کردن در روزهایی هم که حیض زن قطعی نیست ولی شرعاً باید برای خود حیض قرار دهد حرام است پس زنی که بیشتر از ده روز خون می بیند و باید به دستوری که قبلاً ذکر شده
روزهای عادت خویشان خود را حیض قرار دهد. شوهرش نمی تواند در آن روزها با او نزدیکی نماید.
مساءله 131 :
اگر شماره روزهای حیض زن به سه قسمت تقسیم شود و مرد در قسمت اول آن با زن خود در قُبُل جماع کند، باید هیجده نخود طلا کفاره به فقیر بدهد و اگر در قسمت دوم جماع کند، نُه نخود و اگر در قسمت سوم جماع کند، باید چهار نخود و نیم بدهد. مثلاً زنی که شش روز خون حیض می بیند، اگر شوهرش در شب یا روز اول و دوم با او جماع کند باید هیجده نخود طلا بدهد. و در شب یا روز سوم و چهارم نُه نخود و در شب یا روز پنجم و ششم باید چهار نخود و نیم بدهد.
مساءله 132 :
طلاق دادن زن در حال حیض ، به طوری که در کتاب طلاق گفته می شود باطل است .
مساءله 133 :
اگر زن بگوید حائضم یا از حیض پاک شده ام باید حرف او را قبول کرد، مگر اینکه اطمینان پیدا شود که دروغ می گوید.
مساءله 134 :
اگر زن در بین نماز حائض شود نماز او باطل است .
مساءله 135 :
بعد از آنکه زن از خون حیض پاک شد، واجب است برای نماز و عبادتهای دیگری که باید با وضو یا غسل یا تیمم بجا آورده شود غسل کند و دستور آن مثل غسل جنابت است ، ولی بنابر اظهر برای نماز باید پیش از غسل یا بعد از آن وضو هم بگیرد و اگر پیش از غسل وضو بگیرد بهتر است .
مساءله 136 :
نمازهای یومیه ای که زن در حال حیض نخوانده ، قضا ندارد ولی روزه های

واجب را باید قضا نماید.
مساءله 137 :
اگر چند روز را حیض قرار دهد و عبادت نکند، بعد بفهمد حیض نبوده است باید نماز و روزه ای را که در آن روزها بجا نیاورده قضا نماید و اگر چند روز را به گمان اینکه حیض نیست عبادت کند بعد بفهمد حیض بوده ، چنانچه آن روزها روزهایی بوده که باید روزه می گرفته ، واجب است قضا نماید.
نفاس (خون ولادت)
تعریف نفاس
وقتی که اولین جزء بچه از شکم مادر بیرون می آید هر خونی که زن می بیند، اگر پیش از ده روز یا سر ده روز قطع شود، خون نفاس است و زن را در حال نفاس ((نفساء)) می گویند.
مساءله 138 :
خونی که زن پیش از بیرون آمدن اولین جزء بچه می بیند نفاس نیست .
مساءله 139 :
لازم نیست که خلقت بچه تمام باشد، بلکه اگر خون بسته ای هم از رحم زن خارج شود و خود زن بداند، یا چهار نفر قابله بگویند که اگر در رحم می ماند انسان می شد، خونی که تا ده روز ببیند خون نفاس است بنابر احوط.
مساءله 140 :
ممکن است خون نفاس یک لحظه بیشتر نیاید، ولی بیشتر از ده روز نمی شود.
مساءله 141 :
توقف در مسجد و رساندن جایی از بدن به خط قرآن و کارهای دیگری که بر حائض حرام است ، بر نفساء هم حرام است و آنچه بر حائض واجب ، مستحب ، و مکروه است ، بر نفساء هم واجب ، مستحب ، و مکروه می باشد.
مساءله 142 :
طلاق دادن زنی که در حال نفاس می باشد باطل است و نزدیکی کردن با او حرام می باشد. و اگر شوهرش با او نزدیکی کند احتیاط واجب آن است که به دستوری که در احکام حیض (مساءله 131) گفته شد کفاره بدهد.
مساءله 143 :
وقتی زن از خون نفاس پاک شد باید غسل کند و عبادتهای خود را بجا آورد و اگر دوباره خون ببیند چنانچه روزهایی که خون دیده با روزهایی که در وسط پاک بوده روی هم ده روز یا کمتر از ده روز باشد تمام آن نفاس است و اگر روزهایی که پاک بوده روزه گرفته باشد باید قضا نماید.
مساءله 144 :

اگر زن از خون نفاس پاک شود و احتمال بدهد که در باطن خون هست ، باید مقداری پنبه داخل فرج نماید که اگر پاک است ، برای عبادتهای خود غسل کند.

مساءله 145 :

اگر خون نفاس زن از ده روز بگذرد، چنانچه در حیض عادت دارد به اندازه روزهای عادت او نفاس و بقیه استحاضه است .

و اگر عادت ندارد، تا ده روز بنابر اظهر نفاس و بقیه استحاضه می باشد. و احتیاط مستحب آن است کسی که عادت ندارد از روز بعد از عادت و کسی ندارد بعد از روز دهم تا روز هیجدهم زایمان ، کارهای استحاضه را بجا آورد و کارهایی را که بر نفساء حرام است ترک کند.

مساءله 146 :

زنی که عادت حیضش کمتر از ده روز است ، اگر بیشتر از روزهای عادتش خون نفاس ببیند در صورتی که از ده روز بیشتر نشود بنابر اظهر تمام آن مدت را نفاس قرار می دهد.

1 - آیا استبراء در حق زنان ثابت است یا نه .
بسمه تعالی
استبراء در حق زنان ثابت نیست ، و سزاوار است که بعد از بول ، فی الجمله آرام گیرند و تنحنح نمایند و فرج خود را به طرف عرض ، فشار دهند و رطوبت مشکوکی که از زنها خارج می شود پاک است ، مطلقاً و ناقض طهارت نیست . اگرچه رعایت امور مزبوره را ننماید.
2 - هرگاه خون حیض ، مشتبه به خون بکارت شود، شناختن آن به چه طریق است .
بسمه تعالی
در تشخیص و شناختن آن ، باید قدری پنبه ، داخل در فرج کند و قدری صبر نماید، و بهتر آن است وقتی که می خواهد این عمل را بکند به پشت بخوابد و پاها را بلند کند، و بعد از مدتی پنبه را آهسته بیرون آورد، پس اگر خون در دور آن واقع شده باشد آن خون بکارت است و اگر خون تمام پنبه را گرفته باشد، خون حیض است و شرط است در امتحان مذکور، اینکه قروح یا جروح ، احاطه به فرج مثل بکارت نداشته باشد و همچنین خون بسیار نباشد که نتوان تشخیص داد. بلکه باید احتمال غیر این دو قسم خون که خون بکارت و خون حیض است ندهد.
3 - اگر زنی سه روز خون دید و قطع شود و در بین ده روز دوباره خون دید و قبل از ده روز قطع شد تکلیف این زن نسبت به این ایام چیست .
بسمه تعالی
تمامی خون و پاکی وسط، یعنی مابین سه تا ده محکوم به حیض است .
4 - آیا زن باردار ممکن است حیض ببیند یا نه :
بسمه تعالی
بلی ممکن است بنابر اقوی ، ولی با تاءخّر از ایام عادت ، بیست روز باید احتیاط کند به جمع بین تروک حائض و افعال مستحاضه .
5 - اقل و اکثر ایام حیض چقدر است .
بسمه تعالی
اکثر زمان حیض ، ده روز است و اقل زمان حیض سه روز است پس هرگاه یک روز یا دو روز خون ببیند حیض نخواهد بود.
6 - در زمان حیض ، و طی نمودن در قُبُل حائض ، چه صورت دارد.
بسمه تعالی
حرام است در زمان حیض وَطْی نمودن در قُبُل حائض با علم به آن ، و درباره هر یک از مرد و زن ، موجب فسق می شود علی المعروف ، اگرچه

از کبائر بودن آن معلوم نیست ، بلی حلال شمردن آن ، موجب کفر است با علم به حرمت آن .
7 - اگر وطی کرد مرد، زنش را در زمان حیض ، آیا کفّاره واجب است بر زن یا نه :
بسمه تعالی
واجب است به احتیاط وجوبی در صورت علم و عمل .
8 - کفّاره وطی ، چقدر است .
بسمه تعالی
کفّاره عبارت است از یک دینار، یعنی اشرفیِ هیجده نخودی که یک مثقال شرعی است . و این مقدار کفّاره ، در اول حیض است ، و در وسط آن نصف اشرفی است ، و در آخر آن ربع اشرفی است .
9 - اول ، وسط و آخر حیض را بیان فرمائید.
بسمه تعالی
زنی که مدتش مثلاً شش روز است ، روز اوّل و دوّم آن ، اوّل حیض است و روز سوم و چهارم ، وسط حیض است و روز پنجم و ششم ، آخر حیض است .
10 - آیا غُسل حیض کفایت از وضو می کند یا نه :
بسمه تعالی
کیفیت غسل حیض ، مانند غسل جنابت است ، لکن غسل حیض ، کفایت از وضو نمی کند و اظهر وجوب وضو است .
11- خانمی بعد از پنج روز ایام عادتش پاک شده و غسل کرده ، روز هشتم یک قطره خون می بیند، این خون چه حکمی دارد.
بسمه تعالی
با فرض اینکه بین این خون و اوّلین روزی که خون دیده بیش از ده روز فاصله نشده ، تمام این هشت روز به حکم حیض است .
12 - زن پس از ایام عادت که معمولاً شش یا هفت روز است پاک شده ولی بعد از آن باز خون زرد رنگی می بیند و شک دارد که خون حیض است یا نه و نمی داند تا ده روز تمام می شود یا نه ، وظیفه اش چیست .
بسمه تعالی
صبر می کند اگر قبل از ده روز قطع نشد تمام آنرا حیض قرار می دهد و اگر از ده روز تجاوز کرد فقط ایّام عادت را حیض قرار داده و نمازهای روزهای غیر آنرا قضا می کند.
13 - زنی پس از شش روز از خون حیض پاک می شود و هیچ خونی نمی بیند و روز نهم ترشح خونی بسیار کمی می بیند بعد هم کاملاً پاک می شود حکم این خون چیست .
بسمه تعالی

با فرض اینکه عرفاً خون بر آن صدق می کند مثل سؤ ال اوّل است .
14 - زنی جنب بوده و قبل از غسل جنابت حیض شده آیا صحیح است که قبل از پاک شدن از حیض غسل جنابت کند و غسلهای دیگر چطور.
بسمه تعالی
صحیح است قبل از پاک شدن از حیض غسل جنابت کند به جهت تخفیف قذارت باطنی و هم می تواند در وقت پاک شدن یک غسل به نیّت هر دو انجام دهد و اگر قبلاً غسل جنابت کرده در آن وقت به نیّت وظیفه فعلیّه غسل کند و بعض اغسال مثل غسل احرام برای حائض مستحبّ است .
15 - زنی حیض شد، روز دوم حیض رحمش را با عمل جراحی در آوردند، که حیض سه روز نشد آیا غسل حیض واجب است .
بسمه تعالی
غسل حیض بر او واجب نیست بلکه باید غسل استحاضه کند و عبادتهای ترک شده را قضا کند.
16 - رحم زنی را طی یک عمل جراحی برداشته اند، خونهایی که بعداً می بیند محکوم به چیست .
بسمه تعالی
خون حیض نیست و محکوم به دم قرحه است خصوصاً اگر علامت آن را دارا باشد که خروج از راست است .
17 - در صورتی که استحاضه کثیره است و شخص از نظر جسمی توانایی سه مرتبه غسل در شبانه روز را ندارد (مبتلا به کمر درد و پا درد می باشد) آیا می تواند برای نماز بجای غسل استحاضه ، تیمم بدل از غسل کند و همچنین برای روزه می تواند تیمم کند؟ و آیا قضای روزه های این چند روز را باید بگیرد.
بسمه تعالی
یکی از مسوّغات تیمّم حرج و مشقّت شدیدة در استعمال آب است ، و اگر بخواهد احتیاط کند در آخر وقت تیمّم کند و نماز و روزه اش صحیح است و قضا ندارد.
18 - در رابطه با استحاضه قلیله اگر شخصی بعد از نماز صبح پاک شده آیا برای نماز ظهر باید یک وضو و برای نماز عصر هم یک وضوی دیگر بگیرد و همچنین برای نماز مغرب و عشا؟
بسمه تعالی
با پاک شدن از استحاضه قلیله برای اوّلین نماز وضو می گیرد و برای نماز دیگر هم کافی است .
19 - زنی ادعا می کند که هر ماه فقط یک روز یا دو روز خون می بیند و همیشه اینطور بوده است ؟ آیا این خون استحاضه است یا حکم دیگری دارد.

بسمه تعالی
استحاضه است .
20 - زنی است که 50 سال او تمام شده است ولی هنوز هر ماه هفت الی ده روز خونی از او خارج می شود که از نظر ظاهر تفاوتی با خون حیض او ندارد آیا این خون را باید حیض حساب کرد یا استحاضه .
بسمه تعالی
احتیاط در جمع بین تروک حائض و احکام استحاضه کند.
21 - زن حامل در حال حمل گاهی یک لکّه خون می بیند و ممکن است ده روز بعد هم لکّه ای ببیند تکلیف آن زن چیست .
بسمه تعالی
استحاضه است مگر علم به غیر آن حاصل شود.
22 - اگر زنی که قرص ضدبارداری می خورد که در ماه مبارک رمضان حائض نشود بر فرض دو یا سه روز خون در باطل باشد و بیرون نیاید حکم روزه او چیست .
بسمه تعالی
احتیاط می کند به اینکه روزه به رجاء عمل به وظیفه می گیرد و بعداً هم قضا می کند با علم به اینکه سه روز ادامه داشته است .
23 - خانمی برای جلوگیری از عادت ماهانه قرص خورده و در بین آن بر اثر ترک قرص کمی خون دیده ولی پیش از سه روز قطع شده است . آیا این خون که در ایام عادت بوده حکم حیض را دارد.
بسمه تعالی
خیر، مگر با علم به بقاء در باطن که وظیفه احتیاطی آن گذشت .
24 - لطفاً بفرمایید زن تا چند سال حیض می بیند و به سال شمس یا قمری چگونه محاسبه می گردد با توجه به اینکه در شناسنامه ها تاریخ به سال شمسی است .
بسمه تعالی
حدّ یاءس در قرشیه تمام شدن شصت سال قمری است و در غیر او تمام شدن پنجاه سال قمری است که ظاهراً به ترتیب 58 سال و 2 ماه و 18 روز، و 48 سال و 6 ماه و 7 روز به سال شمسی می شود.
25 - خانمی شک دارد که به سن یائسگی رسیده یا نه و خونی می بیند که نمی تواند یقین به ادامه آن تا سه روز پیدا کند وظیفه او نسبت به نماز و روزه چیست .
بسمه تعالی
وظیفه او مثل سابق استظهار است و ترک عبادت .
26 - زنی حائض است و گردنبند او با نقش اللّه می باشد و گاهی بی اختیار روی بدنش قرار می گیرد. آیا جایز است چنین گردنبندی را به گردن

آویزان کند.
بسمه تعالی
با علم به تماسّ با بدن حائز نیست .
27 - رفتن زن با حالت عادت ماهانه به حرم ائمه معصومین به قصد زیارت جایز است یا نه .
بسمه تعالی
جائز نیست علی الاحوط، و این احتیاط در حرم و رواق در مکث و عبور ترک نشود.
28 - رفتن زن به حالت عادت ماهانه به حرم امامزادگان به قصد زیارت جایز است یا نه .
بسمه تعالی
مراعات عدم هتک بنماید و فی نفسه جایز است .
29 - مقاربت زن و شوهر بعد از حیض و قبل از غَسل حیض ، چه حکمی دارد و نوزاد حاصل از این مقاربت چه حکمی دارد.
بسمه تعالی
جائز است علی کراهیّة ، و احوط تجنّب از آنست مگر بعد از غُسل فَرْج ، و حکم ولد حکم سائر اولاد است یعنی حلال زاده است .
30 - زنی حائض یا به خاطر جهل به مساءله و یا عمداً حال خود را به شوهر نمی گوید و بعد از جماع برای مرد یقین حاصل می شود که زن در حال حیض بوده است ، آیا کفاره دارد و اگر دارد بر عهده زن است یا مرد. و یا هر دو.
بسمه تعالی
کفّاره ندارد.
31 - خونی که دختر بعد از شب عروسی به مدت یک یا دو روز مشاهده می کند غسل دارد یا خیر.
بسمه تعالی
دم بکارت موجب غسل نیست .
32 - زنی در اثر ملاعبه با شوهرش ، احساس شهوت می کند و حالت انزال به او دست می دهد و فکر می کند جنب شده است آیا با چنین حالتی غسل بر او واجب می شود.
بسمه تعالی
با علم به خروج منی به بیرون غسل واجب می شود ولو حصول علم با علائم باشد که در مسئله 350 رساله آمده .(2)
33 - گاهی بانوان و دوشیزگان عقد بسته ، در اثر ملاعبه با شوهر خود ترشحاتی همراه با کمی لذّت و خوشی می بینند، آیا این ترشحات حکم منی را دارد.

بسمه تعالی
مبنی بر حصول علم است به شرحی که گذشت .
34 - زنی پس از نزدیکی با همسرش ، غسل کرده و پس از آن مقداری منی خارج شده است ، نمی داند از مرد است یا از خود او، تکلیف او چیست .
بسمه تعالی
هرگاه بعد از غسل ، منی مرد از زن خارج شود غسل واجب نیست و همچنین است اگر شک کند که منی بیرون آمده از خود اوست یا از مرد، اما اگر علم یا اطمینان داشته باشد که منی خارج شده از خود اوست و یا مخلوط با منی مرد است ، غسل بر او واجب است .
35 - زنی حائض بوده و غسل حیض را فراموش کرده و مدتی نماز خوانده البته برای نمازهای خود وضو گرفته آیا نمازهای او صحیح است .
بسمه تعالی
صحیح نیست مگر غسل واجبی در بین انجام داده باشد که نمازهای بعد آن تا عادت ماهانه بعدی صحیح است .
36 - زنی جنب بوده و فراموش کرده و مدتی نماز خوانده ولی در این بین غسل حیض انجام داده است و فعلاً متوجه شده ، تکلیف او نسبت به نمازهای گذشته چیست .
بسمه تعالی
اگر بقصد آنچه بر ذمّه اوست غسل کرده کفایت از غسل جنابت هم نموده است ، و اگر خصوص حیض را قصد کرده و توجّه به جنابت نداشته بعید نیست از غسل جنابت هم کفایت کند لکن احوط خلاف آنست .
37 - آیا با غسل استحاصه کثیره ، وضو هم لازم است با غسل متوسطه چطور.
بسمه تعالی
با غسل متوسطه وضو لازم است ، و همچنین با اغسال کثیرة علی الاحوط و توضیح در مساءله 383(3) و 384(4) رساله آمده است .
38 - در صورت شک بین خون نفاس و خون زخم :
الف) تکلیف زن در این مورد چیست .
ب) چنانچه لباس بیمار، آغشته به خون باشد حکم خون نفاس دارد یا زخم ؟
بسمه تعالی
الف : اگر همراه با ولد یا پس از آن تا ده روز باشد بلکه خون همراه سقط بنحویکه در مساءله 439(5) رساله بیان شده نفاس است ، مگر اینکه بداند قرحه ای در باطن هست که این خون از آنست .
ب : مبنی بر جواب قبلی است .

39 - زنی برای جلوگیری از حاملگی از دستگاه ((آی یو دی)) (IUD) استفاده می کند اگر در این حالت خونریزی رخ دهد تکلیف چیست .
بسمه تعالی
اگر علم دارد که از زخم است فقط تطهیر می کند و اگر شک دارد به مساءله 407(6) و 408(7) رساله مراجعه کند.
40 - زنی را که عمل جرّاحی می کنند جهت سقط جنین ، خونی که از مجرای عادی او خارج می شود چه حکمی دارد.
بسمه تعالی
احکام نفاس را دارد.
41 - وقتی برای اوّلین بار عادت ماهانه شدم ، چون در آن زمان رسم نبود که مادرها مساءله زنانه خود، حتی غسل کردن برای حیض را برای دخترانشان بگویند به مدت 3 سال هر وقت برای غسل کردن به حمام می رفتم ، زیر دوش آب می ایستادم و فقط صلوات می فرستادم و وقتی که عادت بودم نماز و روزه ام را انجام می دادم و هم به مسجد می رفتم و بعد که شوهر کردم فهمیدم که زن وقتی که حائض می شود باید غسل کند حالا تکلیف من نسبت به نماز و روزه هایم در این مدت 3 سال چیست .
بسمه تعالی
نماز و روزه قضا دارد مگر خصوص روزهای عادت که نمازهای آنها قضا ندارد.
42 - زنی عادت وقتیه ندارد، اما در مورد اینکه صاحب عادت عددیه است نیز تردید دارد به این صورت که مدت خون دیدن وی هفت روز است از هفت تا ده روز ترشحاتی به رنگ زرد تیره می بیند گاهی نیز در فاصله روز هفتم و دهم لکّه خون می بیند وظیفه وی چیست .
بسمه تعالی
اگر دو ماه پی در پی چنین حالتی برای او پیش نیامد عادت مستقّر شده و با یک مرتبه رؤ یت خلاف ، زائل نمی شود، ولی اگر چندین مرتبه چنین حالت برایش پیش آمد که محکوم به حیض شد و بنحوی بود که در نزد عرف صاحب عادت بحساب نیامد عادت سابق زائل شده و مضطربه بحساب می آید مگر همین حالت دو ماه پی در پی مثل هم باشد.

غسل میّت
مساءله 147 :
واجب است میّت را سه غسل بدهند:
1 - اول : غسل با آبی که به سدر مخلوط باشد
2 - دوم : غسل با آبی که به کافور مخلوط باشد
3 - سوم : غسل با آب خالص
مساءله 148 :
غسل بچه مسلمان اگر چه از زنا باشد، بنابراحتیاط، واجب است . و غسل ، کفن ، دفن کافر و اولاد او، جایز نیست . و کسی که از بچگی دیوانه بوده و به حال دیوانگی بالغ شده ، چنانچه پدر و مادر او یا یکی از آنان مسلمان باشند، باید او را غسل داد و اگر هیچ کدام از آنان مسلمان نباشند، غسل دادن او جایز نیست .
مساءله 149 :
بچه سقط شده را، اگر چهار ماه یا بیشتر دارد، باید بنابراحتیاط واجب غسل بدهند و اگر چهار ماه ندارد، باید در پارچه ای بپیچند و بدون غسل دفن کنند.
مساءله 150 :
اگر میّت و کسی که او را غسل می دهد هر دو مرد یا هر دو زن باشند جایز است که غیر از عورت ، جاهای دیگر میّت برهنه باشد.
مساءله 151 :
نگاه کردن به عورت میّت حرام است ، و کسی که او را غسل می دهد اگر نگاه کند معصیت کرده ، ولی غسل باطل نمی شود.
مساءله 152 :
کسی را که در حال حیض یا در حال جنابت مرده ، لازم نیست غسل حیض یا غسل جنابت بدهند، بلکه همان غسل میّت برای او کافی است ولی بنابراحتیاط موقع غسل دادن نیّت غسل جنابت و یا حیض را نیز بنمایند.
غسل مس میّت
مساءله 153 :
اگر کسی بدن انسان مرده ای را که سرد شده و غسل اش نداده اند، مس کند، یعنی جایی از بدن خود را به آن برساند، باید غسل مس میّت کند.
غسلهای مستحب
مساءله 154 :

غسل ها، در شرع مقدس اسلام بسیار است که از آن جمله است :
1 - غسل جمعه
2 - غسل شب اول ماه رمضان و تمام شبهای فرد مثل سوم و پنجم و هفتم ، ولی از شب بیست و یکم به بعد مستحب است همه شب غسل کند
3 - غسل روز عید فطر و عید قربان
4 - غسل شب عید فطر
5 - غسل روز هشتم و نهم ذی الحجه
6 - غسل روز اول ، پانزده ، بیست و هفتم و آخر ماه رجب
7 - غسل روز عید غدیر
8 - غسل روز بیست و چهارم ذی الحجه
9 - غسل روز عید نوروز، پانزدهم شعبان و هفدهم ربیع الاول ،
10 - غسل کسی که در موقع گرفتن خورشید و ماه ، نماز آیات را عمداً نخوانده در صورتی که تمام ماه و خورشید گرفته باشد
11 - غسل کسی که برای تماشای دار آویخته ، رفته و آن را دیده باشد
12 - غسل برای احرام و طواف و وقوف به عرفات و مشعر و برای قربانی کردن و سر تراشیدن در منی و برای توبه از معاصی اگر چه گناه صغیره باشد، و برای طلب حاجت و استخاره یعنی طلب خیر از خداوند.

مساءله 155 :
در هفت مورد، به جای وضو و غسل باید تیمّم کرد:
1 - پیدا نکردن آب
2 - مشقّت بیش از حدّ
3 - ترس از ضرر
4 - نیاز به آب برای حفظ جان
5 - نیاز به آب برای تطهیر
6 - نداشتن آب مباح
7 - نداشتن وقت برای وضو یا غسل
چیزهایی که تیمم بر آنها صحیح است
مساءله 156 :
تیمم به خاک ، ریگ ، کلوخ و سنگ ، اگر پاک باشند، صحیح است .
به آجر و کوزه قبل از پخته شدن نیز صحیح است . تیمم بر سنگ گچ و سنگ و سنگ آهک قبل از پخته شدن ، صحیح است .
دستور تیمم
مساءله 157 :
در تیمم ، چهار چیز واجب است :
اول :نیّت
دوم : زدن تمام کف دو دست ، با هم ، بر چیزی که تیمم به آن صحیح است و بنابر احتیاط واجب ، همراه با ضربه باشد و گذاشتن دو دست بر زمین کافی نیست
سوم : کشیدن کف هر دو دست به تمام پیشانی و دو طرف آن ، از جایی که موی سر می روید تا ابروها و بالای بینی و بنابراحتیاط واجب باید دستها روی ابروها هم کشیده شود
چهارم : کشیدن کف دست چپ به تمام پشت دست راست و بعد از آن کشیدن کف دست راست به تمام پشت دست چپ .
احکام تیمم
مساءله 158 :
تیمم بدل از غسل و بدل از وضو، با هم فرقی ندارند، ولی احتیاط مستحب است در تیمم بدل از غسل ، بلکه در هر تیممی ، بعد از مسح پیشانی ، یک بار دیگر کف دستها را به زمین بزنند و پشت دستها را به همین صورتی که گفته شد، با کف دست دیگر مسح کند.
مساءله 159 :

پیشانی و پشت دستها را باید از بالا به پایین مسح کند و کارهای آن را باید پشت سر هم بجا آورد.
مساءله 160 :
انسان باید برای تیمم ، انگشتر را از دست بیرون آورد و اگر در پیشانی یا پشت دستها یا در کف دستها، مانعی باشد،
مثلاً چیزی به آنها چسبیده باشد، باید بر طرف کند.

نماز، مهم ترین اعمال دینی است که اگر قبول درگاه خداوند عالم شود، عبادتهای دیگر هم قبول می شود و اگر پذیرفته نشود، اعمال دیگر هم قبول نمی شود. همان طور که اگر انسان ، در هر شبانه روز، پنج نوبت در نهر آبی شست و شو کند، چرک در بدنش نمی ماند، نمازهای پنجگانه هم ، انسان را از گناهان پاک می کند.
سزاوار است که انسان نماز را در اوّل وقت بخواند و کسی که نماز را سبک شمارد، مانند کسی است که نماز نمی خواند.
پیغمبر اکرم (ص) فرمودند: ((کسی که به نماز اهمیت ندهد و آن را سبک شمارد، سزاوار عذاب آخرت است)).
در حال نماز، به یاد خدا و با خضوع و خشوع و وقار باشد و متوجه باشد که با چه کسی سخن می گوید و خود را در مقابل عظمت و بزرگی خداوند عالم ، بسیار پست و ناچیز ببیند. و اگر انسان در موقع نماز، کاملاً به این مطلب توجه کند، از خود بی خبر می شود، چنانکه در حال نماز تیر را از پای مبارک امیر المؤ منین علیه السّلام بیرون کشیدند و آن حضرت متوجه نشدند.
و نیز نماز گزار باید توبه و استغفار کند و گناهانی که مانع قبول شدن نماز است ، مانند حسد، کبر، غیبت ، خوردن حرام ، آشامیدن مسکرات ، ندادن خمس و زکات ، بلکه هر معصیتی را ترک کند. نیز سزاوار است که نماز گزار، کارهایی که ثواب نماز را کم می کند، بجا نیاورد، مثلاً در حال خواب آلودگی و خودداری از بول ، به نماز نایستد و در موقع نماز، به آسمان نگاه نکند.
و نیز کارهایی که ثواب را زیاد می کند، بجا آورد، مثلاً انگشتری عقیق به دست کند و لباس پاکیزه بپوشد و شانه و مسواک کند و خود را خوشبو نماید.
نمازهای واجب
مساءله 161 :
نمازهای واجب به شرح ذیل است :
1 - نماز یومیّه (شبانه روز) و آنچه ملحق به آن است مانند نماز جمعه ، نماز احتیاط، نماز قضا و نمازی که نماز گزار دوباره آن را اعاده می کند
2 - نماز آیات که به سبب آمدن حوادثی چون : زلزله ، خسوف ، کسوف و مانند اینها واجب می شود
3 - نماز میّت
4 - نماز طواف واجب خانه کعبه

5 - نماز قضای والدین بر پسر بزرگ
6 - نمازی که به سبب اجیر شدن و نذر و قسم و عهد واجب می شود.
نمازهای یومیّه
مساءله 162 :
پنج نماز در روز واجب است :
1 - نماز ظهر (چهار رکعت)
2 - نماز عصر (چهار رکعت)
3 - نماز مغرب (سه رکعت)
4 - نماز عشا (چهار رکعت)
5 - نماز صبح (دو رکعت)
مساءله 163 :
نماز گزار برای بجا آوردن نماز صحیح ، چند شرط را باید قبل از نماز رعایت کند:
اوّل : طهارت
دوم : وقت هر نماز
سوم : قبله
چهارم : پوشش در حال نماز و شرایط آن
پنجم : مکان نماز
وقت نمازهای یومیّه
وقت نماز ظهر و عصر
مساءله 164 :
نماز ظهر و عصر، هر کدام وقت مخصوص و مشترکی دارند.
وقت مخصوص نماز ظهر
از اول ظهر است تا وقتی که از ظهر به اندازه خواندن نماز ظهر نگذرد. و اگر کسی ، اشتباهاً عصر را در این وقت بخواند، نمازش باطل است .
وقت مخصوص نماز عصر
هنگامی است که به اندازه خواندن نماز عصر، به مغرب ، وقت ماند باشد.
مابین این دو وقتِ مخصوص ،وقت مشترک نماز ظهر و عصر است .
وقت نماز مغرب و عشا
مساءله 165 :
نماز مغرب و عشا، هر کدام وقت مخصوص و مشترک دارند.
وقت مخصوص نماز مغرب
از اول مغرب است تا وقتی که از مغرب به اندازه خواندن سه رکعت نماز بگذرد.
وقت مخصوص نماز عشا
برای شخص مختار، موقعی است که به اندازه خواندن نماز عشا به نصف

شب مانده باشد.
بین وقت مخصوص نماز مغرب و عشا، وقت مشترک نماز مغرب و عشا است .

وقت نماز صبح

مساءله 166 :

نزدیک اذان صبح ، از طرف مشرق ، نور سفیدی رو به بالا حرکت می کند که آن را ((فجر اول)) گویند، موقعی که آن سفیدی پهن شد، ((فجر دوم)) و اول وقت نماز صبح است .

و آخر وقت نماز صبح ، موقعی است که آفتاب می خواهد بیرون آید.

احکام اوقات نماز

مساءله 167 :

کسی که فقط به اندازه خواندن یک رکعت نماز وقت دارد، باید نماز را به نیّت ادا بخواند.

مساءله 168 :

مستحب است انسان نماز را در اول وقت آن بخواند و راجع به آن خیلی سفارش شده است . و هر چه به اول وقت نزدیک تر باشد، بهتر است .

مساءله 169 :
انسان باید نماز عصر را بعد از نماز ظهر و نماز عشا را بعد از نماز مغرب بخواند و اگر عمداً نماز عصر را پیش از نماز ظهر و نماز عشا را پیش از نماز مغرب بخواند، باطل است .
نمازهای مستحب
مساءله 170 :
نمازهای مستحبی زیاد است و آنها را ((نافله)) گویند.
در بین نمازهای مستحبی ، به خواندن نافله های شبانه روزی بیشتر سفارش شده است .
نافله های شبانه روزی ، در غیر روز جمعه ، سی چهار رکعت است :
1 - ظهر، هشت رکعت ، قبل از نماز ظهر
2 - عصر، هشت رکعت ، قبل از نماز عصر
3 - مغرب ، چهار رکعت ، بعد از نماز مغرب
4 - عشا، دو رکعت نشسته ، بعد از نماز عشا
5 - صبح ، دو رکعت ، قبل از نماز صبح
6 - شب ، یازده رکعت .
نماز شب
در اهمیت و فضیلت نماز شب روایات بسیاری وارد شده است ، از جمله :
پیامبراکرم صلّی اللّه علیه و آله به علی علیه السّلام فرمودند: بر تو باد نماز شب !
آن حضرت در جایی می فرمایند: آنقدر جبرئیل مرا سفارش به نماز شب کرد که گویا نیکویان امتم شب نمی خوابند. دو رکعت نماز در شب را بر همه دنیا ترجیح می دهم .
امام علی علیه السّلام رمودند: نماز شب ، بدن را سالم می کند.
امام صادق علیه السّلام می فرمایند: نماز شب ، سبب بخشش گناهان می شود.
نماز شب ، صورت را نورانی می کند.
نماز شب ، روزی را زیاد می کند.
روش خواندن نافله شب
مساءله 171 :
نافله شب ، یازده رکعت است به شرح زیر:
هشت رکعت به نیّت نافله شب (چهار نماز دو رکعتی)
دو رکعت به نیت نماز شفع

یک رکعت به نیت نماز وتر.
وقت خواندن آن ، بعد از نصف شب است و هر چه به صبح نزدیکتر باشد، بهتر است .
نماز شفع هم مثل نماز صبح است .
نماز وتر، به این طریق خوانده می شود:
پس از نیّت ، حمد و سه مرتبه سوره توحید و یک مرتبه سوره فلق و یک مرتبه سوره ناس خوانده می شود و بعد از آن ، هر دو دست را مقابل صورت گرفته مشغول خواندن قنوت می شود و بعد از قنوت ، دست چپ را فقط به حال قنوت نگه داشته و با دست راست تسبیح را گرفته و در حقّ چهل مؤ من دعا می کند، مثلاً بدین طریق :اللّهمَّ اغْفِرْ لِرُوح الله الخمینی و ... آنگاه هفتاد مرتبه بگوید: اَسْتغِفرُ اللهَ رَبّی و اَتُوبُ الیه و بعد سیصد مرتبه بگوید: اَلْعَفْوَ اَلْعفْوَ و سپس هفت مرتبه بگوید: هذا مَقامُ العائذُ بِکَ مِنَ النّ ار و بعد بگوید:ربّ اغْفِرْ لی و ارْحَمْنی و تُبْ عَلیَّ اِنَّکَ انتَ التّوّ ابُ الرّحیم .
نماز غفیله
مساءله 172 :
نماز غفیله یکی از نمازهای مستحبی است که بین نماز مغرب و عشا خوانده می شود.
مساءله 173 :
نماز غفیله دو رکعت است ، در رکعت اول بعد از حمد به جای سوره باید یا بهتر است این آیه خوانده شود:
وَ ذَالنّونِ اِذْ ذَهَبَ مُغا ضِباً فَظَنَّ اَنْ لَنْ نَقدِرَ عَلَیهِ فنادی فی الظُّلُماتِ اَنْ لا اِله اِلاّ اَنت سُبْحا نکَ اِنّی کُنْتُ مِنَ الظّا المینَ فَاسْتَجَبْنا لهُ وَ نَجَّیْنا هُ مِنَ الْغَمِّ وَ کذلِکَ نُنْجِی المُؤْمنین .
در رکعت دوم بعد از حمد به جای سوره این آیه قرائت شود:
و عِنْدَهُ مفا تِحُ الْغیبِ لا یَعْلَمُها اِلاّ هُوِ وَ یَعْلَمُ ما فَی الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ و ما تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ اِلاّ یَعْلَمُها وَ لا حَبَّةٍ فی ظُلُما تِ الْاَرْضِ و لا رَطْبٍ وَ لا یا بسٍ اِلاّ فی کتا بٍ مُبینٍ
در قنوت این دعا خوانده شود:
اَللّهُمَّ اِنّی اَسْاَلُکَ بِمَفا تِح الغَیْبِ الّتی اِلاّ اَنْتَ اَنْ تُصَلِّی علی محمَّدٍ و اَنْ تَفْعلَ بی ...
سپس حاجتهای خود را ذکر کرده و بعد بخواند:
اَللّهُمَّ اَنْت وَلیُّ نِعْمَتی وَالْقا درُ علی طَلَبَتی تَعْلَمُ حا جَتی فَاَسْاءلُکَ بِحَقِّ محمّدٍ وَ آلِ محمّدٍ علیهِ و علَیْهِمُ السَّلا م لَمّ ا قَضَیْتها لی .
قبله
مساءله 174 :

خانه کعبه که در مکّه معظمه می باشد، قبله است و باید رو به آن نماز خواند. همین قدر که گمان بکند رو به قبله است ، کافی است .
مساءله 175 :
کسی که یقین به قبله ندارد، اگر بخواهد غیر از نماز، کاری کند که باید رو به قبله انجام داد، مثلاً بخواهد سر حیوانی را ببرد، باید به گمان عمل کند و اگر گمان ممکن نیست ، به هر طرف که انجام دهد، صحیح است .
پوشاندن بدن در نماز
مساءله 176 :
زن در موقع نماز باید تمام بدن حتی سر و موی خود را بپوشاند، حتی اگر کسی او را نبیند، ولی پوشاندن صورت و دستها تا مچ و پاها تا مچ پا، لازم نیست .
ولی احتیاط در این است که صورت بیش از آنچه شستن آن در موقع وضو واجب است در حال نماز باز نباشد و همچنین کف پا و درون دست نیز باز نباشد. اما برای آن که یقین کند که مقدار واجب را پوشانده است ، باید مقداری از اطراف صورت و قدری پایین تر از مچ را هم بپوشاند.
لباس نماز گزار
مساءله 177 :
لباس نماز گزار شش شرط دارد:
1 - پاک باشد.
2 - مباح باشد.
3 - از اجزای مردار نباشد.
4 - از حیوان حرام گوشت نباشد.
5و6 - اگر نماز گزار مرد است ، لباس او ابریشم خالص و طلا باف نباشد.
مساءله 178 :
زینت کردن به طلا، مثل آویختن زنجیر طلا به سینه و انگشتر طلا به دست کردن و بستن ساعت مچی طلا به دست ، برای مرد در نماز و غیر نماز حرام است .
دندانی که پوشش طلا دارد، در نماز مانعی ندارد.
زینت کردن به طلا، برای زن در نماز و غیر نماز اشکال ندارد.
مکان نماز گزار
مساءله 179 :
مکان نماز گزار دو شرط دارد:
اول : مکان مباح باشد.
دوم : مکان نماز گزار از نجاست مرطوب که به بدن و لباس نماز گزار سرایت کند، خالی باشد.
مساءله 180 :

نماز خواندن در مسافر خانه و حمام و مانند اینها که برای کسانی که وارد می شوند آماده شده ، اشکال ندارد.

مساءله 181 :

این که زن ، جلوتر از مرد یا مساوی و همدوش با مرد برای نماز خواندن بایستد، مکروه است ، بنابر اظهر. مگر این که بین آن دو، چیزی مانند پرده و مانند آن ، حائل بشود و یا این که بین آن دو، به مقدار حداقل یک وجب و حداکثر ده ذراع که حدود پنج متر می شود، فاصله باشد که در این صورت ، کراهت کم و یا برداشته می شود.

احکام مسجد

مساءله 182 :

نجس کردن زمین و سقف و بام و ظاهر و باطن مسجد، حرام است و هر کس بفهمد که نجس شده است ، باید فوراً نجاست آن را بر طرف کند. و احتیاط واجب آن است که طرف بیرون دیوار مسجد را هم نجس نکنند و اگر نجس شود، نجاستش را بر طرف کنند.

مساءله 183 :

چند چیز در مسجد مستحب است :

1 - تمیز کردن مسجد

2 - روشن کردن چراغ

3 - کسی که وارد مسجد می شود، ته کفش خود را وارسی کند که نجاستی در آن نباشد

4 - موقع داخل شدن به مسجد، اول پای راست و موقع بیرون آمدن ، اول پای چپ را بگذارد.

مکانهایی که نماز خواندن در آنها مستحب است

مساءله 184 :

نماز در مسجد، از نماز در غیر مسجد افضل است و بهتر از همه مساجد، مسجد الحرام و بعد مسجد النّبی و بعد مسجد کوفه و بعد مسجد سهله و مسجد خیف و مسجد غدیر و مسجد بیت المقدس و مسجد براثا و مسجد قبا و مسجد جامع هر شهر و بعد مسجد قبیله و بعد مسجد بازار است .

از جمله اماکن مستحب و با فضیلت ، مشاهد مشرفه انبیا و اوصیای آنان و ائمه علیهم السّلام است .

اذان و اقامه

مساءله 185 :

برای مرد و زن ، مستحب است پیش از نمازهای یومیه ، اذان و اقامه بگویند، اما احتیاط مستحب این است که اقامه ترک نشود، مخصوصاً در نماز صبح و مغرب و برای کسی که به جماعت نماز نمی خواند.

پیش از نماز عید فطر و قربان ، مستحب است که سه مرتبه بگویند:

الصلاة ، گفتن اذان و اقامه در غیر این مورد، به قصد ورود در شرع ، حرام است .
مساءله 186 :
مستحب است در گوش راست بچه ای که به دنیا آمده اذان و در گوش چپش اقامه بگویند.
اذان و ترجمه
اللّه اکبر (4 بار)
خدای تعالی بزرگ تر از آن است که او را وصف کنند.
اءشْهَدُ اءنْ لا اله إ لاّ اللّه (2 بار)
شهادت می دهم که غیر از خدائی که یکتاست ، خدای دیگر سزاوار پرستش نیست .
اءشْهَدُ اءنَّ محمّداً رَسُولُ اللّه (2 بار)
شهادت می دهم که حضرت محمّد صلّی اللّه علیه و آله فرستاده خداست .
اءشْهَدُ اءنَّ علیّاً وَلیُّ اللّه (2 بار)
شهادت می دهم که حضرت علی علیه السّلام ولیّ خدا بر همه خلق است .
حیّ علی الصلاة (2 بار)
بشتاب به سوی نماز.
حیّ علی الفلاح (2 بار)
بشتاب به سوی رستگاری .
حیّ علی خَیْرِ العمل (2 بار)
بشتاب به سوی بهترین عمل .
اللّه اکبر (2 بار)
لا إ له إ اللّه (2 بار)
خدایی سزاوار پرستش نیست ، مگر خدایی که یکتا و بی همتا است .
اقامه
اللّه اکبر (2 بار)
اءشْهَدُ اءن لا إ له إ لاّ اللّه (2 بار)
اءشْهَدُ اءنَّ محمّداً رَسولُ اللّه (2 بار)
اءشْهَدُ اءنّ علیّاً ولیُّ اللّه (2 بار)
حیّ علی الصلاة (2 بار)
حیّ علی الفلاح (2 بار)
حیّ علی خیر العمل (2بار)
قَدْقا مَتِ الصَّلاة (2 بار)
اللّه اکبر (2 بار)
لا إ له إ لاّ اللّه (1 بار)
واجبات نماز

مساءله 187 :
واجبات نماز، یازده چیز است :
اول : نیّت
دوم : قیام
سوم : تکبیرة الاحرام ، یعنی ((اللّه اکبر)) گفتن در اول نماز
چهارم : رکوع
پنجم : سجود
ششم : قرائت
هفتم : ذکر
هشتم : تشهد
نهم : سلام
دهم : ترتیب
یازدهم : موالات ، یعنی پی در پی بودن اجزای نماز.
مساءله 188 :
بعضی از واجبات نماز، رکن است و بعضی دیگر غیر رکن .
ارکان نماز
نیّت
قیام
تکبیرة الاحرام
رکوع
سجود (دو سجده)
غیر ارکان نماز
قرائت
ذکر
تشهد
سلام
ترتیب
موالات
فرق بین ارکان نماز و غیر ارکان
اگر انسان ارکان نماز را بجا نیاورد و یا اضافه کند، عمداً باشد یا اشتباهاً، نماز، باطل است ، ولی غیر ارکان را اگر اشتباهاً کم یا زیاد کند، نماز باطل نیست .
نیّت
مساءله 189 :
انسان باید نماز را به نیّت قربت ، یعنی برای انجام فرمان خداوند عالم ، بجا آورد و لازم نیست نیّت را از قلب خود بگذراند یا مثلاً به زبان بگوید که

: ((چهار رکعت نماز ظهر می خوانم قربة الی الله))، بلکه همین قدر که انگیزه انسان از این کار، نماز خواندن باشد، در تحقّق نیّت کافی است . ولی بهتر و افضل این است که نیّت نماز را از قلب خود بگذراند.
مساءله 190 :
انسان باید فقط برای انجام امر خداوند عالم ، نماز بخواند. پس کسی که ریا کند، یعنی ، برای نشان دادن به مردم نماز بخواند، نمازش باطل است ، بنابر احوط، خواه برای مردم باشد، یا خدا و مردم ، هر دو را در نظر بگیرد.
مساءله 191 :
اگر کسی مثلاً خواست نماز ظهر بخواند، ولی موقع شروع در نماز، اشتباهاً به جای لفظ ظهر، لفظ عصر به زبان او آمد، یا این که در قلبش به جای ظهر مثلاً عصر اشتباهاً خطور کرد، ولی انگیزه او از این عمل ، نماز ظهر بود، مانعی ندارد و نماز او صحیح است .
قیام
مساءله 192 :
قیام در موقع گفتن تکبیرة الاحرام ، بنابر ظاهر، و قیام پیش از رکوع - که آن را قیام متصل به رکوع می گویند- رکن است ، ولی قیام در موقع خواندن حمد و سوره و قیام بعد از رکوع ، رکن نیست .
مساءله 193 :
اگر رکوع را فراموش کند و بعد از حمد و سوره بنشیند و یادش بیاید که رکوع نکرده ، باید اوّل بایستد و سپس به رکوع رود و اگر بدون این که بایستد، به حال خمیدگی به رکوع برگردد، چون قیام متصل به رکوع را بجا نیاورده ، نماز او باطل است .
مساءله 194 :
موقعی که ایستاده ، باید بدن را عمداً حرکت ندهد و به طرفی خم نشود و به جایی تکیه نکند، ولی اگر از روی ناچاری باشد، یا در خم شدن برای رکوع پاها را حرکت دهد، اشکال ندارد.
مساءله 195 :
حرکت دادن دست و انگشتان در موقع خواندن حمد و سوره و سایر حالات ، اشکال ندارد.
تکبیرة الاحرام
مساءله 196 :
گفتن اللّه اکبر در اول هر نماز، واجب و رکن است و باید بنابر احوط، حروف ((اللّه)) و حروف ((اکبر)) و دو کلمه ((اللّه اکبر)) را پشت سر هم بگوید.
مساءله 197 :
موقع گفتن تکبیرة الاحرام ، باید بدن آرام باشد و اگر عمداً در حالی که

بدنش حرکت دارد تکبیرة الاحرام را بگوید، باطل است . و نیز بنابر احتیاط، اگر سهواً یا از روی فراموشی باشد، باطل است .

قرائت

مساءله 198 :

در رکعت اول و دوم نمازهای واجب یومیه ، انسان باید اول سوره حمد و بعد از آن ، بنابر احتیاط در صورتی که می داند یا می تواند یاد بگیرد، یک سوره تمام بخواند.

و بنابر اظهر اگر سوره ((ضحی)) را می خواند، باید سوره ((الم نشرح)) را هم به دنبال آن بخواند و اگر سوره ((فیل)) را خواند، سوره ((قریش)) را هم بخواند.

مساءله 199 :

بر مرد واجب است که حمد و سوره نماز صبح و مغرب و عشا را بلند بخواند. بر مرد و زن واجب است که حمد و سوره نماز ظهر و عصر را آهسته بخوانند.

مساءله 200 :

زن می تواند حمد و سوره نماز صبح و مغرب و عشا را بلند یا آهسته بخواند، ولی اگر نامحرم صدایش را بشنود، باید آهسته بخواند، در صورتی که شنیدن صدای او حرام باشد، مثلاً ترس فتنه و لذّت بردن در بین باشد بنابر اظهر.

مساءله 201 :

انسان باید نماز را یاد بگیرد که غلط نخواند و کسی که به هیچ وجه نمی تواند صحیح آن را یاد بگیرد، باید هر طور که می تواند بخواند، و احتیاط مستحب در آن است که نماز را به جماعت بجا آورد.

مساءله 202 :

در رکعت سوم و چهارم نماز، می تواند فقط یک حمد بخواند، یا سه مرتبه تسبیحات اربعه بگوید.

اگر یک مرتبه هم تسبیحات اربعه را بگوید، بنابر اقوی کافی است ، ولی سه مرتبه فضیلت بیشتر دارد، و بهتر است در هر دو رکعت ، تسبیحات بخواند.

سُبحانَ اللّهِ وَ الْحَمْدُ للّه وَ لا إ له إ لا اللّه و اللّه اکبرُ را تسبیحات اربعه گویند.

مساءله 203 :

بر مرد و زن واجب است که در رکعت سوم و چهارم نماز، حمد یا تسبیحات را آهسته بخوانند.

مساءله 204 :

بر مرد واجب است حمد و سوره نماز صبح و مغرب و عشا را بلند بخواند

و بر مرد و زن واجب است حمد و سوره نماز ظهر و عصر را آهسته بخوانند، مگر در ظهر جمعه که مستحب است دو رکعت اول را بلند بخوانند.

مساءله 205 :

زن می تواند حمد و سوره نماز صبح ، مغرب و عشاء را بلند یا آهسته بخواند، ولی اگر نامحرم صدایش را بشنود باید آهسته بخواند، در صورتی که شنیدن صدای او حرام باشد، مثلاً ترس فتنه و لذت بردن در بین باشد بنابراظهر.

رکوع

مساءله 206 :

در هر رکعت ، بعد از قرائت باید به اندازه ای خم شود که بتواند دست را به زانو بگذارد. و این عمل را ((رکوع)) می گویند.

مساءله 207 :

در رکوع ، احتیاط مستحب آن است که سه مرتبه ((سبحان الله)) یا یک مرتبه ((سبحانَ رَبّیَ الْعَظیمِ وَ بِحَمْدِه)) بگوید.

مساءله 208 :

مستحب است بعد از سر برداشتن از رکوع ، وقتی بدن آرام گرفت ، بگوید ((سَمِعَ اللّهُ لِمَنْ حَمِدَه)) .

مساءله 209 :

بعد از تمام شدن ذکر رکوع ، باید راست بایستد و بعد از آن که بدن آرام گرفت ، به سجده رود. اگر پیش از ایستادن یا پیش از آرام گرفتن بدن ، عمداً به سجده رود، نمازش باطل است .

مساءله 210 :

مستحب است در رکوع ، زنها دست را بالاتر از زانو قرار بدهند.

سجود

مساءله 211 :

نماز گزار باید هر رکعت از نمازهای واجب و مستحب ، بعد از رکوع ، دو سجده کند.

((سجده)) آن است که پیشانی و تمام کف دو دست و سر دو زانو و سر دو انگشت بزرگ پاها را بر زمین بگذارد.

مساءله 212 :

در سجده ، احتیاط مستحب آن که سه مرتبه ((سبحان الله)) یا یک مرتبه ((سُبْحانَ رَبّیَ الا عْلی و بِحَمْدِه)) بگوید و مستحب است ((سُبحان ربی الاعلی و بحمده)) را سه یا پنج یا هفت مرتبه بگوید.

مساءله 213 :

موقعی که ذکر سجده را می گوید، باید تمام هفت عضو روی زمین باشند و

از زمین برداشته نشوند، ولی موقعی که مشغول گفتن ذکر نیست ، اگر غیر از پیشانی ، جاهای دیگر را از زمین بردارد و دوباره بگذارد، اشکال ندارد.
مساءله 214 :
بعد از تمام شدن ذکر سجده اوّل ، باید بنشیند تا بدن آرام بگیرد و بعد به سجده دوم رود.
مساءله 215 :
اگر به واسطه بلند بودن ناخن انگشت شست پا، سر شست به زمین برسد، نماز باطل است .
مساءله 216 :
احتیاط مستحب آن است که بعد از سجده دوّم رکعت اوّل و سوّم - که تشهد ندارد،- قدری بی حرکت نشسته و بعد برخیزد.
چیزهایی که سجده بر آنها صحیح است
مساءله 217 :
باید بر زمین و چیزهای غیر خوراکی و پوشاکی که از زمین می روید، سجده کرد و سجده بر چیزهای خوراکی و پوشاکی صحیح نیست .
منظور از خوراکی ، چیزهایی است که خام یا پخته آن ، عادتاً خورده می شود. پس سجده بر گندم و جو و نخاله آنها که در ضمن خورده می شود، صحیح نیست ، ولی سجده بر پوست برنج و پوست خربزه و هندوانه و انار و حتی در حال اتّصال ، مانعی ندارد.
و همچنین سجده بر گیاهان دارویی که اختصاص به مریض دارد و به هیچ وجه از آن در حال سلامت استفاده نمی شود، جایز است . و سجده بر تنباکو و مانند آن ، که خوراکی نیست ، جایز است ، به خلاف مثل قهوه و چای .
منظور از پوشاکی ، چیزی است که عادتاً پوشیده می شود، و لو بعد از ریسیدن و بافتن ، مثل پنبه و کتان و کنف ، ولی سجده بر برگ درختان و چوبها و آنچه که از چوب ساخته می شود و حصیر و بادبزن و امثال آن ، جایز است .
مساءله 218 :
سجده کردن بر چیزهای معدنی ، مانند طلا و نقره ، عقیق و فیروزه ، باطل است ، اما سجده کردن بر سنگهای معدنی ، مانند سنگ مرمر و سنگهای سیاه ، بنابر اظهر اشکال ندارد.
مساءله 219 :
بهتر از هر چیز برای سجده کردن تربت حضرت سید الشهداءعلیه السّلام است .
سجده واجب قرآن

مساءله 220 :
در چهار سوره قرآن آیاتی وجود دارد که اگر انسان آن را بخواند یا به آن گوش دهد، بعد از تمام شدن آنها باید فوراً سجده کند، و اگر فراموش کرد، هر وقت یادش آمد باید سجده کند این آیه ها را ((آیه سجده)) می گویند که عبارتند از:
((آیه 37 سوره فصلت (41))) ((آیه آخر سوره نجم (53)))
((آیه 15 سوره سجده (32))) ((آیه آخر سوره علق (96))).
مساءله 221 :
اگر انسان موقعی که آیه سجده را می خواند، از دیگری هم بشنود، چنانچه گوش داده ، دو سجده کند و اگر به گوشش خورد، یک سجده کافی است ، اگر چه احتیاط در دو سجده است . و اگر انسان ، چند دفعه آیه سجده را شنید و یا خود قرائت کرد، اگر بعد از اوّلی سجده کرده ، واجب است باز هم برای دفعات بعد سجده کند.
مساءله 222 :
اگر آیه سجده را از کسی که قصد خواندن قرآن را ندارد، بشنود یا از ضبط صوت بشنود، لازم نیست سجده کند. ولی اگر از وسیله ای که مثل بلندگو، صدای خود انسان را می رساند بشنود، واجب است سجده کند و اگر سجده نکرد برای هر قرائت و شنیدن آیه ، سجده کند.
مساءله 223 :
در سجده واجب قرآن ، گذاشتن پیشانی بزمین به قصد سجده ، اگر چه ذکر نگوید، کافی است .
و گفتن ذکر در سجده واجب مستحب است و بهتر است بگوید:
لا إ لِ هَ إ لاّ اللّه حقّاً حقّاً لا إ له إ لاّ اللّه إ یماناً و تصدیقاً، لا إ له إ لاّ اللّه عُبُودیَّةً و رقّاً، سَجَدْتُ لکَ یا ربِّ تَعَبُّداً و رقّاً، لا مُسْتَنْکِفاً و لا مُسْتَکْبراً، بَلْ اءنا عبدٌ ذَلیلٌ ضَعی فٌ خائفٌ مُسْتجیر.
تشهّد
مساءله 224 :
در رکعت دوم تمام نمازهای واجب و رکعت سوم نماز مغرب و رکعت چهارم نماز ظهر و عصر و عشا، انسان بعد از سجده دوم ، باید بنشیند و در حال آرام بودن بدن ، تشهد بخواند. و ذکر تشهّد بنابر احتیاط عبارت است از:
اءشْهَدُ اَنْ لا إ له إ لاّ اللّه وَحْدَهُ لا شریکَ لَهُ و اءشْهَدُ اَنَّ مُحمّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ. اَللّهُمَّ صَلِّ علی محمّدٍ و آلِ مُحمّد.
مساءله 225 :
اگر تشهد را فراموش کند و بایستد و پیش از رکوع یادش بیاید تشهد را نخوانده باید بنشیند و تشهد را بخواند.

مساءله 226 :
بعد از تشهد رکعت آخر نماز، در حالی که نشسته و بدن آرام است ، باید سلام نماز را بگوید.
ترتیب سلام نماز به شرح زیر است .
اَلسّلامُ عَلَیکَ اَیُّها النّبیُّ و رَحْمَةُ اللّه و برکاتُه .
اَلسّلامُ عَلَیْنا و علی عِبا داللّه الصّالِحین .
السّلامُ عَلَیکُمْ و رحمةُ الله و برکاتُهُ.
ترتیب
مساءله 227 :
اگر عمداً ترتیب نماز را به هم بزند، مثلاً سوره را پیش از حمد بخواند یا سجود را پیش از رکوع بجا آورد، بنابر احتیاط، نماز باطل می شود.
موالات
مساءله 228 :
انسان باید نماز را با موالات (پی در پی) بخواند، یعنی کارهای نماز مانند رکوع و سجود و تشهد را پشت سر هم بجا آورد.
قنوت
مساءله 229 :
در تمام نمازهای واجب و مستحب ، پیش از رکوع رکعت دوم مستحب است قنوت بخواند، بلکه احتیاط در این است که قنوت را در نمازهای واجب ترک نکند، در نماز وتر با آن که یک رکعت می باشد، خواندن قنوت پیش از رکوع ، مستحب است . نماز جمعه ، در هر رکعت یک قنوت دارد و در رکعت اول قبل از رکوع و در رکعت دوم بعد از رکوع ، خوانده می شود.
نماز آیات ، پنج قنوت ، و نماز عید فطر و قربان در رکعت اوّل ، پنج قنوت و در رکعت دوم ، چهار قنوت دارد.
مساءله 230 :
اگر بخواهد قنوت را بخواند، خوب است دستها را مقابل صورت بلند کند و مستحب است که کف دستها را رو به آسمان و پهلوی هم نگه دارد.
مساءله 231 :
در قنوت ، هر ذکری بگوید کافی است ، اگر چه یک سبحان الله باشد و بهتر است بگوید:
لا إ له إ لاّ اللّه الْحَلیمُ الْکریم ، لا إ له إ لاّ اللّهُ الْعَلیُّ العظیم ، سُبْحانَ اللّه رَبِّ السَّم و اتِ السَّبْع و رَبِّ الارَضینِ السَّبع و ما فیهِنَّ و ما بَیْنَهُنَّ و رَبِّ العَرشِ العظی م و الْحَمْدُ للّه ربِّ العالَمین .
و نمازگزار می تواند این دعا را بخواند:
رَبَّنا آتِنا فِی الدّنیا حَسَنَةً و فِی الا خرَةِ حَسَنَةً و قِنا عَذابَ النّار.

تعقیبات نماز
مساءله 232 :
مستحب است انسان بعد از نماز، مشغول تعقیب ، یعنی خواندن ذکر و دعا و قرآن ، شود ولی بهتر است چیزهایی را که در کتابهای دعا دستور داده اند، بخواند.
از تعقیبهایی که خیلی سفارش شده است ، تسبیح حضرت زهراعلیهاالسّلام است ، که به این ترتیب گفته شود:
اللّهُ اکبر: (34 بار)
اَلْحَمْدُ للّه : (33 بار)
سبحان اللّه : (33 بار)
مساءله 233 :
مستحب است بعد از نماز، سجده شکر کند و همین قدر که پیشانی را به قصد شکر بر زمین بگذارد، کافی است ، ولی بهتر است صد مرتبه یا سه مرتبه یا یک مرتبه بگوید:
((شُکْراً لِلّه)) یا((شکراً))یا ((عفواً)).
مساءله 234 :
مستحب است هر وقت نعمتی به انسان می رسد، یا بلایی از او دور می شود، سجده شکر بجا آورد.
مبطلات نماز
مساءله 235 :
دوازده چیز نماز را باطل می کنند که عبارتند از:
1 - از بین رفتن یکی از شروط در اثنای نماز.
2 - باطل شدن وضو یا غسل در اثنای نماز، عمداً یا سهواً.
3 - گذاشتن دستها روی هم عمداً با قصد این که جزء نماز است .
4 - گفتن ((آمین)) عمداً بعد از حمد.
5 - برگرداندن عمدی تمام بدن به پشت سر (روی بر گرداندن از قبله).
6 - حرف زدن عمدی
7 - خندیدن عمدی (قهقه کردن)
8 - برای دنیا با صدای بلند عمداً گریه کردن
9 - کار زیادی که صورت نماز را به هم بزند
10 - خوردن و آشامیدن در بین نماز
11 - شک در رکعتهای نماز دو رکعتی و سه رکعتی
12 - کم و زیاد کردن رکن نماز، عمداً یا سهواً
مساءله 236 :
اگر انسان ، عمداً تمام بدن را به راست یا چپ و یا فقط با صورت به پشت سر توجه کند، بنابر اظهر، نمازش باطل است . و اگر سهواً و یا از

روی فراموشی باشد، مانعی ندارد. شکیات نماز
مساءله 237 :
شکهایی که نماز را باطل می کند از این قرار است .
1 - شک در شماره رکعتهای نماز دو رکعتی ، مثل نماز صبح و نماز مسافر. ولی شک در نماز مستحب دو رکعتی و بعضی از نمازهای احتیاط، نماز را باطل نمی کند
2 - شک در شماره رکعتهای نماز سه رکعتی
3 - اگر در نماز چهار رکعتی شک کند که یک رکعت خوانده یا بیشتر
4 - اگر در نماز چهار رکعتی پیش از تمام شدن سجده دوّم ، شک کند که دو رکعت خوانده یا بیشتر
5 - شک بین دو و پنج یا دو و بیشتر از پنج
6 - شک بین سه و شش و بیشتر از شش
7 - شک در رکعتهای نماز که نداند چند رکعت خوانده است
8 - شک بین چهار و شش یا چهار و بیشتر از شش .
شکهایی که نباید اعتنا شوند
مساءله 238:
شکهایی که نباید به آنها اعتنا کرد عبارت است از:
1 - در چیزی که محل بجا آوردن آن گذشته است ، مثل آنکه ((در رکوع شک کند که حمد را خوانده یا نه))
2 - شک بعد از سلام نماز
3 - شک بعد از گذشتن وقت نماز
4 - شک کثیر الشک ، یعنی ، کسی که زیاد شک می کند
5 - شک امام در شماره رکعتهای نماز، در صورتی که ماءموم شماره آنها را بداند و نیز شک ماءموم در صورتی که امام شماره رکعتهای نماز را بداند
6 - شک در نماز مستحبی
شکهای صحیح نماز
مساءله 239 :
در نُه صورت اگر در شماره رکعتهای نماز چهار رکعتی شک کند، بنابر احتیاط، باید فکر کند و اگر یقین یا گمان به یک طرف از شک پیدا کرد، همان طرف را بگیرد و نماز را تمام کند و گرنه به دستورهایی که گفته می شود عمل کند.
نُه صورت شک بدین قرار است
1 - شک بین دو و سه ، بعد از سر برداشتن از سجده دوم ، بنابر اظهر باید بنا بگذارد به اینکه سه رکعت خوانده و یک رکعت دیگر بخواند و نماز را تمام کند و بعد از نماز یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته

بجا آورد.
2 - شک بین دو و چهار، بعد از سر برداشتن از سجده دوم ، که باید بنا بگذارد چهار رکعت خوانده و نماز را تمام کند و بعد از نماز، دو رکعت نماز احتیاط ایستاده بخواند.
3 - شک بین دو و سه و چهار، بعد از سر برداشتن از سجده دوم ، که باید بنا را بر چهار بگذارد و نماز را تمام کند و بعد از نماز، دو رکعت نماز احتیاط ایستاده و بعد دو رکعت نشسته بجا آورد.
4 - شک بین چهار و پنج ، بعد از سر برداشتن از سجده دوم ، که باید بنا را بر چهار بگذارد و نماز را تمام کند و بعد از نماز، دو سجده سهو بجا آورد.
اگر بعد از رکوع رکعتی که در آن شک کرده و پیش از سر برداشتن از سجده دوم ، این شک برای او پیش آید، بنابر احیتاط واجب ، باید نماز را دوباره هم بخواند.
5 - شک بین سه و چهار، که در هر جای نماز باشد، باید بنا را بر چهار بگذارد و نماز را تمام کند و بعد از نماز، یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته بجا آورد.
6 - شک بین چهار و پنج ، در حال ایستاده ، قبل از رکوع ، که باید بنشیند و تشهد بخواند و سلام دهد و آنگاه یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته ، بجا آورد و بنابر احتیاط، دو سجده سهو نیز انجام دهد.
7 - شک بین سه و پنج ، در حال ایستاده ، قبل از رکوع ، که باید بنشیند و تشهد بخواند و سلام دهد و دو رکعت نماز احتیاط ایستاده بجا آورد.
8 - شک بین سه و چهار و پنج ، در حال ایستاده ، قبل از رکوع ، که باید بنشیند و تشهد بخواند و بعد از سلام نماز، دو رکعت نماز احتیاط ایستاده و بعد دو رکعت نشسته بجا آورد و سپس دو سجده سهو برای کارهای زیادی که انجام داده ، بجا آورد.
9 - شک بین پنج و شش ، در حال ایستاده ، که باید بنشیند و تشهد بخواند و سلام دهد و دو سجده سهو بجا آورد

موارد شکستن نماز

مساءله 240 :

شکستن نماز واجب ، از روی اختیار، حرام است ، ولی برای حفظ مال و جلوگیری از ضرر مالی یا بدنی ، مانعی ندارد.

شکستن نماز مستحبی ، از روی اختیار، مانعی ندارد.

مساءله 241 :

اگر حفظ جان خود یا کسی که حفظ جان او واجب است یا حفظ مالی که نگهداری آن واجب می باشد، بدون شکستن نماز ممکن نباشد، باید نماز را بشکنند.

نماز احتیاط

مساءله 242 :
کسی که نماز احتیاط بر او واجب است ، بعد از سلام ، باید فوراً نیّت نماز احتیاط کند و تکبیر بگوید و بنابر اظهر، حمد را بخواند و به رکوع برود و دو سجده کند.
پس اگر یک رکعت نماز احتیاط بر او واجب است ، بعد از دو سجده ، تشهد بخواند و سلام دهد، و اگر دو رکعت نماز احتیاط بر او واجب است ، بعد از دو سجده ، یک رکعت دیگر مثل رکعت اول بجا آورد و بعد از رکعت دوم ، تشهد و سلام دهد.
مساءله 243 :
نماز احتیاط، سوره و قنوت ندارد و باید آن را آهسته بخواند.
سجده سهو
مساءله 244 :
برای پنج چیز،بعد از سلام نماز، انسان باید دو سجده سهو بجا آورد:
1 - اگر در بین نماز، سهواً حرف بزند
2 - اگر یک سجده را فراموش کند
3 - اگر در نماز چهار رکعتی بعد از سجده دوم شک کند که چهار رکعت خوانده یاپنج رکعت ، ولی اگر قبل از تمام شدن سجده دوم شک کند، عمل به وظیفه ای که قبلاً گفته شد می نماید و بنابر احتیاط دو سجده سهو بجا می آورد، و همچنین اگر در حال ایستاده شک کرد که شش رکعت خوانده یا پنج رکعت ، بدون رکوع می نشیند و تشهد خوانده ، سلام می دهد و دو سجده سهو برای ایستادن بیجا و دو سجده دیگر برای شکی که کرده ، بنابر احتیاط انجام می دهد
4 - جایی که نباید نماز را سلام دهد، مثلاً در رکعت اوّل ، سهواً سلام بدهد
5 - اگر سهواً چیزی از غیر رکن را کم یا زیاد کند، بنابر احتیاط، دو سجده سهو بجا آورد.
دستور سجده سهو
مساءله 245 :
دستور سجده سهو این است که بعد از سلام نماز، فوراً نیّت سجده سهو کند و پیشانی بر مهر بگذارد و بگوید:
((بِسم اللّه و باللّه و صَلَّی اللّه علی محمَّدٍ و آل محمّدٍ)) یا
((بِسم اللّه و باللّهِ اللّهُمَّ صَلِّ علی محمّدٍ و آل محمّدٍ))
ولی بهتر است بگوید:
((بِسم اللّه و باللّه السَّلامُ عَلَیکَ اءیُّها النَّبِیُّ و رحْمةُ اللّه و بَرَکا تُهُ))
بعد باید بنشیند و دوباره به سجده رود و یکی از ذکرهایی را که گفته شد بگوید و بنابر اظهر وقتی سر از سجده برداشت تشهّد بخواند و سپس سلام بدهد.

تعریف روزه
مساءله 246 :
روزه آن است که انسان برای انجام دادن فرمان خداوند عالم ، از اذان صبح تا مغرب ، از چیزهایی که روزه را باطل می کند و شرح آنها بعداً گفته می شود، خودداری کند.
نیّت روزه
مساءله 247 :
انسان می تواند در هر شب از ماه رمضان ، برای روزه فردای آن نیّت کند. همچنین جایز است که شب اوّل ماه روزه همه ماه را نیّت کند.
مساءله 248 :
اگر انسان بخواهد غیر از روزه رمضان ، روزه واجب دیگری بگیرد، بنابر اقوی باید آن را معین کند مثلاً نیّت کند که ((روزه قضا)) یا ((روزه نذر)) می گیرم ولی در ماه رمضان ، لازم نیست نیّت کند که روزه ماه رمضان را می گیرم .
مساءله 249 :
اگر روزی را که شک دارد آخر شعبان است یا اوّل ماه رمضان ، به نیّت روزه قضا یا روزه مستحبی و مانند آن ، روزه بگیرد و در بین روز بفهمد که ماه رمضان است باید نیّت روزه رمضان کند.
مبطلات روزه
مساءله 250 :
نُه چیز روزه را باطل می کند:
1 - خوردن و آشامیدن
2 - استمنا
3 - دروغ بستن به خدا و پیغمبر ص و جانشینان پیغمبر و معصومان
4 - رساندن غبار به حلق
5 - جماع
6 - اماله کردن
7 - باقی ماندن بر جنابت و حیض و نفاس تا اذان صبح
8 - فرو بردن تمام سر در آب
9 - قی کردن
احکام مبطلات روزه
خوردن و آشامیدن
مساءله 251 :

اگر روزه دار، چیزی را عمداً بخورد یا بیاشامد، روزه او باطل می شود، چه خوردن و آشامیدن آن چیز، معمول باشد (مثل نان و آب) و چه معمول نباشد (مثل خاک و شیره درخت) و چه کم باشد و چه زیاد.
مساءله 252 :
اگر روزه دار، چیزی را سهواً بخورد یا بیاشامد، روزه اش باطل نمی شود.
مساءله 253 :
احتیاط واجب آن است که روزه دار، از استعمال آمپولی که بجای غذا بکار می رود، خودداری کند (بلکه اجتناب خالی از وجه نیست)، ولی تزریق آمپولی که عضو را بی حس می کند، یا به جهت دیگر استعمال می شود، اشکال ندارد.
مساءله 254 :
اگر روزه دار، چیزی را که بین دندان مانده است ، عمداً فرو ببرد، روزه اش باطل می شود.
مساءله 255 :
جویدن غذا برای بچه یا پرنده و چشیدن غذا و مانند اینها که معمولاً به حلق نمی رسد، اگر چه اتّفاقاً به حلق برسد، روزه را باطل نمی کند.
مساءله 256 :
انسان نمی تواند برای ضعف ، روزه را بخورد، ولی اگر ضعف او به قدری است که مشقّت شدیدی دارد، به طوری که معمولاً نمی شود آن را تحمّل کرد، خوردن روزه اشکال ندارد، ولی اگر تا سال دیگر خوب شد، باید قضای آن را بگیرد.
استمناء
مساءله 257 :
اگر روزه دار استمنا کند. یعنی با خود کاری کند که منی از او بیرون آید، روزه اش باطل می شود.
دروغ بستن به خدا و پیغمبر
مساءله 258 :
اگر روزه دار به گفتن یا به نوشتن یا به اشاره و مانند اینها، به خدا و پیغمبر و جانشینان آن حضرت ، عمداً نسبت دروغ بدهد، روزه او باطل است . و خالی از وجه نیست که به دروغ بستن به پیغمبران و جانشینان آنها و حضرت زهرا3 ملحق به دروغ بستن به خدا باشد و روزه را باطل کند.
رساندن غبار غلیظ به حلق
مساءله 259 :
رساندن غبار یا دود غلیظ به حلق ، بنابر اظهر، روزه را باطل می کند، چه آن غبار، غبار چیزی باشد که خوردن آن حلال است مثل (غبار آرد) و یا غبار چیزی باشد که خوردن آن حرام باشد.

مساءله 260 :
اگر غبار و مانند آن ، بی اختیار، به حلق برسد، روزه باطل نمی شود.
جماع
مساءله 261 :
نزدیکی ، روزه را باطل می کند اگر چه فقط به مقدار ختنه گاه داخل شود و منی هم بیرون نیاید.
مساءله 262 :
اگر کمتر از مقدار ختنه گاه داخل شود و منی هم بیرون نیاید روزه باطل نمی شود، ولی اگر کسی که آلتش را بریده اند کمتر از ختنه گاه را داخل کند بطلان و عدم بطلان روزه اش محل اشکال است .
مساءله 263 :
اگر فراموش کند که روزه است و نزدیکی نماید، یا او را به نزدیکی مجبور نمایند، روزه او باطل نمی شود. ولی چنانچه در هنگام نزدیکی یادش بیاید، یا دیگر مجبور نباشد، باید فوراً از حال نزدیکی خارج شود و اگر خارج نشود، روزه او باطل است .
اماله
مساءله 264 :
اماله کردن با چیز مایع اگر چه از روی ناچاری و برای معالجه بنابر اظهر روزه را باطل می کند
باقی ماندن بر جنابت ، حیض و نفاس تا اذان صبح
مساءله 265 :
اگر جنب عمداً تا اذان صبح غسل نکند، روزه اش باطل می شود و کسی که وظیفه او تیمم است اگر عمداً تیمم ننماید، روزه اش باطل است .
مساءله 266 :
کسی که جنب است و می خواهد روزه واجبی بگیرد که وقت آن معین است مثل روزه رمضان ، اگر عمداً غسل نکند تا وقت تنگ شود باید با تیمم روزه بگیرد و روزه او بنابر اظهر صحیح است .
مساءله 267 :
اگر زن در ماه رمضان پیش از اذان صبح از حیض یا نفاس پاک شود و عمداً غسل نکند، یا اگر وظیفه او تیمم است عمداً تیمم نکند، روزه اش باطل است و وجوب کفاره خالی از وجه نیست .
مساءله 268 :
اگر زن نزدیک اذان صبح از حیض و نفاس پاک شود و برای هیچکدام از غسل و تیمم وقت نداشته باشد، یا بعد از اذان بفهمد که پیش از اذان پاک شده روزه او صحیح است .
مساءله 269 :

اگر زن بعد از اذان صبح از خون حیض یا نفاس پاک شود یا در بین روز خون حیض یا نفاس ببیند، اگر چه نزدیک مغرب باشد روزه او باطل است .
مساءله 270 :
اگر زنی که در حال استحاضه است غسلهای خود را به تفصیلی که در احکام استحاضه گفته شد بجا آورد روزه او صحیح است ، و بی وجه نیست که صحت روزه او مشروط به انجام غسلی باشد که باید برای نماز صبح انجام دهد، ولی بنابر اظهر غسل نمازهای مغرب و عشای شب گذشته و شب آینده در صحیح بودن روزه او شرط نیست .
و بنابر احتیاط واجب مستحاضه متوسطه هم مثل کثیره انجام غسلی که بر او واجب است در صحیح بودن روزه اش شرط است ولی وضوی واجب بر مستحاضه قلیله ، شرط صحت روزه نیست .
مساءله 271 :
در تمام مواردی که غسل واجب است اگر نتوانست غسل کند وجوب تیمم خالی از وجه نیست و بنابر احتیاط واجب بعد از تیمم باید تا اذان صبح بیدار بماند.
فرو بردن سر در آب
مساءله 272 :
اگر روزه دار تمام سر را، عمداً در آب فرو برد اگر چه بقیه بدن از آب بیرون باشد بنابر اقوی روزه اش باطل می شود.
مساءله 273 :
اگر روزه دار با مانع و حائل غلیظی ، دور سر را پوشانده باشد و یا سر را به چیزی آغشته کرده باشد که مانع از رسیدن آب به آن بشود، فرو بردن تمام سر در آب ، بنابر اظهر، روزه را باطل نمی کند.
مساءله 274 :
فرو بردن سر در آب مضاف ، بنابر احوط، روزه را باطل می کند.
مساءله 275 :
اگر روزه دار بی اختیار در آب بیفتد و تمام سر او را آب بگیرد، یا فراموش کند که روزه است و سر را در آب فرو برد، روزه او باطل نمی شود.
مساءله 276 :
اگر انسان فراموش کند که روزه است و سر را در آب فرو برد، یا دیگری ، به زور سر او را در آب فرو برد، چنانچه در زیر آب ، یادش بیاید که روزه است ، یا آن شخص دست خود را بردارد، باید فوراً سر را بیرون آورد و چنانچه بیرون نیاورد، روزه اش باطل می شود.
قی کردن
مساءله 277 :
هر گاه روزه دار، عمداً قی کند، اگر چه به واسطِه مرض و مانند آن ناچار

باشد، روزه اش باطل می شود، ولی اگر سهواً و یا بی اختیار قی کند، اشکال ندارد، ولی نباید آن را عمداً فرو ببرد.

کفاره روزه

مساءله 278 :

کسی که روزه ماه مبارک رمضان ، بر او واجب است ، اگر به عمد یا شبه عمد، روزه خود را باطل کند، باید علاوه بر قضای آن ، کفّاره هم بدهد.

مساءله 279 :

کسی که کفّاره روزه رمضان بر او واجب است باید:

یا یک بنده آزاد کند

یا دو ماه روزه بگیرد

یا شصت فقیر را سیر کند و یا به هر کدام ، یک مُدّ (تقریبا ده سیر) طعام ، یعنی گندم یا جو و مانند اینها، بدهد.

دادن پول طعام کافی نیست ، ولی اگر فقیر را در خریدن و قبول آن وکیل کند و فقیر نیز انجام دهد، کافی است .

مساءله 280 :

کسی که می خواهد به عنوان کفّاره قضای عمدی ماه رمضان ، دو ماه روزه را بگیرد، باید سی و یک روز آن را پی در پی بگیرد و اگر بقیه آن پی در پی نباشد، اشکال ندارد.

مساءله 281 :

اگر روزه دار در ماه رمضان با زن خود که روزه دار است نزدیکی کند چنانچه زن را مجبور کرده باشد کفّاره روزه خودش و روزه زن را باید بدهد ولی اگر در اثناء، زن راضی شود، بنابر احتیاط واجب مرد دو کفّاره بدهد و زن یک کفاره و اگر زن به نزدیکی راضی بوده بر هر کدام یک کفّاره واجب می شود.

مساءله 282 :

اگر زنی شوهر روزه دار خود را مجبور کند که نزدیکی نماید یا کار دیگری که روزه را باطل می کند انجام دهد واجب نیست کفاره روزه شوهر را بدهد.

مساءله 283 :

کسی که به سبب مسافرت یا بیماری روزه نمی گیرد، نمی تواند زن روزه دار خود را مجبور به نزدیکی کند.

مساءله 284 :

اگر کفاره واجب شود و چند سال آنرا بجا نیاورد چیزی بر آن اضافه نمی شود.

کسانی که روزه بر آنها واجب نیست

مساءله 285 :

اگر کسی مریض باشد به طوری که بداند یا گمان کند روزه گرفتن برای او ضرر دارد، نباید روزه بگیرد، و اگر روزه بگیرد روزه اش صحیح نیست ، و در صورت خوف ضرر در صورتی که خوف او عقلایی باشد، می تواند روزه اش را افطار کند.

مساءله 286 :

کسی که به علت پیری نمی تواند روزه بگیرد یا برای او مشقت دارد، روزه بر او واجب نیست ، و چنانچه تا رمضان بعد بتواند روزه بگیرد، اقوی وجوب قضا است ، و در صورتی که نتواند تا رمضان بعد روزه را قضا کند، واجب است برای هر روزه یک مُد طعام - که تقریباً ده سیر است - از گندم یا جو و مانند اینها صدقه دهد و همچنین کسی که توانایی قضای روزه را داشته ولی به سبب ندانستن حکم ، قضای آن را تا رمضان بعد تاءخیر انداخته ، باید علاوه بر قضای روزه به مقداری که گفته شد کفاره دهد.

مساءله 287 :

بر پسر یا دختری که تازه بالغ شده اند و قدرت بر روزه گرفتن ندارند، روزه واجب نیست و کفاره هم ندارد، ولی قضاء دارد.

مساءله 288 :

زنی که زاییدن او نزدیک است و روزه برای حملش یا خودش ضرر دارد، واجب است افطار نماید و برای هر روز یک مُد طعام به فقیر بدهد و در هر صورت روزه هایی را که نگرفته ، بعداً قضا نماید.

مساءله 289 :

زنی که بچه شیر می دهد و شیر او کم است ، چه مادر بچه باشد یا دایه او، چه با اجرت شیر بدهد یا بی اجرت ، اگر روزه برای خودش یا بچه ای که شیر می دهد ضرر دارد، واجب است افطار کند و برای هر روز یک مُد طعام به فقیر بدهد، و در هر دو صورت روزه هایی را که نگرفته بعد از برطرف شدن عذر، باید قضا نماید، و اگر کسی پیدا شود که بی اجرت بچه را شیر دهد، یا برای شیر دادن بچه ، از پدر یا مادر بچه یا از شخص دیگری که اجرت او را بدهد اجرت بگیرد، واجب است که بچه را به او بدهد و روزه بگیرد.

روزه حرام - روزه مستحب

مساءله 290 :

روزه عید فطر و قربان حرام است

مساءله 291 :

بنابر احتیاط روزه مستحبی برای زن ، بدون اذن شوهر صحیح نیست ، چه منافات با حق شوهر داشته باشد و چه نداشته باشد، و اگر شوهر به خاطر منافات با حقش ، زن را از روزه ای که به نحوی بر خود واجب نموده منع کند، در صورتی که وقت روزه وسعت دارد زن نباید روزه بگیرد، ولی اگر

وقت روزه تنگ شود اذن شوهر شرط نیست .
مساءله 292 :
بنابر احتیاط مستحب در صحیح بودن روزه مستحبی فرزند، اذن پدر و مادر شرط است ، گرچه بنابر اقوی همین که موجب ناراحتی آنها نشود و یا نهی نکرده باشند روزه اش صحیح است .

1 - آیا زنان هم محتلم می شوند مثل مردان که غُسل بر ایشان واجب می شود و خودداری کردن از خواب دوم در روزه در حق ایشان نیز لازم است یا نه :
بسمه تعالی
بلکه ممکن است مثل مردان باشند اگر چه بعید است ، و بر فرض انزال در احتلام و وجوب غسل و بقیه موارد مثل مردانند البته با علم یا اطمینان به اینکه منی مرد نیست .
2 - کسانیکه عذر دارند مثل مریض ، مسافر و دیگران اگر روزه بگیرند جایز است از آنها یا نه .
بسمه تعالی
مجزی نیست و قضای آن روزه بر او واجب است ، مگر مسافری که جاهل به حکم باشد و عالم نباشد حتّ ی اجمالاً پس کفایت می کند روزه آن به خلاف ناسی . اگر در اثنای روزه جاهل یا ناسی آگاه شوند به مسئله واجب است روزه را افطار کنند. و در شرطیّت عدم خوف در صحّت (به این معنی که قضاء واجب باشد در صورت صوم ، به رجاء عدم ضرر و در واقع مضرّ نباشد،) تاءمّل است . بله می تواند با خوف ضرر عقلانی افطار نماید.
3 - هرگاه عذر حایض و نفساء در جزئی از روز حاصل شود باید افطار کنند یا نه :
بسمه تعالی
بله باید افطار کند هر چند کمی قبل از غروب باشد یا خون قطع شود لحظه ای بعد از طلوع فجر.
4 - اگر زن حامله ای که وضع حمل او نزدیک باشد، بترسد بر خود و یا بر طفلی که در شکم اوست از جهت تشنگی یا گرسنگی ، تکلیفش چیست .
بسمه تعالی
واجب است افطار نماید. و همچنین زنی که شیر می دهد طفل را و کم باشد شیر او و بترسد بر ضرر رسیدن به طفل یا بر نفس شیردهند یا شیردادن که ضرری بر یکی از شیرخوار یا شیردهنده وارد شود. به سبب روزه گرفتن و احوط قصر حکمِ به جواز افطار یا وجوب آن است . و صدقه بدهد زن از مال خود در عوض هر روزی ، به مدّی از طعام و قضا نماید بعد از زوال عذر.
5 - آیا تعلق صدقه در زن شیردهنده ، میان مادر، مستاءجره و متبرعه فرق می کند یا نه :
بسمه تعالی

فرقی نیست و همچنین فرق نیست در طفل میان ولد نسبی و رضاعی و حلال زاده و حرام زاده .
6 - زن حامله ای که وضع حملش نزدیک است و زن شیردهی که بچه شیر می دهد باید روزه را افطار کنند اگر روزه بگیرند حکمش چیست .
بسمه تعالی
روزه اینها باطل است و قضاء از اینها ساقط نمی شود بطلان و قضاء در صورت صوم به رجاء عدم ضرر با انکشاف عدم آن در واقع ، لکن محل تاءمّل ، صورت عدم حرمت اِضرار بر نفس یا ولد است بدون علم و ظنّ و همچنین است حال در خوف مرض .
7 - آیا بر حایض و نفساء قضاء روزه ماه مبارک رمضان واجب است یا نه :
بسمه تعالی
بله واجب است ، و همچین بر کسی که خواب رفته باشد تمام روز را و نیّت نکرده باشد، یا اینکه روزه را فراموش کرده باشد و نیز کسی که غسل جنابت را فراموش کرده باشد و بگذرد بر او چند روز یا تمام ماه قضاء بر او واجب است .
8 - اگر مردی زن خود را در روز ماه رمضان اجبار کرد بر جماع و هر دو روزه باشند حکمش چیست .
بسمه تعالی
واجب است بر مرد دو کفاره بدهد و اما اگر زن اطاعت مرد را نموده باشد واجب است بر هر کدام یک کفّاره و اگر زن در اثناء راضی بشود بنابراحتیاط واجب مرد دو کفّاره و زن یک کفّاره بدهد.
9 - اگر کسی در روز ماه رمضان افطار کند و آن را حلال بداند، مرتد است یا نه :
بسمه تعالی
بله مرتد است .

تعریف حجّ:
زیارت کردن خانه خدا و انجام اعمالی مخصوص در زمانی خاص را حجّ گویند.
حجّ از ارکان دین است و یک بار در تمام عمر بر انسان واجب می شود.
شرائط وجود حجّ
1 : بالغ باشد.
2 : عاقل و آزاد باشد.
3 : به واسطه رفتن به حجّ مجبور نشود که کار حرامی را که اهمیّتش در شرع از حجّ بیشتر است انجام دهد یا عمل واجبی را که از حجّ مهمتر است ترک نماید.
4 :مستطیع باشد.
شرائط مستطیع بودن
1 : توشه راه و چیزهایی را که بر حسب حالش در سفر به آن محتاج است دارا باشد و نیز مرکب سواری یا مالی که بتواند آن را تهیه کند، داشته باشد.
2 : داشتن توانایی جسمی ، جهت انجام اعمال حجّ.
3 : در راه مانعی از رفتن نباشد، و اگر راه بسته باشد یا انسان بترسد که در راه جان یا آبروی او از بین برود یا مال او را ببرند، حجّ بر او واجب نیست ، ولی اگر از راه دیگری بتواند برود اگرچه دورتر باشد، در صورتی که مشقت زیاد نداشته باشد و خیلی غیرمتعارف نباشد، باید از آن راه برود.
4 : داشتن وقت کافی برای رسیدن به مکه و انجام اعمال حجّ.
5 : داشتن مخارج عائله تا برگشت هر چند واجب النفقه او نباشند ولی مردم تاءمین مخارج آنها را لازم بدانند.
6 : داشتن مال یا کسب و کاری که بعد از بازگشت بتواند با آن زندگی کند و به زحمت نیفتد.
نکته :
چون در این رساله بحث از احکام بانوان است لذا ما در حجّ فقط به شرائط وجوب حج و مستطیع بودن را ذکر کردیم که عمومیّت دارد و به همین اندازه بسنده کردیم و به استفتائات در این مورد را متذکر می شویم :

استطاعت
1 - در صورتی که ملاک بلوغ در دختران تمام شدن نُه سال هجری قمری است آیا با وجود سایر شرایط، حجّ بر آنان واجب می گردد، در حالی که رفتن آنها به مکه بدون سرپرست ممکن نیست ؟
بسمه تعالی
در صورتی که در سفر احتیاج به مُحَرّم مثل پدر یا برادر داشته باشند، مخارج آنها جزء شرایط استطاعت حجّ است .
2 - اگر زن مهریه را از شوهر بگیرد می تواند با آن به مکه مشرف شود آیا حق مطالبه دارد؟
بسمه تعالی
در صورتی که مطالبه مهر از شوهر ناراحتی و یا مشکلاتی در زندگی ایجاد نکند، وی مستطیع است و مطالبه مهر منعی ندارد بلکه لازم است ، ولی اگر موجب ناراحتی برای وی شود و یا مراجعه به حاکم باعث کسرشاءن او گردد، مطالبه لازم نیست .
3 - مردی هنگام عقد ازدواج ، یک سفر حجّ به زنش وعده داده ، آیا حجّ بر ذمّه این زن استقرار پیدا کرده یا نه ؟
بسمه تعالی
تنها وعده سفر موجب استطاعت نمی شود، ولی بر مرد لازم است که به وعده خود وفا کند.
4 - زمانی که ازدواج کردم با مهریه ام می توانستم به حجّ مشرف شوم ، ولی چون شوهرم آن را نپرداخت از این فیض محروم گردیدم و الان که هزینه حجّ سنگین شده و مهریه هم کفایت نمی کند، آیا حجّ بر ذمّه من مستقر شده یا نه ؟
بسمه تعالی
در فرض مزبور حجّ بر ذمّه شما مستقر نشده است .
5 - زن و شوهری هر دو با هم مشغول کسب می شوند با در آمد مساوی و حال برای انجام حجّ یک حجّ استطاعت دارند بر کدام یک حجّ واجب است ؟
بسمه تعالی
چون درآمد هر یک وافی به حج نیست بر هیچ کدام حج واجب نمی گردد.
6 - اگر خانمی قبل از ازدواج نذر کرده باشد که حجّی بجا آورد و بعد از آن ازدواج نمود، آیا جهت انجام فریضه حج اجازه شوهر لازم است ؟
بسمه تعالی

اجازه شوهر لازم نیست .
7 - زنی که مهریه زیادی از شوهر طلبکار بوده و فوت کرده ، آیا استیجار حجّ برای او واجب است ؟
بسمه تعالی
در صورتی که مهریه به اندازه مخارج حجّ کفایت بکند و وصول آن هم در زمان حیات مشکلی نداشته ، حجّ بر او مستقر شد البته با شرائطش .

عقد نکاح یا ازدواج عقدی است که به وسیله آن زن به مرد حلال می شود.
اقسام عقد
1 - عقد دائم
2 - عقد غیر دائم
عقد دائم
و آن عبارت است از ازدواجی که مدت در آن معین نشود و زنی را که به این صورت عقد می کنند ((دائمه)) گویند
عقد غیر دائم
و آن عبارت است از ازدواجی که مدت در آن معین شود و زنی را که به این صورت عقد کنند ((متعه)) یا ((صیغه)) می نامند. مثل آنکه به مدت یک ساعت یا یک روز یا یک ماه یا بیشتر عقد نمایند.
احکام عقد
مساءله 293 :
در زناشویی دائم یا غیر دائم ، باید صیغه عقد خوانده شود و تنها راضی بودن زن و مرد کافی نیست و صیغه را یا خود زن و مرد می خوانند یا دیگری را وکیل می کنند که از طرف آنان بخواند.
مساءله 294 :
وکیل لازم نیست مرد باشد، زن هم می تواند برای خواندن صیغه از طرف دیگر وکیل شود.
شرایط عقد
مساءله 295 :
بنابر اظهر، ترجمه صیغه عقد به فارسی یا زبان دیگر با وجود قدرت بر عربی کافی است . و احتیاط مستحب عربی بودن صیغه است و برای کسی که آشنا به معنای عربی صیغه نیست و فقط می داند که صیغه عقد، به این لفظ جاری می شود احتیاط مستحب این است که هم صیغه عربی و هم ترجمه اش را بخواند و اکتفا کردن او به عربی خالی از تاءمل نیست .
و اگر نمی توانند صیغه عربی را بخوانند و یا وکیل بگیرند ،قطعاً ترجمه کافی است .
مساءله 296 :
کسی که صیغه عقد را می خواند، چه برای خود و چه به عنوان وکیل ، بنابر احتیاط واجب ، باید بالغ و عاقل باشد و در هنگام خواندن صیغه قصد ایجاد عقد نکاح داشته باشد، و اگر در حال مستی صیغه را بخوانند، عقد صحیح نیست .

مساٴله 297 :
ولیّ یا وکیل زن یا مرد که صیغه عقد را می خوانند، باید زن و شوهر را به قصد و لفظ معین کنند و در صورتی که زن و شوهر به لفظ یا قصد معین نشود، چه از روی غفلت باشد یا با قصد خلاف ، عقد باطل است .
مساٴله 298 :
حضور دو شاهد عادل ، در عقد دائم و غیردائم لازم نیست ، ولی احتیاط مستحب آن است که حضور داشته باشند.
مساٴله 299 :
زن و مرد باید به عقد راضی باشند، ولی اگر زنی را برای مردی بدون اجازه آنان عقد کنند و بعداً زن و مرد بگویند به آن عقد راضی هستیم ، عقد صحیح است .
مساٴله 300 :
اگر زن و مرد یا یکی از آن دو را به ازدواج مجبور نمایند و بعد از خواندن عقد راضی شوند و بگویند به آن عقد راضی هستیم ، عقد صحیح است .
مساٴله 301 :
اگر پدر و جد پدری غایب باشند، به طوری که نشود از آنان اذن گرفت و ازدواج برای دختر لازم باشد، یا در ازدواج نکردن ضرر یا حرج (یعنی مشقت شدیدی) باشد، و همچنین اگر پدر یا جد پدری از ازدواج او با کسی که هم کفو اوست ، با وجود تمام مقدمات و شرائط، ممانعت کنند، و او نیز تمایل به ازدواج دارد و ازدواج هم به مصلحت او باشد، با اجتماع تمام شرائط می تواند ازدواج نماید.
موارد فسخ عقد
مساٴله 302 :
اگر مرد بعد از عقد بفهمد که زن یکی از این هفت عیب را دارد می تواند عقد را به هم بزند:
1 : دیوانگی .
2 : بیماری خوره .
3 : بیماری برص .
4 : کوری .
5 : شل بودن ، به طوری که معلوم باشد.
6 : گوشت یا استخوان یا غده ای در فرج او باشد، که مانع نزدیکی شود.
7 : افضاء شده باشد.
افضاء یعنی چه :
یعنی مجرای بول یا مجرای حیض و غائط او یکی شده باشد، ولی اگر مجرای حیض و غائط او یکی شده باشد، به هم زدن عقد مشکل است و باید احتیاط شود.

مساءله 303 :
اگر زن بعد از عقد بفهمد که شوهر او دیوانه است ، یا آلت مردی ندارد، یا عنّین است و نمی تواند نزدیکی نماید، یا بیضه های او را کشیده اند، می تواند عقد را به هم بزند.
مساءله 304 :
اگر مرد یا زن ، به سبب یکی از عیوب که در دو مساءله قبل گفته شد عقد را بهم بزند، از هم جدا می شوند و طلاق لازم نیست .
مساءله 305 :
اگر به علّت آن که مرد عنّین است و نمی تواند نزدیکی کند، زن عقد را به هم بزند، شوهر باید نصف مهر را بدهد، ولی اگر به علت یکی از عیوب دیگر که گفته شد، مرد یا زن عقد را به هم بزند، چنانچه مرد با زن نزدیکی نکرده باشد چیزی بر او نیست و اگر نزدیکی کرده ، باید تمام مهر را بدهد.
مساءله 306 :
دختری که به حدّ بلوغ رسیده و رشیده است یعنی مصلحت خود را تشخیص می دهد اگر بخواهد شوهر کند چنانچه باکره باشد بنابر احتیاط تکلیفاً باید از پدر یا جدّ پدری خود اجازه بگیرد ولی در غیر باکره در صورتیکه بکارتش به سبب شوهر کردن از بین رفته باشد اجازه پدر، جدّ پدری لازم نیست .
احکام عقد دائم
مساءله 307 :
زنی که عقد دائم شده نباید بدون اجازه شوهر از خانه بیرون رود و باید خود را برای هر لذتی که او می خواهد تسلیم نماید و بدون عذر شرعی از نزدیکی کردن او جلو گیری نکند، و اگر در این امور از شوهر اطاعت کند، تهیه غذا، لباس ، منزل و لوازم دیگری که در کتب ذکر شده بر شوهر واجب است و اگر تهیه نکند، چه توانایی داشته باشد یا نداشته باشد، مدیون زن است .
مساءله 308 :
اگر زن در کارهایی که در مساءله پیش گفته شد اطاعت شوهر نکند، گناهکار است و حق غذا، لباس ، منزل ، و همخوابی ندارد، ولی مهر او از بین نمی رود.
مساءله 309 :
اگر هنگام خواندن عقد دائم برای دادن مهر، مدتی معین نکرده باشد زن می تواند قبل از گرفتن مهر از نزدیکی کردن شوهر جلوگیری کند، چه شوهر توانایی دادن مهر را داشته باشد، چه نداشته باشد. ولی اگر قبل از گرفتن مهر به نزدیکی راضی شود و شوهر با او نزدیکی کند دیگر نمی تواند بدون عذر شرعی از نزدیکی شوهر جلوگیری نماید.

مساءله 310 :
در صورت فوت زن یا مرد قبل از دخول بنابر اقوی مهر نصف می شود.
ازدواجهای حرام
مساءله 311 :
ازدواج با زنهایی که به انسان ((مَحْرَم)) هستند مثل مادر و خواهر و مادر زن حرام است .
مساءله 312 :
اگر کسی زنی را برای خود عقد نماید اگر چه با او نزدیکی نکند، مادر و مادرِ مادر آن زن و مادر پدر او، و هر چه بالا روند به آن مرد مَحْرَم می شوند.
مساءله 313 :
اگر زنی را عقد کند و با او نزدیکی نماید، دختر و نوه دختری و پسری آن زن هر چه پایین آیند چه در وقت عقد باشند یا بعداً به دنیا بیایند، به آن مرد مَحرَم می شود.
مساءله 314 :
اگر با زنی که برای خود عقد کرده نزدیکی هم نکرده باشد تا وقتی که آن زن در عقد اوست نمی تواند با دختر او ازدواج کند.
مساءله 315 :
عمّه و خاله پدر، عمّه و خاله پدرِ پدر، عمّه و خاله مادر، عمّه و خاله مادرِ مادر هر چه بالا روند به انسان محرَم هستند.
مساءله 316 :
پدر و جدّ مرد، هرچه بالا روند، پسر و نوه پسری و دختری او هر چه پایین آیند چه در موقع عقد باشند یا بعداً به دنیا بیایند به زن او مَحْرَم هستند.
مساءله 317 :
اگر زنی را برای خود عقد کند دائم باشد یا غیر دائم تا وقتی که آن زن در عقد اوست نمی تواند با خواهر آن زن ازدواج نماید.
مساءله 318 :
اگر انسان قبل از آن که دختر عمه یا دخترخاله خود را بگیرد. نعوذبالله با مادر آنان زنا کند، بنابراحوط، دیگر نمی تواند با آنان ازدواج کند.
مساءله 319 :
اگر با دخترعمه یا دخترخاله خود ازدواج نماید و پیش از آن که با آنان نزدیکی کند، با مادرشان زنا نماید، عقد آنان اشکال ندارد.
مساءله 320 :
اگر با زنی غیر از عمه و خاله خود زنا کند، بنابراظهر، می تواند با دختر او ازدواج نماید، ولی احتیاط در عدم ازدواج است ولی اگر زنی را عقد نماید و با او نزدیکی کند بعد با مادر او زنا کند، آن زن بر او حرام نمی شود، و

همچنین است اگر پیش از آن که با او نزدیکی کند با مادر او زنا نماید.
مساءله 321 :
زن مسلمان نمی تواند با مرد غیر مسلمان ازدواج نماید و مرد مسلمان هم نمی تواند با زنان کافری که اهل کتاب نیستند ازدواج کند، ولی با زنانی که یهودی و یا نصرانی باشند، موقّتاً به صورت صیغه می تواند ازدواج نماید.
مساءله 322 :
اگر با زنی که در عدّه طلاق رجعی است زنا کند، آن زن بر او حرام می شود، و اگر با زنی که در عدّه طلاق بائن ، یا عدّه وفات است زنا کند، بعداً می تواند او را عقد نماید.
مساءله 323 :
اگر با زن بی شوهری که در عدّه نیست ، زنا کند، بنابراظهر مکروه است که بعداً آن زن را برای خود عقد نماید، بلکه احتیاط مستحب آن است که با او ازدواج ننماید، مگر این که زن از کار خود توبه نموده باشد.
مساءله 324 :
اگر زنی را که در عدّه دیگری است برای خود عقد کند، چنانچه مرد و زن ، یا یکی از آنان بدانند که عدّه زن تمام نشده و بدانند عقد کردن زن در عدّه حرام است ، آن زن بر او حرام می شود، اگر چه مرد بعد از عقد با آن زن نزدیکی نکرده باشد.
مساءله 325 :
اگر انسان بداند زنی شوهر دارد و با او ازدواج کند، باید از او جدا شود و بعداً هم نمی تواند او را برای خود عقد کند، مگر این که نداند زن شوهر دارد و با او هم نزدیکی نکرده باشد، که در این صورت فقط عقد باطل است ، ولی بعد از طلاق او و تمام شدن ایّام عدّه ، ازدواج با آن زن ، بنابراظهر مانعی ندارد.
مساءله 326 :
اگر مرد طواف نساء را که یکی از اعمال حج است بجا نیاورد، زنش که به واسطه مُحْرِم شدن بر او حرام شده بود حلال نمی شود.
ونیز اگر زن طواف نساء نکند، شوهرش بر او حلال نمی شود، ولی اگر طواف نساء را انجام دهند، به یکدیگر حلال می شوند.
مساءله 327 :
مادر، خواهر، و دختری کسی که لواط داده ، بر لواط کننده حرام است ، اگر چه لواط کننده و لواط دهنده بالغ نباشند، ولی اگر گمان کند که دخول شده ، یا شک کند که دخول شده یا نه ، بر او حرام نمی شود.
احکام نگاه کردن
مساءله 328 :

نگاه کردن مرد به بدن زنان نا مَحْرَم و همچنین نگاه کردن به موی آنان چه با قصد لذت و چه بدون آن حرام است ، و نگاه کردن به صورت و دستهای آنها اگر به قصد لذت باشد حرام است .
و امّا بدون قصد لذّت ، نگاه به آنها بنابر اظهر جایز است
مساءله 329 :
بنابر احتیاط واجب نگاه کردن مرد به بدن و موی دختری که نُه سالش تمام نشده ولی خوب و بد را می فهمید جایز نیست . اگر چه بدون قصد لذت هم باشد.
مساءله 330 :
نگاه کردن زن به بدن مرد نامَحْرَم ، بنابر احتیاط واجب حرام است و همچنین نگاه کردن زن به بدن پسری که بالغ نشده ، ولی خوب و بد را می فهمد جایز نیست و اما جواز نگاه کردن زن به قسمتی از بدن مرد نامحرم که غالباً باز است ، مثل سر، خالی از وجه نیست مگر اینکه این نگاه کردن کمک به معصیت باشد.
مساءله 331 :
دست زدن مرد به بدن زن نامحرم یا دست زدن زن به بدن مرد نامحرم مثل نگاه کردن حرام است ، و دست زدن مرد به صورت و دستهای زن نامحرم و بالعکس نیز بنابر اظهر، جایز نیست .
مساءله 332 :
نگاه کردن به زنان اهل ذمّه بلکه به زنان کافری که از هنگام تولد محکوم به کفر هستند به جاهایی از بدن آنها که عادتاً پوشانیده نمی شود، بدون قصد لذّت و در صورتی که خوف واقع شدن در حرام نباشد، جایز است . و بنابراظهر نگاه کردن به زنان بادیه نشین و غیر آنها که عادت به پوشانیدن ندارند، بدون قصد لذّت ، جایز است مگر در صورت خوف وقوع در حرام ، پس معاشرت با آنها در داد و ستد و سایر نیازها، جایز است .
مساءله 333 :
شنیدن صدای زن نا محرم بدون قصد لذت جایز است .
مساءله 334 :
زن باید بدن و موی خود را از مرد نامَحْرَم بپوشاند اگرچه کمک به حرام و قصد لذتی در بین نباشد، بلکه احتیاط واجب آن است که از پسر غیربالغ که خوب و بد را می فهمد نیز خود را بپوشاند. و همچنین احتیاط واجب آن است که مرد هم بدن خود را از زن نامَحْرَم بپوشاند اگرچه کمک بر حرام نباشد، و اگر کمک بر حرام باشد پوشاندن بدن قطعاً واجب است ، همان طور که پوشاندن عورت از زن نامَحْرَم واجب است . و نیز احتیاط واجب آن است که مرد بدن خود را از دختر نامحرمی که نُه سالش تمام نشده ولی خوب و بد را می فهمد بپوشاند، اگرچه قصد لذّتی در بین نباشد.

مساءله 335 :
نگاه کردن به عورت دیگر حتی به عورت بچه ممیزی که خوب و بد را می فهمد حرام است ولی زن و شوهر می توانند به تمام بدن یکدیگر چه ظاهر و چه باطن را نگاه کنند.
مساءله 336 :
نگاه کردن مرد به بدن مرد دیگر با قصد لذت و همچنین نگاه کردن زن به بدن زن دیگر با قصد لذت حرام است ، ولی بدون قصد لذت جایز است .
مساءله 337 :
اگر مرد برای معالجه زن نا محرم و یا زن برای معالجه مرد نامحرم ناچار شود که او را نگاه کند و دست به بدن او بزند اشکال ندارد. ولی اگر با نگاه کردن بتواند معالجه کند نباید دست به بدن او بزند و اگر با دست زدن بتواند معالجه کند نباید نگاه کند.
مساءله 338 :
اگر انسان برای معالجه کسی ناچار شود که به عورت او نگاه کند اشکال ندارد.
مساءله 339 :
نگاه کردن و دست زدن به بدن پیر زن و بچه غیر ممیز که خوب و بد را نمی فهمد، بدون قصد لذت جایز است .
مساءله 340 :
نگاه کردن مرد به صورت زنی که می خواهد با او ازدواج کند جایز است به شرط آنکه بداند که مانع شرعی از ازدواج با او نیست و احتمال هم بدهد که زن ازدواج را قبول می کند، و احتمال بدهد که با این نگاه کردن اطلاع تازه ای پیدا می کند و با این شرائط، نگاه کردن فقط برای مرد جایز است ، اگر چه چند مرتبه باشد، بلکه ، چنین نگاه کردنی برای جلوگیری از نزاع بعد از عقد مستحب نیز هست و اجازه زن هم در آن لازم نیست .
و بنابر اظهر نگاه کردن به مو و محاسن دیگر آن زن هم با همین شرایط جایز است ، و وجهی دارد که زن هم بتواند به مردی که می خواهد با او ازدواج کند با شرایطی که گفته شد نگاه کند.

1 - نگاه کردن هر مکلّفی به عورت دیگری جایز است یا نه .
بسمه تعالی
حرام است اگر چه او مکلّف به پوشانیدن عورت خود نباشد، مثل دیوانه بلکه جایز نیست نگاه کردن به عورت طفل مميِّز و فقط زن و شوهر استثناء هستند.
2 - آیا نگاه کردن بر عورت طفل غیر مميِّز جایز است یا نه .
بسمه تعالی
بله جایز است . مسائل متفرقه ازدواج
مساءله 341 :
اگر مرد در عقد شرط کند که زن باکره باشد و بعد از عقد معلوم شود که باکره نبوده ، بنابراظهر، می تواند عقد را بهم بزنند، ولی اگر به گمان باکره بودن با زنی ازدواج کرد و بعداً معلوم شود که باکره نیست ، اختیار فسخ ندارد مگر در صورتی که تَدلیسی در کار باشد.
مساءله 342 :
مردی که از پدر و مادر غیرمسلمان به دنیا آمده و مسلمان شده ، اگر پیش از نزدیکی با همسرش مرتد شود، عقد او باطل می گردد، و اگر بعد از نزدیکی مرتد شود، چنانچه زن او در سن زنهایی باشد که حیض می بینند، باید آن زن به مقداری که در احکام طلاق گفته می شود، عدّه نگاه دارد، پس اگر پیش از تمام شدن عدّه ، شوهر او مسلمان شود عقد باقی ، وگرنه باطل است .
مساءله 343 :
اگر زن در عقد با مرد شرط کند که او را از شهر بیرون نبرد و مرد هم قبول کند، نباید زن را از آن شهر بیرون ببرد.
مساءله 344 :
اگر زن از شوهر قبلی دختری داشته باشد شوهر فعلی می تواند آن دختر را برای پسر خود که از آن زن نیست عقد کند، و نیز اگر دختری را برای پسر خود عقد کند، می تواند با مادر آن دختر ازدواج نماید.
مساءله 345 :
اگر زنی از زنا آبستن شود، جایز نیست بچه اش را سقط کند.
مساءله 346 :
کسی که از زنا به دنیا آمده ، اگر زن بگیرد و اولاددار شود آن اولاد حلال زاده است .
مساءله 347 :

هرگاه مرد در روزه ماه رمضان یا در حال حیض با زن نزدیکی کند معصیت کرده ، ولی اگر بچه ای از آنان به دنیا بیاید حلال زاده است .
احکام شیر دادن
مساءله 348 :
اگر زن بچه ای را با شرایطی که بعداً گفته خواهد شد شیر دهد آن بچه بواسطه شیر خوردن به افراد ذیل مَحْرَم می شود:
1 - خود زن ، ((و او رامادر رضاعی می گویند))
2 - شوهر زن که شیر مال او است ، ((و او را پدر رضاعی می گویند))
3 - پدر و مادر آن زن هر چه بالا روند
4 - بچه هایی که از آن زن به دنیا آمده اند، یا بعداً به دنیا می آیند
5 - بچه های اولاد آن زن هر چه پایین آیند
6 - خواهر و برادر آن زن ، اگر چه رضاعی باشند
7 - عمو و عمّه آن زن ، اگر چه رضاعی باشند
8 - دایی و خاله آن زن ، اگر چه رضاعی باشند
9 - اولاد شوهر آن زن ، که شیر مال آن شوهر است ، هر چه پایین روند
10 - پدر و مادر شوهر آن زن ، که شیر مال آن شوهر است ، هر چه بالاروند
11 - خواهر و برادر شوهر که شیر مال اوست ، اگرچه خواهر و برادر رضاعی او باشند
12 - عمو، عمّه ، دایی و خاله شوهر که شیر مال او است ، هرچه بالا روند، اگر چه رضاعی باشند
مساءله 349 :
اگر زن بچه ای را با شرایطی که گفته می شود شیر دهد، شوهر آن زن که صاحب شیر است به خواهرهای آن بچه ، مَحْرَم نمی شود.
مساءله 350 :
اگر زن بچه ای را شیر دهد، به برادرهای آن بچه مَحْرَمْ نمی شود، همچنین خویشان آن زن به برادر و خواهر بچه ای که شیر خورده مَحْرَمْ نمی شود.
شرایط شیر دادن
مساءله 351 :
شیر دادنی که موجب محرم شدن است ، هشت شرط دارد:
1 - بچه ، شیر زن زنده را بخورد
2 - شیر آن زن از حرام نباشد
3 - بچه ، شیر را از پستان بمکد
4 - دو سال بچه تمام نشده باشد
5 - شیر از یک شوهر باشد
6 - بچه به واسطه بیماری شیر را قی نکند، ولی اگر قی کند باز هم بنابر

احتیاط واجب کسانی که بواسطه شیر خوردن به آن بچه محرم می شوند باید با او ازدواج نکنند، و نگاه محرمانه هم به او ننمایند
7 - پانزده مرتبه ، یا یک شبانه روز شیر کامل بخورد بلکه اگر ده مرتبه هم به او شیر دهند بنابر اظهر کافی است
8 - شیر خالص باشد و با چیزی دیگر مخلوط نباشد
مساءله 352 :
اگر زن از شیر شوهر خود بچه ای را شیر دهد، بعد شوهر دیگری اختیار کند و از شیر آن شوهر هم بچه دیگری را شیر دهد، آن دو بچه به یکدیگر محرم نمی شوند.
مساءله 353 :
اگر زن از شیر یک شوهر چندین بچه را شیر دهد، همه آنان به یکدیگر و به شوهر و به زنی که آنان را شیر داده محرم می شوند.
مساءله 354 :
اگر کسی چند زن داشته باشد و هر کدام آنان با شرایطی که گفته شد بچه ای را شیر دهند، همه آن بچه ها به یکدیگر و به آن مرد و به همه آن زنها محرم می شوند.
مساءله 355 :
اگر کسی دو زن شیرده داشته و یکی از آنان بچه ای را مثلاً هشت مرتبه و دیگری هفت مرتبه شیر بدهد، آن بچه به کسی محرم نمی شود.
مساءله 356 :
اگر زنی از شیر یک شوهر، پسر و دختری را شیر کامل بدهد، خواهر و برادر آن دختر به خواهر و برادر آن پسر محرم نمی شوند.
مساءله 357 :
زنی که برادر انسان را شیر داده ، به او مَحْرَم نمی شود.
مساءله 358 :
انسان نمی تواند با دو خواهر، اگر چه رضاعی باشند، یعنی به واسطه شیرخوردن ، خواهر یکدیگر شده باشند ازدواج کند، و چنانچه دو زن را عقد کند و بعد بفهمد خواهر بوده اند، در صورتی که عقد آنان در یک وقت بوده ، هر دو باطل است ، و اگر در یک وقت نبوده ، عقد اولی صحیح و عقد دومی ، باطل می باشد.
مساءله 359 :
اگر کسی دخترعمه یا دختر خاله انسان را شیر دهد، به انسان محرم نمی شود.
مسائل متفرقه شیر دادن
مساءله 360 :
اگر مرد پیش از آن که زنی را برای خود عقد کند، بگوید به واسطه

شیرخوردن ، آن زن بر او حرام شده ، مثلاً بگوید: شیر مادر او را خورده ام نمی تواند با آن زن ازدواج کند، و اگر بعد از عقد بگوید، و خود زن هم حرف او را قبول نماید، عقد باطل است ، پس اگر مرد با او نزدیکی نکرده باشد، یا نزدیکی کرده باشند، ولی در وقت نزدیکی کردن ، زن بداند که بر آن مرد حرام است مهر ندارد، و اگر بعد از نزدیکی بفهمد که بر آن مرد حرام بوده ، شوهر باید مهر او را مطابق زنهایی که مثل او هستند بدهد.

مساءله 361 :

اگر زن پیش از عقد بگوید به واسطه شیرخوردن بر مردی حرام شده ، نمی تواند با آن مرد ازدواج کند و اگر بعد از عقد بگوید، مثل صورتی است که مرد بعد از عقد بگوید که زن بر او حرام است و حکم آن در مسئله قبل گفته شد.

مساءله 362 :

اگر شک کنند بچه به مقداری که علت محرم شدن است و با سایر شرائط شیرخورده یا نه ، بچه به کسی محرم نمی شود و همچنین است اگر گمان داشته باشند ولی گمان به حدّ اطمینان نرسد.

احکام اولاد و حضانت

مساءله 363 :

فرزندی که از زن متولد می شود ملحق به شوهر می شود، به شرط آن که بین نزدیکی و زایمان ، حداقل شش ماه هلالی که کمترین مدّت حمل است ، فاصله شده باشد، و نیز بیشتر از نُه ماه فاصله نشود، اگر چه رعایت احتیاط متناسب با یک سال است .

مساءله 364 :

اگر زن شوهردار زنا کند، در صورتی که امکان داشته باشد بچه متولد از او و از شوهرش باشد ملحق به شوهر می شود و متولد از زنا حساب نمی شود.

مساءله 365 :

اگر زنی که آزاد، مسلمان و عاقل است دختری داشته باشد، تا هفت سال دختر تمام نشده ، پدر نمی تواند او را از مادرش جدا کند.

مساءله 366 :

در ایّام سرپرستی هر کدام از پدر و مادر، اگر دیگری خواست بچه اش را ببیند یا این که به او چیزی برساند، یا مشکل و ضرری از او برطرف کند، و یا این که مدّتی در کنار هم باشند، دیگری نباید مانع شود.

مساءله 367 :

حق سرپرستی طفل پسر باشد یا دختر، بنابراظهر تا دو سال برای مادر است ، اما بعد از دو سال تا هفت سال پدر هم حق سرپرستی دارد، و در

این پنج سال احوط آن است که حق سرپرستی پسر با پدر و دختر با مادر است ، ولی بعد از هفت سال حق سرپرستی ، فقط از آن پدر است .

تعریف طلاق
طلاق یعنی رهایی و یا گسستن پیمان زناشویی
مرد با شرایط ذیل می تواند زن خود را طلاق دهد:
1 - بالغ باشد
2 - عاقل باشد
3 - مجبور نباشد
4 - قصد طلاق داشته باشد
مساءله 368 :
زن باید در وقت طلاق از خون حیض و نفاس پاک باشد، و شوهرش در آن پاکی یا در حال نفاس و حیضی که قبل از این پاکی بود با او نزدیکی نکرده باشد
عدّه طلاق
مساءله 369 :
زنی که نُه سالش تمام نشده یا زن یائسه اگر چه شوهر با او نزدیکی کرده باشد عدّه ندارد، بعد از طلاق می تواند فورا شوهر کند.
مساءله 370 :
زنی که نُه سالش تمام شده و یائسه نیست اگر شوهر با او نزدیکی کند و طلاقش دهد بعد از طلاق باید عدّه نگاه دارد یعنی بعد از آنکه در پاکی طلاقش داد به قدری صبر کند که دوبار حیض ببیند و پاک شود و همین که حیض سوم را دید عدّه او تمام می شود و می تواند شوهر کند. ولی اگر پیش از نزدیکی کردن با او طلاقش بدهد، عدّه ندارد.
مساءله 371 :
زنی که حیض نمی بیند، اگر در سن زنهایی باشد که حیض می بینند چنانچه شوهرش بعد از نزدیکی کردن او را طلاق دهد، باید از طلاق تا سه ماه عدّه نگاه دارد.
مساءله 372 :
اگر زن آبستن را طلاق دهند، عدّه اش تا دنیا آمدن یا سقط شدن بچه اوست ، بنابراین اگر مثلاً یک ساعت بعد از طلاق ، بچه او به دنیا آید، عدّه اش تمام می شود.
عدّه وفات
مساءله 373 :
زنی که شوهرش مرده باید ((تا چهار ماه و ده روز)) عده نگاه دارد، یعنی ، از شوهر کردن خودداری نماید اگر چه یائسه یا صیغه یا نُه سالش تمام

نشده باشد، یا شوهرش با او نزدیکی نکرده باشد و اگر آبستن باشد باید تا موقع زاییدن عدّه نگاه دارد ولی اگر قبل از چهار ماه و ده روز بچه اش به دنیا آید باید تا چهار ماه و ده روز از مرگ شوهرش صبر کند و این را ((عدّه وفات)) می گویند.

مساءله 374 :

ابتدای عدّه وفات از موقعی است که زن از مرگ شوهر مطلع شود.

مساءله 375 :

زنی که در عدّه وفات می باشد، حرام است لباسهای رنگارنگ بپوشد و سرمه بکشد، و همچنین کارهای دیگری که زینت حساب شود بر او حرام می باشد.

مساءله 376 :

اگر زنی را که حامله نیست طلاق رجعی داد و قبل از اتمام عدّه طلاق ، شوهر وفات کرد، زن باید از زمان مرگ شوهر، عدّه وفات نگه دارد.

طلاق بائن

معنای طلاق بائن

مساءله 377 :

طلاق بائن آن است که بعد از طلاق مرد حق ندارد به زن خود رجوع کند یعنی بدون عقد او را به همسری قبول نماید، و آن بر پنج قسم است :

1 - طلاق زنی که نُه سالش تمام نشده باشد

2 - طلاق زنی که یائسه باشد

3 - طلاق زنی که شوهرش بعد از عقد با او نزدیکی نکرده باشد

4 - طلاق زنی که او را سه دفعه طلاق داده اند

5 - طلاق خُلْع و مُبا رات

طلاق رجعی

مساءله 378 :

طلاق رجعی آن طلاقی است که بعد از طلاق تا وقتی که زن در عدّه است مرد می تواند به او رجوع نماید و عقد مجدد لازم نیست

احکام رجوع کردن

مساءله 379 :

در طلاق رجعی مرد دو صورت می تواند به زن خود رجوع کند:

1 - حرفی بزند که معنایش این باشد که او را دوباره زن خود قرار داده است

2 - کاری کند که زن از آن بفهمد رجوع کرده است

طلاق خُلْع

مساءله 380 :

طلاق زنی را که به شوهرش مایل نیست و مهر یا مال دیگر خود را به

شوهر می بخشد تا طلاقش دهد. ((خُلْع)) گویند
طلاق مُبارات
مساءله 381 :
اگر زن و شوهر یکدیگر را نخواهند و زن مالی به مرد بدهد که او را طلاق دهد آن طلاق را ((مبارات)) گویند
مساءله 382 :
اگر زن در بین عدّه طلاق خُلْع یا مبارات از بخشش خود برگردد شوهر می تواند رجوع کند و بدون عقد دوباره او را زن خود قرار دهد.
مسائل متفرقه طلاق
مساءله 383 :
اگر با زن نامحرمی به گمان اینکه همسر خود اوست نزدیکی کند، چه زن بداند که او شوهرش نیست ، یا گمان کند شوهرش می باشد، باید عدّه نگاه دارد.
مساءله 384 :
زنی که به عقد دائم درآمده و شوهرش گم شده ، اگر بخواهد به دیگری شوهر کند، باید نزد مجتهد عادل برود و به دستور او عمل نماید.
مساءله 385 :
پدر و جد پدری دیوانه در صورتی که مفسده و ضرری در کار نباشد، می توانند زن او را طلاق بدهند.

کسانی که به واسطه خویشی ارث می برند سه طبقه هستند. و فعلاً ما کاری به طبقات سه گانه نداریم و مورد بحث ما در این رساله زن و شوهری که از یکدیگر ارث می برند است .

ارث زن و شوهر

مساءله 386 :

زن و شوهر در ازدواج دائم با وجود جمیع طبقات سه گانه ای که گفته شد از یکدیگر ارث می برند. و وجود هیچ یک از این طبقات مانع ارث بردن آن دو از یکدیگر نیست .

مساءله 387 :

اگر زنی بمیرد و اولاد نداشته باشد، نصف همه مال را شوهر او، و بقیه را ورثه دیگر می برند، و اگر از آن شوهر یا از شوهر دیگر اولاد داشته باشد، چهار یک (14) همه مال را شوهر و بقیه را ورثه دیگر می برند.

مساءله 388 :

اگر مردی بمیرد و اولاد نداشته باشد، چهار یک (14) مال او را زن ، و بقیه را ورثه دیگر می برند، و اگر از آن یا از زن دیگر اولاد داشته باشد، هشت یک (18) مال را زن ، و بقیه را ورثه دیگر می برند. و زن از همه اموال منقول ارث می برد. ولی از زمین و قیمت آن ارث نمی برد، چه زمین خانه مسکونی باشد یا زمین باغ و زراعت و غیر آن . و از قیمت هوایی مثل بنا و درخت ارث می برد، و بنابراظهر با رضایت وارثان از خود هوائی هم می تواند ارث ببرد، و بنابراظهر در آنچه که گفته شد فرق ندارد، زن از این شوهر اولاد داشته باشد یا نه ، اگرچه احتیاط در مورد زن بچه دار در ارث بردن از زمین خوب است .

مساءله 389 :

اگر زن غیر از شوهر وارثی ندارد، بنابر اقوی همه مال به شوهر می رسد، ولی اگر شوهر غیر از زن وارث ندارد زن سهم خود را که چهار یک (14) است می برد و بقیه بنابر اقرب ، از امام علیه السّلام ست .

مساءله 390 :

اگر برای پرداخت سهم زن بخواهند بنا و درخت و مانند آن را قیمت نمایند باید اجزای آن را قیمت کنند، ولی احتیاط مستحب در این است که ببینند اگر آنها بدون اجازه در زمین بمانند تا از بین بروند چقدر ارزش دارند، و آن را برای پرداخت مبنا قرار دهند.

مساءله 391 :

اگر میت بیش از یک زن داشته باشد، چنانچه اولاد نداشته باشد چهار یک

(14) مال ، و اگر اولاد داشته باشد هشت یک (18) مال به شرحی که گفته شد، به طور مساوی بین زنهای دائمی او تقسیم می شود، اگرچه شوهر با هیچ یک از آنان یا با بعضی از آنان نزدیکی نکرده باشد.

مساءله 392 :

اگر مردی در حال مرض با زنی ازدواج دائم نماید و در آن مرض بمیرد و نزدیکی هم نکرده باشد، زن از آن مرد ارث نمی برد و حق مهر هم ندارد، و اگر نزدیکی کرده باشد ویا از آن مرض خوب شده و به غیر آن مرض از دنیا رفته باشد آن زن هم از او ارث می برد و هم حق مهر دارد، و اگر زنی که شوهرش با او نزدیکی نکرده در زمان مریضی شوهر از دنیا رفت شوهر از آن ارث نمی برد و حق مهر هم برای زن نیست بنابراظهر، اگرچه احتیاط مستحب در صلح است .

مساءله 393 :

اگر زن را به ترتیبی که در احکام طلاق گفته شد طلاق رجعی بدهد و آن زن قبل از اتمام عدّه بمیرد، شوهر از او ارث می برد، و نیز اگر شوهر قبل از اتمام عدّه زن بمیرد، زن از او ارث می برد، ولی اگر بعد از اتمام عدّه رجعی یا در عدّه طلاق بائن یکی از آنان بمیرد، دیگری از او ارث نمی برد.

مساءله 394 :

اگر شوهر در حال مرض عیالش را طلاق دهد، اگرچه طلاق بائن باشد، و قبل از گذشتن دوازده ماه هلالی بمیرد، زن با دو شرط از او ارث می برد:

1 - آن که در این مدت شوهر دیگر نکرده باشد.

2 - آن که شوهر در ادامه همان مرضی که در آن مرض زن را طلاق داده ، به واسطه آن مرض یا به جهت دیگری بمیرد، پس اگر از آن مرض خوب شود و به جهت دیگری از دنیا برود، زن از او ارث نمی برد.

مساءله 395 :

زنی که به عقد موقت به نکاح مردی درآمده از مرد ارث نمی برد و مرد نیز از او ارث نمی برد اما ارث بین پدر و فرزند یا مادر و فرزند ثابت است .

مساءله 396 :

مرد و زن زناکار و خویشان آنها از فرزندی که از زنا به دنیا آمده ارث نمی برند، ولی اولاد چنین فرزندی و شوهر با زن او، از او ارث می برند.

مساءله 1 :
رقصیدن زن در مجالس زنان ، و یا در مجالس مردان اشکال دارد و احتیاط واجب در ترک است .
مساءله 2 :
دیدن نا محرم از طریق تلویزیون و شنیدن صدای آنها، که مقرون به فساد و ریبه است اشکال دارد و بعض اقسام آن حرام یقینی است .
مساءله 3 :
سن بلوغ دختر تمام شدن نُه سال قمری است ، ولی تکالیفی که قدرت بر انجام آن نداشته باشد، مثل روزه ، از جهت عدم قدرت ساقط است ، ولی بعداً باید قضا نماید. ولی اگر می تواند در همان رمضان بطور منفصل (مثلا یک روز در میان) انجام دهد باید انجام دهد.
مساءله 4 :
استفاده زن از قرص برای جلوگیری از عادت ماهانه ، برای اینکه بتواند در ماه رمضان روزه بگیرد چنانچه ضرر مرض آور داشته باشد جایز نیست .
مساءله 5 :
بازی کردن با آلات قمار، از قبیل ((نرد)) و ((پاسور)) و ((شطرنج))، با برد باخت حرام قطعی ، و بدون برد و باخت احتیاط در ترک آن است و در شطرنج احتیاط شدیدتر است .(این حکم در صورتی است که همان شطرنج معهود قدیم باشد)
مساءله 6 :
جلوگیری کردن زن از بار داری قبل از انعقاد نطفه اشکال ندارد، و عمل جرّاحی برای آن ، اگر ضرورت لازم عقلایی داشته باشد و با رضایت شوهر انجام شود مانعی ندارد، به شرط آنکه از لمس و نظر حرام اجتناب شود ولی عقیم کردن جایز نیست .
مساءله 7 :
اگر زنی علم پیدا کرد که شوهرش مرده است و شوهر کرد و بعداً شوهر اولش پیدا شد، آن زن زوجه شوهر اول است و نسبت به دومی شبهه است و باید عدّه وطی به شبهه نگه دارد.
مساءله 8 :
در موردی که به تشخیص دکتر حمل برای مادر ضرر دارد و ادامه حمل ممکن است منجر به مرگ مادر شود چنانچه اشکالی در تشخیص دکتر نباشد و تحقیق کامل هم در این جهت شده باشد، سقط جنین قبل از دمیده شدن روح مانعی ندارد.

مساءله 9 :
زن باید برای بیرون رفتن از منزل از شوهر خود اجازه بگیرد و یا علم به رضایت او داشته باشد. مگر در واجبات شرعی و چنانچه در ضمن عقد شرط کرده باشد که زن برای شغلش مثلاً بتواند به خارج از منزل برود، و یا عقد مبتنی بر این شرط واقع شده باشد، این شرط نافذ است .
مساءله 10 :
زنی که شوهر کرده و از وطن خود به شهر دیگر می رود، در صورتی که از وطن اصلی خود اعراض نکرده باشد، هر وقت به آنجا می رود نمازش تمام است و روزه را باید بگیرد، و اگر به سبب تبعیت از شوهر یا جهات دیگر اعراض کرده در وطن اصلی حکم مسافر را دارد.
مساءله 11 :
در موردی که شوهر به وطن اصلی خود که از آنجا اعراض نکرده ، رفته و همسر وی با او به آن محل می رود، در صورتی که زن قصد اقامت ده روز نداشته باشد نمازش شکسته است و میزان قصد خود زن است و لو قصد از جهت تبعیت شوهر باشد.
مساءله 12 :
دست زدن (کف زدن) در مجالس جشن و سخنرانی جهت تشویق افراد اگر به حد لهو نرسد مانعی ندارد.

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ في سَبيلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ
(سوره توبه آیه 41)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص 159
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال 1340 هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال 1385 هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازيهاي رايانه اي و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار هاي تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط 2350524)

ز)طراحی سیستم هاي حسابداري ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگي مذهبي قائمیه اصفهان
تاریخ تأسیس: 1385 شماره ثبت : 2373 شناسه ملی : 10860152026
وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com
فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com
تلفن 25-2357023- (0311) فکس 2357022 (0311) دفتر تهران 88318722 (021) بازرگانی و فروش 09132000109 امور کاربران (0311)2333045

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت

امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.
شماره حساب 621060953 ، شماره کارت :6273-5331-3045-1973و شماره حساب شبا : IR90-0180-0000-0000-0621-0609-53به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».